صبح صادق

دوشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۶
۲۹ شوال ۱۴۳۸
سال هجدهم شماره ۸۰۸
۱۲ صفحه

هفته‌نامه داخلی
سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

www.sobhesadeghweekly.ir

پیام‌های عملیات استشهادی مسجدالاقصی

صفحه ۳

ارز تک‌نرخی رؤیای دولت یازدهم

صفحه ۴

اردوغان به دنبال امنیت سیاسی

صفحه ۵

سند ۲۰۳۰ و اثرات آن بر زندگی

صفحه ۷

همه چیز برای فروش

صفحه ۱۲

بررسی شاخصه‌های کابینه دوازدهم در گفت‌وگوی صبح صادق با دو فعال سیاسی

زارع‌فومنی:

دولت باید در انتخاب وزرا نگاه فراجناحی داشته باشد

موسوی:

کسانی انتخاب شوند که در برابر دشمن مقاوم باشند

صفحه ۱۰

بازتعریف منافع ملی و هویت ملی
در گفت و گوی اختصاصی صبح صادق
با دکتر حسین کچوئیان

هویت دینی ملّیت ایرانی را می‌سازد

صفحه ۲

صبح صادق استراتژی برجامی ایران و آمریکا را واکاوی می کند

غروب آفتاب تابان

اگرچه برخی تحریم‌ها از روی کاغذ برداشته شده، اما اثر روانی و عملی آن همچنان در میان بانک‌ها و شرکت‌های مختلف جهان باقی است و واشنگتن نیز عملاً از این قضیه رضایت داشته و دلیلی نمی‌بینند که گامی در جهت شکستن این جو روانی بردارد

ترامپ دریافته است که به پاره کردن برجام نیازی نیست. می‌توان از مزایای آن بهره برد و به تعهدات نیز عمل نکرد و حتی آن را نقض هم کرد و هزینه‌ای نپرداخت. پیشینه نقض عهدها در دوره اوباما و عدم واکنش جدی دولت ایران، این تصور را تشدید کرده است

نشریه ویکلی استاندارد به نقل از یک مقام آگاه در کاخ سفید نوشت دونالد ترامپ- رئیس‌جمهور آمریکا ـ به دنبال پاره کردن یا اصلاح برجام نیست؛ بلکه خواهان دائمی شدن محدودیت غنی‌سازی ایران از طریق انعقاد یک توافقنامه ثانویه میان کشورهای امضاکننده برجام است

صفحه ۶

آماده ارائه خدمات بیمه‌ای به پاسداران و مراکز سپاه هستیم

صفحه ۱۱

تتلوگرایی؛ احساسات انتخاباتی یا عقلانیت سیاسی

صفحه ۳

سرلشکر باقری در جمع فرماندهان نیروی زمینی سپاه

شجاعت، ابتکار و خلاقیت و مجاهدت شما امنیت را در مرزها برقرار کرد

صفحه ۱۱

سرمقاله

خلأیی که با موضع قاطعانه پر می‌شود

علی حیدری/ موضع‌گیری شجاعانه، قاطعانه و تهاجمی علیه دشمنان انقلاب اسلامی از نکات پرتکرار در بیانات و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی است که در چارچوب سه اصل عزت، حکمت و مصلحت همواره از مسئولان سیاست خارجی کشورمان مورد انتظار بوده است. سه اصل اساسی که به منزله یک مثلث الزامی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی و ارتباطات بین‌المللی کشورمان قرار داده شده و تعامل سازنده با جهان در سند چشم‌انداز بیست ساله کشور نیز بر مبنای این سه اصل مورد توجه قرار گرفته است. تجربه نشان داده است هر جا از این اصول تبعیت کردیم، نه تنها دولت‌ها و ملت‌ها، بلکه قدرت‌های جهانی هم به ناچار به حقوق اساسی ملت ایران احترام گذاشتند و هر جا که از اصول و آرمان‌های خود کوتاه آمدیم، شاهد تعرض بیگانگان به منافع ملی و حقوق مسلم خود بودیم.

نگاهی به عرصه سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی، به ویژه در دوران چهار ساله دولت تدبیر و امید نشان می‌دهد، با وجود تلاش‌های دیپلماتیک فراوانی که از سوی دستگاه دیپلماسی در ماجرای گفت‌وگو با کشورهای ۱+۵ برای حل‌وفصل پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی انجام شد، متأسفانه در برخی مقاطع به نام تعامل و مذاکره با دولت‌های دیگر شاهد نوعی انفعال و کوتاه آمدن از آرمان‌ها و اهداف در مواجهه با قدرت‌های جهانی هستیم تا حدی که مواضع مداخله‌جویانه قدرت‌های استکباری را هم بی‌پاسخ می‌گذاریم. در چنین شرایطی است که خلأ ایجاد شده در فضای دیپلماسی باید با پاسخی در خور شأن دشمن پر شود.

در همین راستا، هفته گذشته سردار سرلشکر باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در همایش فرماندهان نیروی زمینی سپاه تحلیلی از تهدیدات نوین امنیتی و تلاش قدرت‌های استکباری و دولت‌های مرتجع منطقه‌ای برای کشاندن تهدید به داخل مرزهای ایران ارائه کرد و در بخشی از سخنانش گفت: «مقامات آمریکایی قدری عاقلانه‌تر، سنجیده‌تر و پخته‌تر نسبت به دیگر کشورها آن هم کشور مقتدری، مانند ایران که با سربلندی و صلابت برابر تمامی توطئه‌ها ایستادگی کرده، صحبت کنند و بیش از این با آبروی نداشته خود بازی نکنند.» سردار سرلشکر جعفری، فرمانده کل سپاه نیز در همین نشست گفت: «اگر آمریکا بخواهد موضوع تحریم دفاعی و تحریم سپاه را دنبال کند قبل از آن، باید پایگاه‌های منطقه‌ای خود را تا عمق هزار کیلومتر در اطراف ایران جمع‌آوری کند.» وی با اشاره به فریبکاری‌های دشمن در قالب توافق برجام، تأکید کرد: «ملت ایران بی‌صبرانه در انتظار موضع‌گیری مقتدرانه مسئولان سیاست خارجی کشور است.»

این اظهارات فرماندهان ارشد نظامی در حالی اتخاذ شد که اقدامات اخیر آمریکایی‌ها از مواضع خصمانه وزیر خارجه آمریکا گرفته تا سخنان نماینده این کشور در سازمان ملل که رنگ و بوی دخالت و تهدید داشت و اعمال تحریم‌های جدید آمریکا علیه کشورمان با پاسخ درخور و بموقع از سوی مسئولان دولتی مواجه نشده بود.

پاسخ فرماندهان نیروهای مسلح به اقدامات و موضع‌گیری‌های آمریکایی‌ها با هدف رفع تهدید و جلوگیری از جسارت‌ها و گستاخی‌هایی بود که در عرصه سیاست خارجی بروز و ظهور می‌کرد و پاسخ درخوری هم به آنها داده نمی‌شد. اتفاقاً این گونه اظهار نظر فرماندهان نیروهای مسلح کشورمان که برخی رسانه‌های غربی از آن به عنوان «تهدید» نام بردند، با هدف جلوگیری از تشدید فضای تنش و یکجانبه‌گرایی برخی قدرت‌ها صورت می‌گیرد که فراموش نکنند در فضای بین‌المللی به حقوق دیگر ملت‌ها احترام بگذارند و از موضع قدرت با آنها سخن نگویند.

نماینده ولی‌فقیه در سپاه

شجاعت و صراحت در برابر دشمن از شاخصه‌های انقلابی‌گری است

حجت‌الاسلام‌والمسلمین سعیدی درک صحیح از مقتضیات زمان را از مؤلفه‌های انقلابی‌گری دانست و گفت شناخت دشمن و حساسیت در برابر نفوذ، شجاعت و صراحت در برابر دشمن از شاخصه‌های مهم انقلابی‌گری است و نباید در برابر دشمن دچار ترس و دلهره شد.

به گزارش صبح صادق حجت‌الاسلام والمسلمین علی سعیدی نماینده ولی‌فقیه در سپاه در چهارمین همایش مشترک مدیران حوزه‌های علمیه، مسئولان دفتر نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه و مسئولان بسیج طلاب و روحانیون کشور که در مجتمع آموزشی‌فرهنگی یاوران مهدی(عج) برگزار شد، با اشاره به نقش علما در زمان غیبت امام زمان(عج) اظهار داشت: «رسالت اصلی روحانیت در این برهه از زمان آگاه‌سازی، هوشیارسازی و معنویت‌افزایی در جامعه است.» وی با اشاره به اهمیت استانداردسازی معیارها در پیشبرد اهداف و آرمان‌ها گفت: «اسلام دینی است که تعریف دقیقی از انسان دارد و برای کمال بشر دو اصل رهبری مطلوب و قانون مطلوب برای جامعه بسیار مهم است.»

نماینده ولی‌فقیه در سپاه انقلاب‌زدایی از مقدسات، شخصیت‌ها و نهادهایی همچون حوزه، دولت و جامعه را از دیگر تهدیدات مهم برشمرد و گفت: «در دوران غیبت استاندارد دین اجتهاد و عدالت واقعی است که اگر برای مردم به درستی تبیین شود، با چالش‌های مختلف روبه‌رو نخواهیم شد.»

وی افزود: «تبعیت از ولی‌فقیه یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های انقلابی‌گری است و تشخیص و عمل در حوادث مهم منطقه و بین‌الملل برعهده و تشخیص رهبری است.»

نماینده ولی‌فقیه در سپاه با اشاره به پدیده‌های جریانی در کشور خاطرنشان کرد: «پدیده‌های جریانی دارای عقبه و پیشینه هستند و برای آن برنامه‌ریزی و اندیشه کرده‌اند. حقیقت این است که امروز در برابر انقلاب جریانی وجود دارد که غرب‌گرا و غرب‌باور است که حل مشکلات را در گرو حل‌شدن در الزامات جهانی می‌داند.»

حجت‌الاسلام‌والمسلمین سعیدی با اشاره به نقش حوزه‌های علمیه در شکل‌گیری دولت و مجلس انقلابی گفت: «حوزه به مثابه استاد و مرشد انقلاب است و باید بینش، بصیرت و اخلاق سیاسی را در بین مسئولان و مدیران کشور نهادینه کند.»

وی با اشاره به برخی از اقدامات تأثیرگذار تیپ ۸۳ امام صادق(ع) در حل معضلات جامعه گفت: «ماهیت این تیپ، رزمی تبلیغی است و وظیفه آن شناسایی برادران و خواهران طلبه انقلابی است.»

نماینده ولی‌فقیه در سپاه در پایان با اشاره به نقش و جایگاه بسیج اساتید قم و حضور بیش از ۹۰۰ استاد در آن، تصریح کرد: «بعد از تشکیل بسیج اساتید قم، بسیج اساتید اصفهان، خراسان و تهران شکل گرفت و این سبب شد تا با توجه به استقبال گسترده اساتید حوزوی کشور از این طرح، بسیج طلاب کشور تشکیل شود و تا امروز نیز برکات زیادی داشته است.»

سردار قاسم سلیمانی

عزت پایدار امروز ما مرهون خون شهداست

سرلشکر قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه عصر در مراسم یادواره شهدای کن اظهار داشت ما دینی نسبت به شهدا داریم که ریشه در بن اعتقادات ما دارد و ما نسبت به درک این جایگاه بنا به قول حضرت امام(ره) عاجز هستیم.

وی افزود: «اگر چه نسبت به این جایگاه معرفت نداریم؛ اما به چگونگی حصول به این جایگاه معرفت داریم. کسی نمی‌تواند بگوید که نسبت به چگونه رسیدن به مقام شهادت معرفت ندارد و هر انسانی می‌تواند به این مقام نائل شود.»

فرمانده نیروی قدس سپاه ادامه داد: «ما تمامیت ارضی و استقلال و عزت خودمان را مدیون شهدا هستیم و اگر شهدا نبودند و از خانواده خود نمی‌گذشتند، امروز عزت کشور ما پایدار نبود.»سرلشکر سلیمانی تصریح کرد: «دوران دفاع مقدس یک الگویی است برای همه دوره‌های انقلاب و این دوران تجربه موفقی برای همه دوران‌ها است.»وی خاطرنشان کرد: «اگر بخواهیم جامعه را که مهم‌ترین نگرانی در آن تربیت است را راهنمایی کنیم، باید به ویژگی‌های دفاع مقدس برگردیم. یکی از ویژگی‌های جنگ حاکمیت دین بود.»

فرمانده نیروی قدس سپاه با بیان اینکه یکی دیگر از ویژگی‌های دفاع مقدس فضای مدیریتی حاکم بر آن بود گفت: «اگر جامعه‌ای می‌خواهد منزه بشود، اولین چیزی که در آن تأثیر دارد مدیران جامعه هستند. اگر بر رفتار مدیران اصول اعتقادات به صورت عملی استوار بود، آنها موفق می‌شوند. اگر در رفتار مسئول اعتقادات محوریت داشت این اثر تربیتی بزرگی دارد.»وی ادامه داد: «در جنگ عارف‌ترین عرفا تربیت شدند، این امر به دلیل حجم بالای دینداری بود که حضرت امام تأثیر زیادی در آن داشت.»سرلشکر سلیمانی با اشاره به داستان حضرت ابراهیم(ع) گفت: «تمام کفار در مقابل حضرت ابراهیم(ع) ایستادند و بعضی سرمایه خود را برای خرید هیزم و سوزاندن ایشان هزینه کردند. در همین داعش دیدم که افرادی از اینکه نوبت عملیات انتحاری آنها به تأخیر افتاده ناراحت هستند.»فرمانده نیروی قدس سپاه اظهار داشت: «فرهنگ شهید جز مؤثرترین کارهای فرهنگی است و ما برای اینکه جامعه‌مان به حقیقت خودش بازگردد باید این فضا را برای همه نوع افراد آماده کنیم.»

یادداشت

ملاحظات ملی در انتخابات شهردار

مهدی سعیدی/ امروز داستان مدیریت کلان‌شهرها به یکی از مهم‌ترین مسائل مدیریتی در سطح جهانی تبدیل شده است. اداره کلان‌شهرها گاهی به قدری اهمیت دارد که بی‌شک از اداره چندین وزارتخانه سنگین‌تر می‌شود. واقعیت آن است که مدیریت چنین شهرهایی که جمعیت آنها از تعداد زیادی از کشورهای جهان بیشتر است را می‌توان با جایگاه ریاست‌جمهوری مقایسه کرد.

با این مقدمه کوتاه باید گفت که مدیریت کلان‌شهر تهران نیز یکی از مسائل مهمی است که تصمیم‌گیری درباره آن به روزهای آتی سیاست کشور کشیده شده است. جریان‌های سیاسی تلاش دارند تا در تصمیم منتخبین شورای شهر تهران نقش‌آفرین باشند و گزینه مطلوب خود را به جایگاه شهردار برسانند.

پس از هفته‌ها رایزنی و شایعات فراوانی که در فضای سیاسی کشور منتشر شد، هفته گذشته اعضای شورای شهر پنجم تهران، جلسه رسمی خود با هدف برگزیدن نامزدهای مطلوب برای معرفی شهردار جدید کلان‌شهر تهران را آغاز کردند؛ جلسه‌ای که در آن با انتخاب هفت گزینه نهایی از میان ۲۴ نفر پیشنهادی، تا حد زیادی حل معمای شهردار آینده تهران آسان شد. اسامی افراد موجود در این فهرست عبارت بود از: ۱ـ عباس‌احمد آخوندی، ۲ـ معصومه ابتکار، ۳ـ علی‌اصغر احمدی، ۴ـ سیدمحمدعلی افشانی، ۵ـ حبیب‌الله بیطرف، ۶ـ وفا تابش، ۷ـ اکبر ترکان، ۸ـ احمد ترک‌نژاد، ۹ـ هاشم تقی‌زاده‌خامسی، ۱۰ـ محمد پژمان، ۱۱ـ علیرضا جاوید، ۱۲ـ سیدمحمود حسینی، ۱۳ـ پیروز حناچی، ۱۴ـ محمدصادق خرازی، ۱۵ـ ابوالفضل رضوی، ۱۶ـ محمد ستاری‌فر، ۱۷ـ محمد شریعتمداری، ۱۸ـ الهه کولایی، ۱۹ـ سیدحسین مرعشی، ۲۰ـ محسن مهرعلیزاده، ۲۱ـ حجت میرزایی، ۲۲ـ محمدعلی نجفی، ۲۳ـ محسن نریمان و ۲۴ـ رضا ویسه.

در این میان محمدعلی نجفی با ۲۱ رأی، حسین مرعشی با ۲۰ رأی، الهه کولایی با ۱۶ رأی، محمدعلی افشانی با ۱۴ رأی، حبیب‌الله بیطرف با ۱۲ رأی، محمد شریعتمداری با ۱۱ رأی و محسن مهرعلیزاده با ۹ رأی به عنوان شش گزینه دیگر نهایی برای تصدی پست شهردار تهران برگزیده شدند. هفت گزینه نهایی دو هفته فرصت خواهند داشت تا برنامه خود را برای مدیریت این شهر به اعضای شورا ارائه دهند تا پس از بررسی‌های نهایی، گزینه نهایی شهرداری تهران انتخاب شود. در این میان برخی افراد نیز به جای ارائه برنامه، استعفای خود را از نامزدی شهرداری تهران اعلام داشته‌اند!

مروری بر نام گزینه‌های نهایی، غلبه رویکرد سیاسی بر فضای گزینش و تصمیم‌گیری را در شورای شهر پایتخت نشان می‌دهد و حکایت از مسیری دارد که نگرانی‌هایی را برای شهروندان تهران ایجاد کرده است؛ چرا که روندی که باید مبتنی بر شایسته‌سالاری دنبال شود، با تأثیرپذیری از مسائل سیاسی، از روند شایسته‌سالاری خارج شده و سمت و سوی جناحی یافته و در این میان افرادی در مظان شهردار شدن هستند که سوابق سیاسی‌شان بیش از صلاحیت‌های کارشناسی است!

این خطای راهبردی می‌تواند فرصت‌های بسیاری را به ضرر ملت بسوزاند و ناکارآمدی حاصله توان و انرژی و سرمایه‌های مادی و معنوی شهر را به هدر دهد و این در حالی است که کلان‌شهرمان همچنان با معضلاتی جدی مواجه است که رفع آنها نیازمند تلاش‌های بی‌وقفه همه مسئولان است. خاطرات تلخ سیاسی شدن شورای شهر تهران در دور اول که اتفاقاً افرادی همسو و همفکر با اعضای شورای شهر امروز تهران آن را مدیریت می‌کردند، بر این نگرانی‌ها افزوده است. در آن سال‌ها که دوران اوج حاکمیت جریان اصلاح‌طلب بود، اختلافات سیاسی در درون شورا به حدی بالا گرفت که در طول تمام دوره چهار ساله، هیچ‌گاه آرامش لازم برای مدیریت شهری حاصل نشد! تنش‌ها و درگیری‌ها در شورا تأثیر مستقیم خود را بر شهرداری گذاشت، به نحوی که در طول چهار سال چند بار شهردار تهران تغییر کرد و حتی زمان‌هایی بود که پایتخت بدون مدیریت رها شده بود!

بی‌شک تغییر روند تصمیم‌گیری در شوراها برای جلوگیری از تکرار خطاهای گذشته و بازگشت آن به مسیر صحیح، نیازمند مطالبه‌ای عمومی و رسانه‌ای است که باید در این چند روزه شدت گیرد تا سرنوشت کلان‌شهر پایتخت به دست فردی سپرده شود که از توانمندی‌های مثبت اجرایی برخوردار بوده و مصالح عمومی را بر منافع جناحی ترجیح دهد.

سؤال تریبون ۸

مهم‌ترین معضل اقتصاد ایران را چه می‌دانید؟

همراه با ۳ جایزه

پیامک ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

آخرین فرصت پاسخ به تریبون ۸
۱۱ مرداد ۹۶

صفحه ۱۱

پیامک صبح صادق
۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

اگر شهدا سینه سپر نمی‌کردند

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار خانواده شهیدان امیدیان ضمن گفت‌وگویی با مادر و برادران شهیدان، فرمودند: «بعضی نمی‌فهمند اگر شهدا سینه سپر نمی‌کردند، امروز تهران و خوزستان دست چه کسی بود؟!» رهبر معظم انقلاب پیشتر هم گفته بودند: «اگر اینها (مدافعان حرم) مبارزه نمی‌کردند، دشمن می‌آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی‌شد باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استان‌ها با آنها می‌جنگیدیم.»

یادداشت

دموکراسی به شرط چاقو!

□ امین پناهی/ «دموکراسی به شرط چاقو» پدیده‌ای که مدتی است در فضای گفتمانی کشور شاهد آن هستیم، عبارت است از اینکه؛ در موضوعی یک اتفاق که مبتنی بر دموکراسی باشد و در مواردی هم حتی اگر نباشد، می‌پذیریم، سپس آن‌قدر از آن دفاع کرده و مخالفانش را سنگباران می‌کنیم تا گزاره مورد نظرمان را به کرسی بنشانیم. حال اگر آن اتفاق بر وفق مراد ما نبود و هرچند بر مبنای دموکراسی، جمهوریت و مردم‌سالاری بوده و یا در جهت عزت ملت ایران باشد آن را نفی می‌کنیم، مورد انتقاد قرار می‌دهیم و به سخره می‌گیریم و آن‌قدر به موافقین آن حمله می‌کنیم تا خودشان پشیمان شده و پا پس بکشند.

برای نمونه اگر دو نفر در یک موقعیت و جایگاه مشابه، یک عمل را انجام دهند، ما که معتقد به دموکراسی چاقویی هستیم، باید به گونه‌ای جلوه دهیم که فرد هم‌طیف ما در این موقعیت عملی شبیه به ایثار از خود نشان داده و فرد طیف مقابل ما عملی شبیه به فسادفی‌الارض!

هرچقدر هم بتوانیم «ننه من غریبم» در بیاوریم، قطعاً نتیجه کارمان بهتر خواهد بود. حال اگر برای نمونه یک هنرمند غیر ارزشی از گذشته ناصحیح خود نادم شد و سعی کرد به سمت ارزش‌های اسلامی حرکت کند، چه اینکه این تغییرِ رویه در حد یک چادر سر کردن ساده که حجاب برترِ ملیِ خودمان محسوب می‌شود، باشد به قدری عرصه را برای او تنگ می‌کنیم که شاید ماندن در موطن اصلی ترجیح او نباشد و برای فرار از این وضعیت گمنامی را در بیرون از کشور دنبال کند، یا اینکه هنرمندی که تا دیروز آهنگ‌های ضد ارزشی می‌خوانده و کارهای ناشایست انجام می‌داده که کک‌شان هم نمی‌گزیده و حالا که به اذعان خودش به راه امام حسین(ع) و اباالفضل‌العباس(ع) ملحق شده باید علیه او چنان تبلیغی به راه بیفتد که گوش فلک را کر کند. حالا نباید پرسید که نگاه ما نسبت به حربن‌یزید ریاحی در روز کربلا چه بود؟ یا اگر آن روز هم بودیم چنان او را تحقیر و تقبیح می‌کردیم و یا بر اباعبدالله‌الحسین(ع) خرده می‌گرفتیم که چرا عذر کسی را پذیرفته که تا دیروز در بیعت یزید و عمرسعد بوده است! اگر بودیم به امام حسین(ع) می‌گفتیم که با این حرکت شأن ولایت و امامت را تنزل داده است یا نه. در واقع بهتر بگوییم باید به جای خدا بنشینیم و حکم کنیم. حالا اگر اتفاقی در طیف خودی‌ها شکل گرفت، برای نمونه اگر فردی که تا دیروز ادعای اسلامی بودن داشت و رفت در آن مملکت کفر و در لباس روحانیت دست به سمت زنان دراز کرد و لبخند بر لب و خاضعانه دست‌شان را فشرد، باید لحظه به لحظه و با سینه‌ای سپر کرده از او دفاع کرد، یا اگر فلان خواننده که حالا شده بت فرهنگ‌دوستی و نامش مناسبات سیاسی را جابه‌جا می‌کند و به لطف نامش رأی کاندیدای طیف‌مان را تغییر می‌دهیم، چرا که چیزی از عملکرد در دستان‌مان نیست که به مردم ارائه دهیم و اگر در آن فتنه‌ای که کمر به براندازی جمهوری اسلامی ایران بسته بود برود در آن سوی مرزها و در کنار خوانندگان خارج‌نشین عکس یادگاری بگیرد و علیه انتخاب ملت ایران بخواند، باید از او دفاع کنیم.

ایضاً در «دموکراسی به شرط چاقو» زمانی که نامزد مورد نظرشان از سوی ملت انتخاب شود، با ابراز خوشحالی ثمره آن انتخاب را دموکراتیک‌ترین انتخابات جهان تلقی می‌کنند و حال اگر فردی به جز آن کسی که مدنظر آنها باشد انتخاب شود می‌گویند در انتخابات تقلب شده، حتی اگر فاصله آرا بالای ۱۰ میلیون نفر باشد، همان‌گونه که نامزد متوهم در سال ۸۸ با همین نگاه جبران شکست را در کف خیابان‌ها دنبال کرد. طرفداران دموکراسی به شرط چاقو اتفاقات را به نحوی رصد می‌کنند که ببینند به نفع آنهاست، یا ضرر آنها. آنگاه که با آن پدیده مواجه می‌شوند، فکر نمی‌کنند که فاصله این اتفاق با حق و حقیقت و اصول اخلاقی چقدر است.

آخرین خبر

زمینه‌چینی برای اعلام پایبند نبودن ایران به برجام

«فارین‌پالیسی» در خبری اختصاصی مدعی شد ترامپ بعد از دیداری پرمناقشه با تیلرسون در هفته جاری در کاخ سفید به گروهی از کارکنانی که اعتماد دارد دستور داد به بررسی زمینه‌ها برای جلوگیری از تأیید پایبندی ایران به برجام در گزارش سه ماهه بعدی بپردازند، این نشریه در توضیح این ادعا می‌نویسد؛ یک منبع نزدیک به کاخ سفید به آن گفته است: «رئیس‌جمهور، کارکنان کاخ سفید را مأمور زمینه‌سازی برای حالت احتمالی تأیید نشدن (پایبندی ایران به برجام) در دوره بررسی ۹۰ روزه بعدی که اکتبر به پایان می‌رسد، کرد؛-وظیفه‌ای که او قبلاً به تیلرسون و وزارت دفاع محول کرده بود.» این منبع گفت: «رئیس‌جمهور به کاخ سفید گفته که می‌خواهد ۹۰ روز دیگر در موقعیتی باشد که پایبند نبودن (ایران به برجام) را اعلام کند و وظیفه آنها این است که او را به این نقطه هدف برسانند.» فارین‌پالیسی در ادامه می‌افزاید: «دولت ترامپ در شرایطی در حال انجام یک بررسی با مشارکت چندین نهاد در دولت آمریکا درباره سیاست‌های خود در قبال ایران است که نتایج این بررسی احتمالاً تا پایان تابستان جاری، ماندن یا خروج آمریکا از برجام را مشخص خواهد کرد.»

این منبع همچنین از بی‌اعتمادی روزافزون ترامپ به وزیر خارجه‌اش پرده برداشته و اضافه کرده است،

این نشریه آمریکایی در ادامه تاکید می‌کند فرایند جدید (تعیین گروهی برای بررسی پایبندی ایران به برجام) را به منزله به حاشیه راندن وزارت خارجه آمریکا است. ترامپ احساس می‌کند که وزارت خارجه آمریکا با خودداری از ارائه گزینه‌های دیگر تصمیم خود برای تأیید پایبندی ایران به برجام را پیش برده است. گفتنی است تصمیم جدید ترامپ بعد از ماه‌ها شکاف میان کاخ سفید و وزارت خارجه آمریکا بر سر توافق هسته‌ای ایران اتخاذ شده است.

نکته‌ونظر

غلام‌های ارباب

نکته: در سالی که قحطی بیداد کرده بود و مردم همه زانوی غم به بغل گرفته بودند، مرد عارفی از کوچه‌ای می‌گذشت، غلامی را دید که بسیار شادمان بود. به او گفت چطور در چنین وضعی می‌خندی و شادی می‌کنی؟ جواب داد که من غلام اربابی هستم که چندین گله و رمه دارد و تا وقتی برای او کار می‌کنم، روزی مرا می‌دهد، پس چرا غمگین باشم، در حالی که به او اعتماد دارم. آن مرد عارف که از عرفای بزرگ بود، گفت: «از خودم شرم کردم که غلامی به اربابی با چند گوسفند توکل کرده و غم به دل راه نمی‌دهد و من خدایی دارم که مالک تمام دنیاست و نگران روزی خود هستم.»

نظر: پس از قرارداد توتال رسانه‌های وابسته به دولت با شادی‌های زایدالوصفی از امضای این قرارداد این‌گونه نوشتند: «بفرمایید این هم گلابی برجام!» در همین حال سخنگوی فراکسیون امید مجلس شورای اسلامی گفت که سرمایه‌گذاری کشورهای معتبر خارجی در ایران و قراردادهایی مانند توتال می‌تواند به تضمین امنیت کشور بیفزاید. در حالی که کشور ما با داشتن امکانات بسیار و ثروت‌های هنگفت که خداوند به آن داده است می‌تواند به آرامی این دوران تحریم‌های تحمیلی را بگذراند، رئیس دولت دیداری با مدیر توتال انجام می‌دهد که در حد استقبال از یک رئیس‌جمهور است! دل خوش کردن دولت به ارباب‌های کوچک که به راحتی ما را رها می‌کنند و اطلاعات ما را در اختیار کشور قطره‌ای قطر قرار می‌دهند، نمی‌تواند با شعار عزت، حکمت و مصلحت سازگار باشد.

بازتعریف منافع ملی و هویت ملی در گفت و گوی اختصاصی صبح صادق با دکتر حسین کچوئیان

هویت دینی ملیّت ایرانی را می‌سازد

□ حسن فلاح/منافع ملی آن چیزی است که به پیشرفت و اعتلای کشور در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... منجر می‌شود. اما آنچه درباره شناخت منافع ملی باید مورد نظر قرار گیرد، متضاد نبودن آن با هویت ملی ماست که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. رهبر معظم انقلاب در دیدار رمضانی امسال خود با سران نظام فرمودند: «آن وقتی منافع واقعاً منافع ملی هستند که با هویت ملی و انقلابی ملت در تعارض نباشند، والا آنجایی که ما چیزی را به عنوان منافع ملی در نظر می‌گیریم، لکن هویت ملی را پایمال می‌کنیم، قطعاً اشتباه کرده‌ایم، این منافع ملی نیست.» در حقیقت، این منافع ملی است که باید با هویت ملی تطبیق داده شود، نه اینکه هویت ملی تابع منافع باشد. باید توجه داشت که همواره در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عده‌ای در داخل کشور مفهوم منافع ملی را تحریف کرده و به دنبال ایجاد کشوری بی‌هویت و بدون آرمان و اراده سیاسی بوده‌اند تا از این طریق بتوانند ضربه عمیق خود را بر پیکر نظام جمهوری اسلامی وارد کنند.

برای بررسی و واکاوی بهتر این موضوع به سراغ دکتر «حسین کچوئیان» جامعه‌شناس، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی رفتیم و با وی گفت‌وگویی را انجام دادیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

*** طی سال‌های گذشته نوعی رفتارهای آکادمیک صورت گرفته که درصدد جاانداختن تعبیر اشتباه از منافع ملی در ذهن جوانان و ملت ایران بوده است، به گونه‌ای که با هویت اسلامی و انقلابی، مغایرت دارد. به نظر شما چرا عوامل نفوذی دشمن درصدد تغییر معنای منافع ملی هستند؟**

مسئله فراتر از چارچوب محدودی است که اشاره می‌کنید، یعنی بحث ایدئولوژیک و تاریخی است! البته ذیل اینها دشمنی هم موضوعیت پیدا می‌کند. حال بحث ایدئولوژیک و تاریخی به چه معنا است؟ به این معنا که از ابتدای دوران مدرن تا پس از انتقال این مسائل و مفاهیم به جهان‌های غیر مدرن فرایندی وجود داشته یا شکل گرفته که مطابق با آن، جهان مدرن که بخشی از آن همین نظام‌های سلطه و ساختارهای سیاسی سلطه و نظامات یا رژیم‌های سیاسی سلطه‌طلب و دشمنی‌های آنها را هم در برمی‌گیرد، پیگیر هدف تثبیت این سیستم‌ها و نظامات خاص خودشان هم از نظر سیاسی و هم از نظر ایدئولوژیک هستند؛ یعنی غرب وقتی شروع کرده که مفهوم ملت و ملی‌گرایی موضوعیت نداشته، چراکه ملت و ملی‌گرایی از مفاهیم خاص جهان مدرن است. اینها وقتی شروع کردند، منازعه‌ای به وجود آمد؛ چون همه نهادها و سنت‌های فکری یا عملی موجود، دینی بوده‌اند؛ یعنی در جهان غرب، پیش از جهان مدرن مسیحیت را داشته‌ایم و در جهان ما اسلام را داشته‌ایم که اینها برای پس زدن سنت‌های دینی و تثبیت خودشان و به تعبیری جاانداختن ارزش‌ها و مفاهیم خودشان، وارد چالش‌های مختلفی شدند. یکی از این چالش‌ها همان چالش‌های مربوط به جاانداختن مفهوم ملت و به تبع آن ملی‌گرایی است. ببینید خدا یا به طور کلی دین پیش از دوران مدرن محور انسجام و وحدت نظامات اجتماعی، حکومت‌ها و جوامع بوده است. اینها می‌خواهند این مفهوم اومانیستی و انسان‌گرایانه‌ای را که به اسم ملت است، جا بیندازند؛ یعنی در مقابل دین در قالب عقیده و ایدئولوژی که بشر را هدایت می‌کرده، چارچوب ایدئولوژیک جدیدی تحت عنوان «ملی‌گرایی» جا بیندازند. یعنی اینجا یک تقابل میان دنیای جدید که دنیای تجدد است و دنیای غیر متجدد که همان دنیای سنتی است به وجود آمد. که درصدد است مفاهیم خودش را به جای مفهوم خدا، دین و نظایر آن یا در واقع مفهوم ایدئولوژی ملی‌گرایانه را به جای ایدئولوژی دینی گسترش و ترویج دهد. اینجا نزاعی بین انواع جنبه‌های مختلف فکری و سیاسی دنیای متجدد و دنیای غیر متجدد ایجاد می‌شود.

به عبارتی، برای اینکه دنیای قدیم و سنت را از بین ببرند و خودشان و مفاهیم مدرن را جا بیندازند و مشروعیت بدهند، وارد منازعه می‌شوند. یکی از منازعه‌ها این است که به گونه‌ای مفاهیم را منتقل کنند که از نظر معرفتی عقلانی، موجه و معتبر باشد و از نظر دیگر هم مفاهیم و معانی ارزشمندی برای مردم باشد؛ یعنی مردم دوست داشته باشند که با هویت جدید و به نام ملت آنها را تحت عنوان ایدئولوژی ملی‌گرایانه تعریف کنند و در واقع دنبال ملی‌گرایی به منزله ایدئولوژی خود باشند. در این راستا، روش‌های مختلفی را دنبال می‌کردند که بخشی از آنها توطئه‌گرایانه نبوده و بخشی هم توطئه‌گرایانه بوده است.

برای اینکه این نزاع میان سنت و تجدید به نفع تجدید پیش برود، اهل نظر و متفکران دنیای متجدد درگیر این بحث شدند؛ از سویی برخی از اهالی سیاست و سیاستمداران نیز برای تحکیم سلطه و ارزش‌های خودشان، مردم را با این نظریه همراه کردند. مفهوم ملت به خودی خود یک مفهوم ارزشی و ایدئولوژیک نیست؛ بلکه یک چارچوب و قالب صورت‌سنجی جدید اجتماعی است؛ یعنی ما پیش از اینها قالب‌های اجتماعی مختلفی، همچون خانواده، طایفه، قبیله و قوم داشتیم که بعدها در دنیای مدرن مفهوم جدیدی از نظامات اجتماعی تعریف شدند به نام «ملت»! ملت یک واحد اجتماعی است که ما آن را پذیرفتیم. قرآن کریم با تبیین احوالات اقوام مختلف، مانند عاد و ثمود و برخی از قبایل، اقوام را به منزله یک قالب عینی اجتماعی قبول کرده و این نظامات اجتماعی پیش از جهان مدرن را توضیح می‌دهد و می‌پذیرد؛ اما از آنجایی که دچار تنازع می‌شویم که به این مفهوم جنبه ارزشی بدهند و افراد به مثابه مبنا و معیار ایدئولوژیک به آنها تمکین کنند، ملت را به منزله یک قالب اجتماعی جدید پذیرفتیم و تلاش می‌کنیم وحدت ملی ایجاد کنیم؛ یعنی افراد و واحدهای مختلف اجتماعی را در درون این مفهوم جدید (ملت) تعریف کنیم؛ چرا که ساختار اجتماعی قبیله‌ای آنجا که در تقابل با ملت قرار می‌گیرد، مشکل ایجاد می‌کند. ملیت یا ملت در مقابل قالب‌های اجتماعی دیگر مانند قبیله، طایفه و قوم کارایی اجتماعی بیشتری دارد و چون شمول بیشتری دارد، قابلیت وحدت‌بخشی به تعداد بیشتری از انسان‌ها را دارد. البته هنوز آن قالب طایفه، قوم و قبیله تا هنگامی که کار خودش را انجام می‌دهد، مشکلی ندارد؛ اما وقتی که به مثابه یک واحد اجتماعی در تقابل با ملت قرار می‌گیرد، مشکل ایجاد می‌شود. مفهوم دیگری به نام دین نیز وجود دارد که حتی بیشتر از مفهوم ملیت یا ملت کارایی اجتماعی دارد؛ یعنی می‌تواند انسان‌ها و واحدهای اجتماعی را وحدت ببخشد؛ برای نمونه می‌توان به ملیت اسلامی، ایرانی و عرب اشاره کرد. اینها با هم متعارض هستند و چطور ممکن است زیر چتر یک مفهوم اجتماعی جمع شوند؛ تنها چیزی که امکان دارد به اینها وحدت ببخشد، مفهومی است به نام دین یعنی در مقطع فعلی تاریخ بشر اگر شما بخواهید یک نظام واحد جهانی ایجاد کنید، با مفهوم ملت ممکن نیست؛ چون ملیت ملت‌ها را در مقابل هم قرار می‌دهد و نزاع و دشمنی ایجاد می‌کند. اینجاست که اگر ملیت در مقابل دین قرار بگیرد، ما می‌گوییم درست نیست. اشکال دوم جایی است که ایدئولوژی ملی‌گرایی مطرح می‌شود. به عبارتی، محل بعدی نزاع، بحث ملی‌گرایی است که بحث کاملاً متفاوتی از مسئله ملیت است؛ چراکه ملی‌گرایی یک ایدئولوژی است. ما ملیت را به منزله یک ساختار اجتماعی و قالب جدید جمعی می‌پذیریم؛ ولی ملی‌گرایی را نمی‌پذیریم و اگر می‌گوییم ملت خوب است، به منزله نظامی که می‌تواند تعداد کثیری از انسان‌ها را دور خودش جمع کند و به آن وحدت ببخشد، برای آن ارزش قائل می‌شویم.اما مسئله ملی‌گرایی متفاوت است، آنجایی که بخواهیم مفاهیم منافع ملی، هویت ملی و مسائلی نظیر آن را تعریف ملی‌گرایانه بکنیم، مشکل پیش می‌آید؛ یعنی منافع ملی الزاماً براساس ایدئولوژی ملی‌گرایانه تعریف نمی‌شود. براساس ایدئولوژی ملی‌گرایانه ملیت ایرانی در مقابل ملیت عرب قرار می‌گیرد؛ چون ملت‌ها یک قالب‌های اجتماعی هستند که بسته عناصری آنها را تعریف و تعیین می‌کند. چه چیزی ملت ایران را ملت می‌کند؟ آیا ایرانی بودن صرفاً به زبان فارسی و نژاد آریایی است؟! اگر این طور باشد ما در ایران ملیت نداریم؛ چون اقوام مختلفی از جمله ترک، کرد، لر، عرب، بلوچ و ترکمن داریم. اگر آریایی بودن ملاک ملیت ایرانی باشد، اینها هیچ یک جزء ملت ایران نیستند؛ اما ما می‌گوییم ملیت ایرانی را هویت دینی می‌سازد؛ یعنی ما یک ملت موحد هستیم که به خداوند و رسولان وی ایمان داریم؛ به عبارتی می‌خواهیم آن گونه که خداوند مقرر کرده، مطابق با دین زندگی کنیم. آن چیزی که ما را ملت می‌کند و وحدت و انسجام می‌بخشد، هویت دینی‌مان است. البته مؤلفه‌های هویتی دیگری هم وجود دارد؛ اما محور اصلی، دین ماست. این مغالطه را نباید کرد که بگوییم منافع ملی، منافع ملی‌گرایانه است؛ یعنی تعریفی را که ملی‌گرایی از منافع ملی دارد، به جای معنای دقیق کلمه جا بیندازیم. تعریف منافع ملی یک کشور یک تعریف ملی‌گرایانه نیست. همان طور که حضرت آقا به تازگی مطرح فرمودند، در منافع ملی ما هویت اصل باید لحاظ شود؛ یعنی هیچ منافع ملی نباید به گونه‌ای تعریف شود که با آن ارزش و محتوای هویتی ملت، یعنی دین در در تعارض قرار بگیرد. در واقع، در چارچوب ملی‌گرایانه از منافع ملی بگوییم چرا در عراق، سوریه و لبنان حضور پیدا می‌کنیم و آنها را یاری دهیم؟! در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت، هویت ملی ایران محور دین و اسلام است و اقتضا می‌کند از این مؤلفه هویتی در منافع ملی دفاع کرد؛ یعنی وقتی به این مؤلفه هویتی، یعنی دین و شعائر دینی حمله می‌شود، برای دفاع از آن باید حاضر بود؛ این منافع ملی ماست! چون حمله به هویت دنیا، یعنی حمله به منافع ملی ما.

هویت ملی ایران محور دین و اسلام است و اقتضا می‌کند از این مؤلفه هویتی در منافع ملی دفاع کرد؛ یعنی وقتی به این مؤلفه هویتی، یعنی دین و شعائر دینی حمله می‌شود، برای دفاع از آن باید حاضر بود

*** از چه اهرم‌ها و ابزارهایی برای تغییر این موضوع استفاده می‌کنند؟**

معمولاً در سطوح پایین‌تر هم ژورنالیست‌ها و احزاب قرار دارند که بیشترین خطا را در این سطح شاهد هستیم. متأسفانه، به دلیل ضعف بنیه دانشگاهی، بسیاری از دانشگاهیان این تفکیک را انجام نمی‌دهند و تشخیص درستی ندارند. از سویی بر این باورند که این کار، اصولی و عالمانه است؛ اینکه بگوییم منافع ملی یعنی منافع قومی! این خطاها را می‌کنند؛ ولی متفکران بزرگ در سطوح عالی و بالاتر این خطاها را مرتکب نمی‌شوند؛ یعنی در سطوح ژورنالیستی، سخنرانی‌ها، کارهای حزبی و تبلیغاتی این مغالطه‌ها صورت می‌گیرد و سعی می‌کنند این دو مفهوم را جابه‌جا و این خطاها را برای مردم ایجاد کنند.

***چه روش‌هایی به کار گرفته می‌شود تا تغییر منافع ملی در ذهن مردم ایران اتفاق بیفتد؟**

روش‌های خاصی ندارد. این مغالطه‌ای است که لفظ و کلام در آن بسیار موضوعیت دارد؛ چون ما می‌گوییم ملی، این خودش زمینه این را فراهم می‌کند که منافع ملی، یعنی منافع ملی‌گرایانه؛ یعنی این واسطه و میانجی لفظی که میان ملت و ملیت است این زمینه را ایجاد می‌کند که مغالطه انجام بگیرد و مردم را به اشتباه بیندازد.

*** تغییر معنایی واژه منافع ملی در آینده چه تأثیری بر استقلال و امنیت کشور دارد؟**

اگر مایه وحدت و انسجام این مملکت هویت دینی‌اش باشد، ولی به گونه دیگری تعریف بشود، دعوای فارس و کرد و ترک پدید می‌آید و یک خطر امنیتی بزرگ ایجاد می‌شود. این تغییر معنایی واژه منافع ملی اولاً نزاع‌های بزرگ قومی و طایفه‌ای در کشور ایجاد می‌کند و ثانیاً در درازمدت هویت کشور را با خطر روبه‌رو می‌کند. همچنین زمینه‌های نظری و حوزه دفاع از انسجام و وحدت ملی را در کشور ایجاد کرده و بستر مغالطه و خطا را نیز فراهم می‌آورد.

*** به نظر شما، راهکارهای مقابله با این هجمه آکادمیک علیه منافع ملی چگونه باید باشد؟**

در واقع تعبیر درست، هجمه علیه تعریف درست منافع ملی و فهم درست است! در قدم اول باید روشنگری شود؛ یعنی هر چه بیشتر در زمینه این مفاهیم کار نظری و بحث‌های دانشگاهی و بحث‌های علمی، عقلانی و منطقی شود، ابهام‌زدایی بیشتری در جریان مغالطه‌ها صورت می‌گیرد و مردم به درستی این معنا را می‌فهمند که این اقدام رسالت ویژه ماست.

*** نقش نخبگان، مراجع، دانشجویان و مراکز فکری در جاانداختن منافع ملی چیست؟**

همه مردم از جمله اهل فکر در زمینه‌هایی که با هستی و منافع کل کشور سروکار دارد، یک وظیفه‌ای دارند، اما افرادی که در دانشگاه‌ها فعالیت دارند و فهم عمیق حوزه و غیرحوزوی از این مقولات دارند، رسالت‌شان به مراتب سنگین‌تر و حساس‌تر خواهد بود. اینها مکلفند با توجه به خطرات و حساسیت‌های موجود، با تمام قوا ورود کنند که هم تعریف‌های غلط و مغالطه‌ها را از بین ببرند و هم تعریف‌های درست را به مردم منتقل کرده و نسبت به آن حساسیت و فهم درست ایجاد کنند.

اخبارویژه

صراحت لهجه آمریکا در پسابرجام

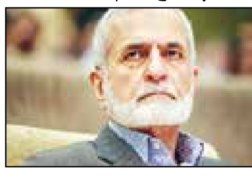

کمال خرازی گفت: «اقداماتی که آمریکا انجام می‌دهد و تحریم‌هایی که می‌کند به ویژه تحریم‌های ثانوی که می‌تواند گریبانگیر کشورهای دیگر شود و همچنین با اعمال فشار بر روی بانک‌های بزرگ اروپایی که بر اساس برجام باید روابط ما با آنها تنظیم شود و آنها بتوانند در جهت توسعه اقتصادی ایران مشارکت داشته باشند، سبب شده که بانک‌های یادشده به دلیل تنبیه‌هایی که آمریکا نسبت به آن‌ها اعمال می‌کند؛ نتوانند نقش خود را ایفا کنند.» رئیس شورای راهبردی روابط خارجی ایران گفت: «آمریکایی‌ها به صراحت نگفته‌اند که ما برجام را اجرا نمی‌کنیم و از آن خارج می‌شویم؛ اما عملاً کارهایی می‌کنند که در واقع جلوی اجرای برجام را بگیرند.»

در کمین بازار ایران نشسته‌اند

رئیس سازمان توسعه تجارت ایران از اعلام آمادگی شرکت‌های آلمانی و فرانسوی برای راه‌اندازی فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای در کشور خبر داد و گفت: «این شرکت‌ها پیشنهادهای عملی و برنامه‌های خود را از سال آینده میلادی (۲۰۱۸) به بعد اعلام خواهند کرد.» معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت اظهار داشت: «برخی کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس نیز در این زمینه درخواست‌هایی ارائه کرده‌اند.»

تاریخ را به ترامپ نشان دهید

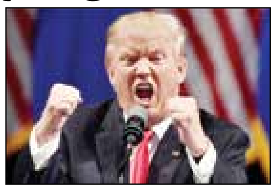

روزنامه آمریکایی نیویورک‌تایمز در گزارشی با عنوان «از جنگ با ایران اجتناب کنید» به مسئله تحریم‌های اخیر آمریکا علیه ایران اشاره کرده و نوشت: «باید پرسید که آیا آمریکا نیازمند جنگ دیگری در خاورمیانه است و چرا باید کلمات و جملات تحریک‌کننده میان آمریکا و ایران ردوبدل شود.»

این روزنامه آمریکایی افزود: «علاوه بر تهدیدات اخیر ایران از سوی ترامپ و همچنین فروش سلاح‌های گسترده به پادشاهان سنی عرب، این امر تنش میان آمریکا و ایران را افزایش داده است. باید مقامات آمریکایی دوباره آغاز جنگ عراق و افغانستان را به یاد آورند.»

روی خط خبر

مشکل مردم حصر است!

روزنامه «ایران» در یادداشتی با عنوان «تبلیغ گزینشی مطالبات مردم» نوشت: «برجسته کردن مطالبات مردم از سوی برخی شخصیت‌ها و رسانه‌های منتقد دولت و به خصوص صداوسیما قابل تأمل است. این جریان که در انتخابات ریاست‌جمهوری با عدم اقبال عمومی روبه‌رو شده، حال در ارائه پیشنهادهای خود به دولت دوازدهم روی مطالباتی به عنوان خواسته‌های مردم انگشت می‌گذارد که در خوش‌بینانه‌ترین حالت می‌توان گفت همه مطالبات مردم یا مطالبه همه مردم و حتی اکثریت مردم نیست. آنها به طرز مشهودی تنها بر مسائل اقتصادی اهتمام می‌ورزند و همه مشکلات و مسائل کشور را به همین حوزه ختم می‌کنند.» این روزنامه تأکید کرد: «برخورد با خودسری‌ها و رفع ممنوع‌التصویری و حصر برخی شخصیت‌های سیاسی از مطالبات رسا و گویای مردم در انتخابات است.»

تمسخر ظریف

در روزهای گذشته و در حالی که ظریف پس از چهار سال به صورت جدی به بدعهدی و نقض مکرر برجام از سوی آمریکا اعتراض کرد، یکی از روزنامه‌های اصلاح‌طلب که روزگاری ظریف را «امیرکبیر ایران» لقب داده بود، تنها به دلیل اعتراض به کدخدا، به وزیر خارجه حمله و او را مسخره کرد. نوع مواجهه روزنامه‌های اصلاح‌طلب در مقابل عهدشکنی‌های آمریکا در اجرای توافق هسته‌ای و توجیه تمدید تحریم‌ها در پسابرجام، نشان‌دهنده این است که برجام و توافق هسته‌ای برای این جریان جزئی از حواشی محسوب می‌شود؛ چرا که از نظر آنها رخدادهای مهم دست دادن وزیر خارجه کشورمان با اوباما و قدم زدن جان کری و ظریف است.

بی‌توجهی به برنامه ششم

حمیدرضا حاجی‌بابایی، رئیس کمیسیون تلفیق برنامه ششم توسعه با انتقاد از ابلاغ نکردن قانون برنامه ششم توسعه از سوی رئیس‌جمهور به دولت، گفت: «ما مدارکی داریم که نشان می‌دهد هنوز آیین‌نامه‌های اجرایی برنامه ششم توسعه در قوه مجریه تدوین نشده است.» وی ادامه داد: «برنامه ششم باید از ابتدای فروردین سال ۹۶ اجرایی می‌شد که متأسفانه تا به امروز و با گذشت چهار ماه از سال، هیچ ابلاغی از سوی رئیس‌جمهور برای اجرای آن صادر نشده است.»

نواصول‌گرایی شروع شود

شهردار تهران با بیان اینکه تغییر اساسی در نحوه کنش جریان اصول‌گرایی جزء مطالبات امروز است، تأکید کرد باید حرکت در راستای «نو اصول‌گرایی» هرچه سریع‌تر آغاز شود. قالیباف گفت: «به این باور رسیدم که «تغییر اساسی در نحوه کنش جریان اصول‌گرایی» یکی از مطالبات اصلی امروز شما جوانان مؤمن و دلسوز انقلاب و کشور است. امروز دیگر روشن است که اصول‌گرایی باید با حفظ مبانی و ارزش‌های انقلابی جمهوری اسلامی، در نگرش و شیوه سیاست‌ورزی خود متحول شود و با گفتمان و چهره‌هایی نو، حرکت در راستای «نواصول‌گرایی» را هرچه زودتر آغاز کند.»

بستری محرمانه

حسین فریدون بلافاصله پس از تأمین وثیقه با رضایت شخصی از بیمارستان دی مرخص و به بیمارستان بهمن مراجعه کرده و حال عمومی وی خوب است. حسین فریدون دوشنبه ۲۶ تیر ماه برای تکمیل پرونده در شعبه بازپرسی دادسرای کارکنان دولت حضور یافت؛ اما به علت نامناسب بودن حال عمومی، از طریق آمبولانس از دادسرا به بیمارستان خصوصی دی تهران منتقل شد. نکته مهم آنکه این بستری محرمانه بوده و تاکنون هیچ اطلاع‌رسانی از حال فریدون و ملاقات مسئولان با این مقام دولتی در رسانه‌ها منتشر نشده است. به عبارتی، تاکنون قراردادها محرمانه بودند؛ اما اکنون بستری شدن حسین فریدون هم محرمانه شد.

صبح صادق ۳

توصیه‌های رهبری نادیده گرفته شد

اصغر ابراهیمی‌اصل، معاون سـابق وزیر نفت با بیان اینکه؛ در تاریخ بیسـت‌ودوم تیر ماه ۹۵ دفتر مقام معظم رهبری نامه‌ای ارسـال کرد که از ۱۵ بند فقط ۴ بند آن انجام شده و بقیه انجام نشده است، گفت: توتال در سال ۱۳۷۹ همین فاز ۱۱ را با ایران قرارداد بست و تا سال ۱۳۸۷ هیچ کاری انجام نداد. تحریم‌ها این زمان تشدید نشده بود، اما توتال معطل کرد؛ پس از این قرارداد را با چینی‌ها بستند و سپس با پتروپارس، تا زمان دولت یازدهم که پتروپارس را متوقف کردند.

روی خط خبر

خدمت برجام به اقتصاد

از سـال ۱۳۹۳ رونـد ضریب جینی صعودی شده و فاصله طبقاتی مجـدداً افزایش یافـت و این روند افزایشی همچنان ادامه دارد. ضریب جینی عددی است بین صفر و یک است که در آن صفر به معنی توزیع کاملاً برابر درآمد یا ثروت و یک به معنای نابرابری مطلق در توزیع است که این مسئله موجب کاهش قدرت خرید اقشار ضعیف و متوسط کشور شده اسـت. بر این اساس، می‌توان گفت؛ در دولـت یازدهم، پولدارها پولدارتر و فقرا فقیرتر شـدند. نکته دیگر درباره روند افزایشـی ضریب جینی در دولت یازدهم، بی‌تأثیری برجام بر این شـاخص است. آمارها نشـان می‌دهد که اجـرای برجام نتوانسته موجب بهبود توزیع درآمد در کشور شود.

دلایل ناکارآمدی دولت

استاد دانشگاه علامه طباطبایی گفت: «وزارت اقتصاد بعد از برجام هم کارنامـه قابل قبولی نداشـته اسـت.» دکتر محمدقلی یوسـفی افزود: «یکی دیگر از مشـکلاتی که در اقتصـاد ما وجود دارد، نبود بازار برای محصولات تولیدی و حمایت نکردن از تولید اسـت.» وی با بیان اینکه معضلات دیگـری در بخش اقتصاد وجود دارد که باید رفع شود، گفت: «بالا بودن نرخ سـود بانکی باعث ادامه‌دار شـدن رکود و دامن زدن به مشکلات شد و منابع پولی و بانکی را به سمت فعالیت‌های غیر تولیدی هدایت کرد. در این شرایط اقتصاد ایران با پیچیدگی‌هایی همراه می‌شود که بحران را بیشتر کرده و برای حل آن نیـاز به یک جراحی عمیق است.»

جنگ بر سر شهرداری

محسـن هاشمی‌رفسنجانی، منتخب اول مردم تهران برای شورای شـهر گفت: «یکی از مشکلاتی که می‌توانـد در دوره آینده بر سـر راه توسـعه تهران ایجاد شـود، مسئله شـخص محوری در انتخاب شهردار به جای برنامه محوری است، اعتقاد بنده آن است به جای صحبت کردن بر سر گزینه‌های مختلف شهرداری که طبعاً به حاشیه‌سازی و ایجاد اختلاف و بحث‌های غیر اصولی منجر می‌شود، باید به برنامه‌محوری در حوزه مدیریت شهری بیندیشـیم. هر مدیری برای اجرای هر برنامه‌ای مناسـب نیست، بنابرایـن طرح بدون هدف اسـامی مختلـف و ایجاد فضـای لابی برای تصدی شورا پیامدهای مناسبی ندارد و به انسـجام و وجهه شورا در افکار عمومی آسیب می‌زند.»

تکرار دولت مرحوم بازرگان

علـی تاجرنیـا، از نمایندگان مستعفی مجلس ششم و از اعضای شورای مرکزی حزب اتحاد ملت به تازگی درباره کابینه دوم رئیس‌جمهور روحانی گفته است: «در دولت دوم روحانی باید یک تغییر بالای دوسوم به وجود آید تـا دولتی کارآمد و با انگیزه ایجاد شـود!» او همچنین با بیان اینکه در دولت یازدهم پاشـنه آشیل دولت روحانی کسانی بودند که حلقه اول ایشان محسوب می‌شدند، تصریح کرده است: «متأسفم از اینکه بگویم میانگین دولت آقای روحانی و چهره‌های آن، همان افرادی هسـتند کـه در دولـت مرحوم بـازرگان و مهندس موسوی حضور داشتند.»

اصولگرایان محبوب روحانی

«محمـد کیانـوش‌راد» از فعـالان اصلاح‌طلب و از نمایندگان مستعفی مجلس ششـم که دارای مواضـع تندی بوده اسـت، درباره اصولگرایان مـورد اعتماد روحانی گفته است: «این بخش از اصولگرایان در میـان اصلاح‌طلبـان از احترام زیادی برخوردار هسـتند. کارنامه و کابینـه دولت روحانـی در چهار سـال گذشـته نیز این موضوع را به خوبی نشـان داد کـه دولت در بـه کارگیری اصولگرایـان توانمند و خردورز کوتاهـی نخواهد کرد و از حضـور آنها اسـتقبال می‌کند.» محمدرضـا تابش، فعال سیاسـی هم گفته اسـت: «اینکه در کابینه اصولگرایان معتدلی که دل در گرو اعتلای کشور دارند و متعهد هستند شعارها و آرمان‌های رئیس‌جمهور را پیش ببرند، عیبی نیست.»

رخداد

پیام‌های عملیات استشهادی مسجدالاقصی

محمدرضا مرادی / انتفاضه قدس در اول اکتبر سال ۲۰۱۵ میلادی در اعتراض به تشدید تعرض نظامیان و شهرک‌نشینان صهیونیستی به مقدسات اسلامی فلسطین و در رأس آنها مسجدالاقصی شکل گرفت و از آن زمان تاکنون بیشتر از ۳۳۰ فلسطینی به ضرب گلوله نظامیان صهیونیست به شهادت رسیده و صدها نفر نیز زخمی شده‌اند. رژیم صهیونیستی با کمک گروه‌ها و کشورهای سازش‌پذیر در منطقه تلاش زیادی برای کنترل و ساکت کردن این انتفاضه به کار گرفت؛ اما عملیات اخیر مسجدالاقصی نشان داد که این انتفاضه همچنان زنده است.جوانان فلسطینی جمعه ۲۳ تیر ماه دست به یک عملیات ضد صهیونیستی در مسجدالاقصی در قدس اشغالی زدند که در پی آن دو صهیونیست به هلاکت رسیده و سه نفر نیز زخمی شدند. سه جوان فلسطینی نیز در این عملیات به شهادت رسیدند. پس از این عملیات نظامیان صهیونیستی با حمله به مردم فلسـطین بسـیاری از آنها را زخمی و بازداشت کردند. در پی این عملیات، پلیس رژیم صهیونیستی دروازه‌های شهر قدیمی در قدس و مسجدالاقصی را بست و به نمازگزاران اجازه ورود به این مسـجد را نداد و از ورود شیخ حسین به مسـجدالاقصی جلوگیری کرد. این نخستین بار از سال ۱۹۶۷ میلادی به شمار می‌رود که رژیم صهیونیسـتی مانع از برگزاری نماز جمعه در مسـجدالاقصی شد و اجازه نداد که صدای اذان از داخل این مسجد پخش شود.

گروه‌های مختلف فلسـطینی بـه همیـن دلیـل روز جمعه ۳۰ تیر ماه را «جمعه خشـم» اعلام کردنـد و در اعتراض به اقدامات سرکوبگرانه اخیر رژیم صهیونیستی در مسجدالاقصی تظاهرات گسـترده در سراسر فلسطین برگزار کردند. رژیم صهیونیستی با استقرار تجهیزات نظامی در قدس، به نظامیان خود به طور علنی برای سرکوب نمازگزاران و جلوگیری از رسیدن آنها به مسجدالاقصی دستور داد. ۱۵ هزار نظامی رژیم صهیونیستی شهر قدس را به محاصره خود درآوردند و گیت‌های الکترونیکی در ورودی‌های مسجدالاقصی نصب شد. این اقدام در ۵۰ سال اخیر بی‌سابقه بوده است؛ اما عملیات اخیر پیام‌های مهمی را در برداشت.

موج جدید انتفاضه قدس/ انتفاضه قدس در اکتبر سـال ۲۰۱۵ در اراضی فلسـطین به راه افتاد و در سـال ۲۰۱۶ با اقبال گسـترده مردمی مواجه شد. اوج این حرکت طی ماه‌های پایانی سال ۲۰۱۵ و ماه‌های اولیه سـال ۲۰۱۶ بود؛ ولی در اواخر سـال گذشته میلادی دچار افول شده بود. اما عملیات اخیر در مسجدالاقصی نشان داد که تمامی ترفندهای صهیونیست‌ها برای مهار این انتفاضه با شکست مواجه شده است .

پاسخی به انتقال سفارت آمریکا به قدس/ عملیات استشهادی اخیر را باید واکنشی به سیاست‌های آمریکا در وعده به صهیونیست‌ها برای انتقال سفارت این کشور به قدس دانست. انتقال سفارت آمریکا به قدس در جایگاه پایتخت متحد دولت یهود که به تازگی از طریق مایک پنس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا تأکید شـده بود، یکی از اولویت‌های اصلی ترامپ در خدمت به رژیم صهیونیستی است. کیلین کونوای، مشاور ترامپ نیز به این موضوع اشاره و تأکید کرده است که انتقال سفارت آمریکا در رژیم صهیونیستی از تل‌آویو به قدس جزو اولویت‌های اصلی ترامپ است. بنابراین عملیات اخیر می‌تواند یک پاسخ محکم از سوی مردم فلسطین به این توطئه جدید باشد.

زنده کردن اولویت فلسطین/ مسئله فلسـطین به دلیل خیانت سازشکاران عرب مدت‌ها است که از دسـتور کار این کشورها خارج شده اسـت. این عملیات اولویت اصلی آرمان فلسطین و مقدسات فلسطینی را بار دیگر مورد تأکید قرار داده و توجه سازمان‌ها و رژیم‌ها و ملت‌های عربی و اسلامی را که این موضوع اساسی را نادیده گرفته بودند، بار دیگر به آن معطوف کرد. این عملیات نشان داد که دشمن صهیونیستی همچنان در ذهن ملت باقی است و عملیات جنبشی و جهادی مقاومت در برابر این رژیم به صورت روزمره ادامه خواهد داشت. بنابراین یکی دیگر از پیام‌های این عملیات، رساندن پیام به رژیم‌های عربی است که به دنبال منزوی کردن آرمان فلسطین هستند و برخی از آنها به دنبال عادی‌سازی روابط با دشمن صهیونیستی و ایجاد ارتباط با آن هستند.

در کل انجام این عملیات در سالروز جنگ ۳۳ روزه نشان داد که مقاومت فلسطین همچنان مبارزه را تنها راه رسیدن به اهداف خود می‌داند و فعالیت‌های سازشکارانه برخی مقامات را به منزله راهکار قبول ندارد.

ذره‌بین

تتلوگرایی؛ احساسات انتخاباتی یا عقلانیت سیاسی

حسـین عبداللهی‌فر / تتلوگرایی یا گرایش به امثال تتلـو نه تنها موضوعیت فردی نداشـته و ندارد؛ بلکه در تراز رویکردهای فرهنگی و هنری صرف نیز نباید تحلیل شـود. چرا که هجمه دوسویه به «امیرحسین مقصودلو معروف به تتلو» و اصولگرایان به خاطر نگاهی متفاوت به یکدیگر، بیانگر تحولی راهبردی در مسـیر حرکت نیروهای انقلاب به شمار می‌رود که از چشمان رقیب پنهان نمانده است. اگر این حرکت که با ملاقات چند دقیقه‌ای میان تتلو و آقای رئیسی در فرودگاه مشـهد آغاز شد، یک اتفاق انتخاباتی قلمداد می‌شد، لازم بود که با پایان رقابت‌ها خاتمه می‌یافت. به ویژه آنکه جریان حاکم معتقد بود که این اقدام شـتابزده به زیان نامزد جبهه مردمی نیروهای انقلاب تمام شـده و حتی برخی ادعا کردند علت شکسـت آقای رئیسی نیز همین اقدام بوده است. در چنین فرضی ناخرسندی و هجمه جریان رقیب وجهی نداشت؛ اما موضع‌گیری صریح رئیس‌جمهور در مناظره‌های انتخاباتی و حتی حمله به هواداران تتلو به خاطر اقبال به وی، نشانگر برداشتی متفاوت است که آن را از حد و قواره یک رفتار صرفاً انتخاباتی و سیاسی خارج می‌سازد.

عمـق ناخرسـندی مخالفـان انقلابیـون زمانی عیان شد که اظهارات آقای رئیسـی پس از انتخابات و تشکر تتلو از ایشان، مدعای اصلاح‌طلبان در تحلیل صرفاً انتخاباتی، این رخداد را باطل کرد و علائم استمرار این نگاه در جریان ارزشـی را روشن ساخت.

برگـزاری مراسـم نکوداشت هنرمندان مبغوض جریان حاکم که به همت «فارس پلاس» صورت گرفت و رسماً از چهره‌هایی مانند تتلو تجلیل شد، گویای تعمیم رویکرد نوین اصولگرایان به مقوله‌های فرهنگی و اجتماعی و تسـری یک حرکت موردی به شیوه‌ای ماندگار در مسیر رفتاری این جریان است. حضور طیف‌های به اصطلاح تندرو جریان اصولگرا و نیروهای انقلابی در این مراسم که نشانگر وفاق جریانی اصولگرایان در تحولات اجتماعی است، موجبات نگرانی عمیق جریان مقابل را فراهم ساخت.

هجمه گسـترده به تتلو به خاطر موضعی که در قبـال حادثه پارس‌آباد مغان اتخاذ کرد و برداشـتی متفاوت از آن را به نمایش گذاشـت، گواه دغدغه جریان روشنفکری از رویکرد جدید اصولگرایان در این عرصه است. امری که زمینه‌ساز ورود چهره‌های اصلی اصلاحات و نظریه‌پردازانی چون عباس عبدی به این مقوله شد و نسبت به عواقب این رفتار هشدار داد. اکنون سؤال اصلی نـه بـه امثال تتلو باز می‌گردد و نه به اقدام اصولگراها و نیروهای انقلابی در حمایت از آنها؛ بلکه باید پرسید که چرا جریان روشنفکری غربگرا تا این حد از این تحول و نگاه جریان رقیب خود، احساس خطر می‌کنند؟

در جواب به این سـؤال باید اشـاره داشت که اصلاح‌طلبان موفقیت خود در چند انتخابات اخیر را مرهون تأملات راهبردی می‌دانند که از دوره احمدی‌نژاد آموخته‌اند. کسانی که تا چندی پیش مردم را به خاطر رأی ناآگاهانه نکوهش می‌کردند و نامزد موفق را پوپولیست می‌خواندند، متوجه این نکته شدند که تنها راه حضور آنها در قدرت این است که خود را مردمی نشان داده و رأی آنها را داشته باشند. از این رو مدل رفتاری آنها در برخورد با پدیده‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این‌گونه تعریف شـد که هر رفتاری از سـوی مدیران و نخبگان سیاسی باید متناظر به سـبد رأی مردم باشـد و مهم‌ترین اصل در اصول مدیریتی فقط رأی مردم است. بنابراین در سیاست خارجی و داخلی، در مسائل فرهنگی و اجتماعی آنچه مهم است این است که نباید به گونه‌ای عمل کرد که در مقابل مردم قرار گرفت. شیوه‌ای که نه مانند سال ۸۴ مقابل مردم و نه مانند سال ۸۸ آنها را در مقابل نظام قرار می‌دهد. بنابراین آنچه در ماجرای تتلو زنگ خطری برای جریان اصلاحات به حسـاب می‌آید، این است که اگر نیروهای انقلابی و ارزشی که هم گفتمان نزدیک‌تـری با مـردم و توده‌های محروم جامعه دارند و هم به این حمایت مردمی اعتقاد واقعی دارند، بتوانند در سـطوحی از عقلانیت سیاسی، ملاک رفتاری خود را تقابل نداشتن با خواست عمومی قرار دهند، در واقع ابزاری را در موج‌سـواری بر مسائل روز و وانمودسازی چهره مردمی خویش به دست خواهند آورد که گوی سبقت را از حریف خویش خواهند ربود.

تبیین

اهداف سه‌گانهٔ اسلام رحمانی از منظر امام خامنه‌ای(۲)

حسـن خدادی / بیان مسئله/ در آخرین دیداری که رهبر معظم انقلاب در ۲۰ تیر ماه ۹۴ با دانشـجویان داشتند از مفهوم «اسلام رحمانی» صحبت کردند که اولین بار بود معظم‌له در این باره صحبت کرده و به تحلیل آن پرداخته بود. از یک‌سـو به دلیل اهمیت این موضوع و اینکه اولین باری است که رهبر معظم انقلاب به تبیین موضع خود می‌پردازد و از سوی دیگر با روی کارآمدن دولت یازدهم، صحبت از این تفکر در میان برخی از اعضای کابینه و حامیان تئوریک دولت رواج پیدا کرده اسـت. بنابراین برآن شدیم تا به صورت مختصر به این پدیده پرداخته و مواضع معظم‌له را بیان کنیم.

هویت طرفداران اسلام رحمانی

عمده افرادی که با آگاهی از اسـلام رحمانی صحبت می‌کنند، کسانی هستند که دل‌خوشی از مشی انقلاب اسلامی در ابعاد مبارزه با استکبار، دفاع از مظلومان و مستضعفان و پیشه کردن عدالت و مفاهیمی از این قبیل ندارند و با طرح مفاهیمی همچون اسـلام رحمانی در حال عقده‌گشایی هستند. از سال‌ها پیش عده‌ای در دنیای اسلام پروژه‌ای را رقم زدند تا اسلام را به وجه باطنی آن تقلیل دهند و منحصر کنند، برای نمونه پروفسور سیدحسین نصر حدود ۱۲ سال پیش کتابی با عنوان «قلب اسلام» منتشر کرد که در مقدمه و مؤخره آن تصریح کرده؛ از نظر من قلب اسلام، اسلام قلبی است یعنی همان اسلام باطنی! یا کدیور که اسلام رحمانی را چارچوب‌بندی کرد یا سروش که به پلورالیسم دینی و تجربه‌گرایی دینی معتقد است و نهایتاً همین پروژه معنویت «ملکیان» که داعیه چنین عنوانی را نیز دارد رسماً، آشکارا و آگاهانه از دین فاصله می‌گیرد و تصریح می‌کند که دین متافیزیک سنگین و مناسک زیادی دارد و معمولاً به خشـونت ختم می‌شـود ما به جای دین و پروژه دین‌ورزی می‌خواهیم از پروژه معنویت‌ورزی حمایت کنیم.

اهداف سه‌گانهٔ اسلام رحمانی

۱ـ هدف اولیه اسلام رحمانی: لیبرالیزه کردن اسلام

درست است که به کار بردن اسلام رحمانی لزوماً به معنی قرائت لیبرالی از اسلام نیست، ولی از آنجایی که استفاده از این واژه تا حدود بسیار زیادی مفهوم نفی دیگر ابعاد اسلام را به دنبال دارد، می‌توان به کار بردن آن را قائل بودن به قرائت لیبرالی از اسـلام دانسـت؛ قرائتی که نقش دین را نهایتاً در حوزه‌هـای فردی می‌داند آن هم به دلیل آزادی فرد در انتخاب دین و نه به دلیل اصالت دین یا وحیانی بودن آن. قرائتی که نقش دین را در اداره جامعه به هیچ عنوان پذیرا نیست؛ چراکه با اندیشه لیبرالی، دین در حوزه اجتماعی مانـع آزادی‌ها و خواسـت‌های فردی دیگر افراد جامعـه خواهد بود و اصل اساسی لیبرالیسم، یعنی آزادی بی‌قید و شرط و خواست نفسانی انسان‌های دیگر جامعه زیر سؤال می‌رود. لیبرالیسم هیچ باید و نبایدی را خارج از اراده فرد نمی‌پذیرد، حال آنکه در اسلام باید و نباید وجود دارد و مسلمان قائل به رعایت باید و نبایدهای آن و ملتزم به آن است.

رهبر معظم انقلاب در ریشه‌یابی این تفکر،آن را نشئت گرفته از لیبرالیسم و لیبرالیسم را در اومانیسم اروپا می‌داند «این اسلام رحمانی یک کلید واژه‌ای است برای معارف نشئت‌گرفته از لیبرالیسم، یعنی آن چیزی که در غرب به آن لیبرالیسـم گفته می‌شود... اگر اسلام رحمانی اشاره‌ی به این است، این، نه اسلام است، نه رحمانی است؛ مطلقاً. تفکّر لیبرالیستی از تفکّر اروپای قرن هجدهم و نوزدهم ـ یعنی زیربنای فکری اومانیستی که نفی معنویّت و خدا و مانند اینها است ـ سرچشمه می‌گیرد. چون خدایی نیست، پس سلیقه‌ای است.»(۱۳۹۵/۴/۲۰)

همچنین معظم‌له در این باب فرمودند: «در این قرائت از اسـلام چیزی از تعالیم اسـلامی حذف نمی‌شود، تنها برخی از احکام و شعائر که در خارج از زمینه خود و مجزا از شـرایط زمانی مکانی عصر نزول درک شـده‌اند و در نتیجه این سوء فهم از جوهره رحمانی خود فاصله گرفته‌اند، تصحیح می‌شوند و برخی احکام عقلایی که ناسـازگار با تعالیم اسلامی نیستند، مورد پذیرش قرار می‌گیرند.» رهبر معظم انقلاب این تفکر غیرخدایی را سـلیقه‌ای ناقص می‌دانند.»(۱۳۹۴/۴/۲۰)

یادداشت

تفاوت‌های مرصاد و موصل

احمد طیبی‌صفا/ یکی از مهم‌ترین اهداف ثبت تجربیات دوران دفاع مقدس، آینده‌نگری، جلوگیری از تکرار تجربیات منفی و بهره‌گیری از تجربیات مثبت اسـت. از این‌رو، با مطالعه و بررسی ویژگی‌های خاص عملیات مرصاد می‌توان از تجربیات آن به منظور دفع تهدیدات در آینده و کاهش آسیب‌پذیری‌ها استفاده کرد و در عملیات‌های مشابه آنها را به کار برد.

عملیاتی با ویژگی‌های مرصاد قابلیت تکرار دارد. به عبارتی، تکرارپذیری عملیاتی شبیه عملیات فروغ جاویدان منافقین یکی از مهم‌ترین اصولی است که باید به آن توجه داشت؛ لذا باید از تجربیات عملیات مرصاد به نحوی بهره‌برداری کرد که اگر حادثه‌ای مشابه انجام شد، برای مقابله و مهار آن از قدرت مدیریتی و فرماندهی مناسبی برخوردار باشیم.

در یک شبیه‌سازی ساده بسیاری از روش‌های گروهک تروریستی منافقین با تاکتیک‌های عملیاتی گروه تروریستی داعش شبیه بوده است که در سطور زیر به برخی از آنها پرداخته می‌شود:

۱ـ وضعیت دو کشور در زمان تهاجم تا حدودی شبیه یکدیگر بوده، به این گونه که آمایش دفاعی ـ نظامی دو کشور متناسب با حجم تهدید نبوده است.

۲ـ ویژگی‌های جغرافیایی و انسانی دو طرف در زمان تهاجم مشابه است؛ اما با دو نتیجهٔ متفاوت. در ایران منافقین طی سه تا پنج روز سرکوب شدند؛ اما در موصل داعشی‌ها سه سال ماندند و تشکیل خلافت خودخوانده دادند.

۳ـ غفلت ویژگی بارز «تجربه منفی» در هر دو عملیات بوده اسـت، هم ایران در عملیات مرصاد و هم عراق در حملهٔ داعش دچار غافلگیری راهبردی شـدند؛ اما در ایران باوجود از دسـت رفتن زمین، زمان مدیریت و غافلگیری نیز جبران شد، ولی در عراق افزون بر از دست رفتن زمین و حاکمیت در این مناطق، پیامدها و فجایع انسانی بی‌شماری داشت.

۴ـ حملهٔ سـریع و برق‌آسـا با خودروهای زرهی و نظامی ویژگی هر دو عملیات بوده اسـت کـه در ایران با تکیهٔ فرماندهـان و رزمندگان بر عوامل جغرافیای طبیعی و نظامی محور خسروی به کرمانشاه، حرکت منافقین سد شد.

۵ـ در عملیـات مرصاد یکی از نقاط قوت فرماندهان جلوگیری از همگرا شـدن نیروهای ضد انقلاب با منافقین بود، اما در عراق به دلیل بی‌توجهی به این مسـئله بسیاری از گروه‌ها و عشایر مخالف دولت در صف حامیان داعش قرار گرفتند و یک هم‌افزایی میان مخالفان دولت شکل گرفت.

۶ـ در ایران دکترین اصلی نظام در بخش دفاع و امنیت، تکیه بر نیروهای مردمی است؛ لذا ایران در مقابله با منافقین به جذب نیروهای مردمی روی آورد. «تجربه مثبت» در عراق و نیز حملهٔ داعش به موصل سبب تشکیل نیروهای بسیج مردمی به نام حشدالشعبی «سپاه بدر سابق» شد که در اخراج داعشی‌ها از موصل در کنار نیروهای ارتش نقش اساسی داشته است.

۷ـ در هر دو عملیات نقش رهبران دینی و مراجع شیعی بسیار بارز بوده است. در عملیات مرصاد فتوای حضرت امام خمینی(ره) سبب حرکت عظیم مردم به سمت جبهه‌های غرب شد، در عراق نیز فتوای مرجعیت عالی شیعیان آیت‌الله‌العظمی سیستانی(دامت‌برکاته) مبنی بر واجب کفایی خواندن دفاع در برابر تروریست‌ها موجبات همگرایی حشدالشعبی و نیروهای ارتش را فراهم آورد.

اخبار

روزنامه آمریکایی: ترامپ از تاریخ ایران درس عبرت بگیرد

THE BALTIMORE SUN

A history lesson on Iran for the president

Breaking News

The latest

روزنامه آمریکایی «بالتیمور سـان» در گزارشـی با عنوان «عبرتی تاریخـی با محور ایران بـرای رئیس‌جمهور»، نوشـت: «در حالی که بحث‌هایی در کاخ سـفید درباره پیدا کردن بهانه حملـه نظامی به ایران شـروع شـده اسـت، «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا پیش از هر گونه تصمیم‌گیری در این زمینه، به شـنیدن یک عبرت تاریخی از سوی مشـاوران امنیتی خود نیاز دارد.» بر اساس این گزارش، مشاوران امنیت ملی آمریکا باید فهرستی از دلایلی را که رهبران ایران با توجه به این دلایل عمل می‌کنند، در اختیار ترامپ قرار دهند. بالتیمور سان نوشت: «در طول این جنگ هشت ساله، نظامیان صدام بیش از ۲۵۰ هزار ایرانی را کشـتند که اگر جمعیت آن زمان ایران را در نظر بگیریم، این میزان کشتار برابر با ۱/۵ میلیون آمریکایی است که امروزه کشته می‌شوند. جنگی که کشتار آن به مراتب بدتر از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر در آمریکا بود.» این روزنامه آمریکایی نوشت: «این همه داستان نیست. دولت ریگان و دیک چنی و دیگران از صدام حسین علیه ایران حمایت کردند و برای حمله عراق به ایران چراغ سبز یا حداقل چراغ زرد نشان دادند و با ژنرال‌های جنگی صدام اطلاعات مورد نیاز برای حمله به ایران را به اشتراک گذاشتند. مشاوران امنیت ملی آمریکا باید یادآور شوند که بدتر از همه اینها، این بود که صدام از گازهای سمی علیه سربازان ایرانی استفاده کرد.»

راهبرد گام‌به‌گام آمریکا برای لغو عملی برجام

آمریکا در اقدامی نمادین ۱۸ فـرد و نهـاد ایرانـی را در ارتباط با فعالیت‌های هسـته‌ای تحریم کرد. وزیـر امور خارجه در این زمینـه موضع صریحی گرفـت. رئیس‌جمهـور نیز به صراحت اعلام کرد: «از تخلفات آمریکا نمی‌گذریم و در برابر آنها می‌ایسـتیم.» وی تأکیـد کرد: «تحریم‌های جدید با روح و متن برجام در تناقض است و هر اقدام آمریکا با پاسخ ملت مواجه می‌شود.» این مواضع یک گام به جلو برای ابطال نظریه خوش‌بینی به آمریکاسـت و اثبات نظریه امام(ه) که آمریکا و اذناب آنها در پی توطئه و برنامه‌ریزی علیه ملت ایران هستند. آمریکایی‌ها با انقلاب و نظام ما سر سازش ندارند. آنها با دین، انقلاب، اقتدار و از همه مهم‌تر امنیت ملی و منافع ما ایرانیان سر ستیز دارند. این را چگونه بایـد اثبات کرد که برخی آن را بپذیرند؟ همین چنـد روز پیش وزیر خارجه و وزیر دفاع آمریکا به صراحت اعلام کردند که واشنگتن در مسیر براندازی نظام جمهوری اسلامی حرکت می‌کند و عادی‌سازی روابط با تهران جز با تغییر رژیم ایران ممکن نیست! آمریکایی‌ها حداقل ۲۰ سال است با مشارکت لیبرال‌ها و سکولارها و منافقین و یک مشت اراذل و اوباش سیاسی، به دنبال فرسایش وحدت ملی، اراده ملی و تردیدآفرینی در بینش راهبردی اسـلامی ما هسـتند تا نقشه‌های شوم براندازی نرم و تغییر نظام را عملیاتی کنند.

سخنان نماینده انجمن‌های اسلامی دانشجویان در نماز جمعه تهران

فرهاد بور بور، نماینده اتحادیه انجمن‌های اسـلامی دانشـجویان مسـتقل پیـش از خطبه‌های نماز جمعه این هفته تهران در سخنانی، گفت: «به تازگی قوه قضائیه پیگیری پرونده بـرادر رئیس‌جمهور، جناب آقای حسـین فریدون را آغاز کرده اسـت که انتظار مـی‌رود جریانات سیاسی به جای غوغاسالاری با احترام به قانون، زمینه را برای بررسی دقیق و کامل این موضوع فراهم و از این قوه در راستای عمل به وظایفش حمایت کنند.» نماینده اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل با اشاره به بحث دیگری از پرونده تخلفات برادر رئیس‌جمهور، گفت: «نکته دیگر درباره پرونده برادر رئیس‌جمهور، مسئله تحصیل ایشان در مقطع دکتراست، در جایگاه یک نهاد دانشگاهی به هیچ‌وجه نمی‌توانیم در مقابل اخبار تخلف و تقلب علمی برخی مسئولان سکوت کنیم؛ امیدواریم نهادهای مسئول مانند کمیسیون آموزش و قوه‌قضائیه به این مسئله ورود کنند و نگذارند ظلمی که در موضوع بورسیه‌ها به دانشگاه روا شد، این بار به نوعی دیگر تکرار شود.» بور بور ادامه داد: «مسئله دیگر در زمینه تخلفات علمی موضوع رسـاله دکترای آقای روحانی است، اسـناد این تخلف و اعتراض کسانی که از آنها تقلب شده است، به مراجع ذی‌صلاح داده شـده؛ اما اقدامی صورت نگرفته است، اگرچه انتظار داشتیم وزارت علوم منصفانه و برای حراست از علم و دانشگاه این موضوع را بررسی کند، اما خبری نشد.» وی اظهار داشت: «درباره کابینه دوازدهم باید توجه داشت که معیار انتخاب وزرا و مدیران اصلی کشور خط‌کشی‌های سیاسی و جناحی نباشد.»

در زمان صلح و سازش به بدترین وضعیت اقتصادی دست یافتیم

محمدرضـا جهان بیگلری، اقتصاددان و عضـو اتاق بازرگانی دربـاره وضعیت سـرمایه‌گذاری خارجی در کشـور اظهار داشت: «عملکرد ضعیف و غیر قابل قبول سازمان سرمایه‌گذاری خارجی با وجود مدیران بی‌انگیزه و ناتوان در چهار سـال گذشته بر فعالان این حوزه و بخش خصوصی پوشـیده نیست و تمامی افراد و دستگاه‌هایی که با این سـازمان در ارتباط هستند، به این مسئله که سازمان سرمایه‌گذاری به یک سازمان ناتوان تبدیل شده است، اذعان دارند.» جهان بیگلری تصریح کرد: «در سال‌های اخیر شاهد آن هستیم که تمایل مدیران سازمان‌ها برای انجام پروژه‌ها و کارهای دولتی برای شرکت‌های وابسته به دولت بیشتر شده و اهمیتی برای بخش خصوصی قائل نیستند، در صورتی که دستگاه‌های دولتی هم ردیف بودجه برای تأمین مالی خارجی پروژه‌های‌شان دارند و هم به امضای بالاترین مقام دستگاه‌های اجرایی تضمین برای سرمایه‌گذاران صادر می‌شود و به سازمانی همچون سازمان سرمایه‌گذاری نیازی ندارند.» وی در ادامه گفت: «چرا در دولت‌های نهم و دهم در بدترین شرایط تحریم میزان جذب سرمایه‌گذاری کشور رونق داشت و در چهار ساله صلح و سازش به بدترین شرایط افت شاخص‌های اقتصادی دست یافتیم؟ تا چه زمان این خودتحریمی را که مدیران میانی برای کشور اجرا می‌کنند، تحمل خواهیم کرد؟ چرا حتی یک مورد برخورد رئیس‌جمهور و مسئولان را با مدیران ناتوان شاهد نیستیم؟

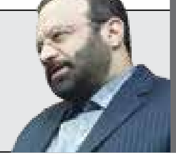

ناکارآمدی دولت و ناهماهنگی بدنه اقتصادی

شاهویسی کارشناس مسائل اقتصادی گفت: اهداف اقتصادی دولت را معاون اول رئیس‌جمهور تعیین کرده و هر کسی که اعلام آمادگی کند، می‌تواند در فهرست پیشنهادی برای وزیر اقتصاد حضور یابد. در نتیجه خیلی جای تعجب نیست که آقای آخوندی که الآن وزیر راه و شهرسازی است به سِمت وزیر پیشنهادی اقتصاد در دولت دوازدهم معرفی شود. اگر امروز شاهد برخی ناکارآمدی‌ها در بدنه اقتصاد کشور هستیم، به دلیل ناکارآمدی تیم اقتصادی و نبود هماهنگی بین این تیم است.

آن روی سکه

مصرف به مرحله هشدار

□ **محمد نوری/** خبری از سوی معاون شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران مبنی بر مصرف بنزین بیش از ۸۳ میلیون لیتر در روز، در رسانه‌ها بازتاب‌های زیادی داشت. به این خبر از این جهت توجه شد که پیش‌بینی افزایش مصرف در حد پنج درصد بود که در حال حاضر به بالای نه درصد رسیده و به نظر می‌رسد که یک امر غیرعادی باشد.

این میزان مصرف باعث شده با وجود تولید روزانه ۶۷ میلیون لیتر بنزین در کشور همچنان نیاز به واردات ۱۶ میلیون لیتری وجود داشته باشد که با احتساب قیمت حداقلی ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ تومانی برای هر لیتر بنزین وارداتی، در سال جاری هزینه‌ای بیش از دو میلیارد دلار، معادل هفت تا هشت هزار میلیارد تومان به واردات بنزین اختصاص یابد. برای تحلیل این وضعیت باید به چند نکته توجه شود:

۱ـ با اینکه سرانه خودرو (تعداد خودرو به ازای هر نفر) در ایران نسبت به کشورهای در حال توسعه پایین است، اما مصرف به خاطر کیفیت پایین خودروها به شدت بالا رفته است و جا دارد اسناد بالادستی که برای ارتقا و کیفیت خودروها که مصرف سوخت هم جزء آن است، مد نظر خودروسازان قرار گیرد.

۲ـ ثبات قیمت بنزین و رشد نکردن آن در دو سال گذشته، یکی از عوامل رشد مصرف بنزین از سوی کارشناسان مطرح می‌شود. چون مردم با قیمت یک‌هزار تومانی به نوعی کنار آمده‌اند و از سوی دیگر تورمی هم که در دو سال گذشته داشته‌ایم؛ ولی در این بخش اضافه نشده است، کانه قیمت بنزین برای مصرف‌کننده حداقل ۲۰ درصد کاهش داشته است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد در صورتی که قیمت‌ها آزاد نشوند، این احتمال وجود دارد که بنزین نیز به سرنوشتی مشابه گاز تبدیل شود که تمامی رشد تولید، جذب مصرف‌کنندگان داخلی شود. ایران با وجود داشتن بزرگ‌ترین ذخایر گازی جهان و داشتن رتبه سوم در تولید این ماده، سهم بسیار اندکی در تجارت گاز دارد زیرا نبود بهینه‌سازی مصرف و بهره‌وری صحیح، ایران را به یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان گاز جهان تبدیل کرده است. برای برون‌رفت از این وضعیت باید چند اقدام اساسی صورت بگیرد، اول اینکه از ظرفیت ۴۰ میلیون مترمکعبی سی‌ان‌جی که تنها نیمی از این ظرفیت یعنی ۲۰ میلیون مترمکعب در روز استفاده می‌شود، به صورت کامل بهره‌برداری شود چون اگر مصرف سی‌ان‌جی به ۳۰ میلیون متر مکعب در روز برسد حدود ۱۰ میلیون لیتر از مصرف روزانه بنزین کاهش می‌یابد.

برای تحقق این امر می‌توان از تشویق‌های مرتبط با آن مانند قیمت پایین‌تر سی‌ان‌جی و کارگاه‌های ساخت مخزن سی‌ان‌جی استفاده کرد. دوم؛ برقراری مجدد سامانه کارت سوخت که واقعاً در کنترل مصرف بنزین در چند سال اخیر مفید بود، احیاء شود چون حذف کارت سوخت علاوه بر مصرف در داخل، قاچاق سوخت را هم در مرزهای کشور افزایش داده است.

بهینه‌سازی مصرف سوخت و تقویت استفاده از سوخت‌های جایگزین، توزیع تعطیلات در طول سال، اصلاح الگوی غلط مصرف‌کنندگان، نظارت صحیح و کافی بر ساخت خودرو، اصلاح برخی قوانین شهری و ایجاد سیستم حمل‌ونقل عمومی مناسب، از مواردی است که می‌تواند از تحریک رشد مصرف بنزین در داخل کشور کاهش دهد تا مشکلی در تأمین این سوخت ایجاد نشود.

ارز تک‌نرخی رؤیای دولت یازدهم

□ **سعید مهدوی/** یکی از اولویت‌های اقتصادی دولت یازدهم حرکت به سمت ارز تک‌نرخی بوده است. ثبات نرخ ارز و تک‌نرخی شدن آن از شاخصه‌های مهم کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری در اقتصاد به شمار می‌رود. ثبات اقتصادی کشور، شرایط مناسب برای سرمایه‌گذاری و کنترل قیمت‌ها به شدت به ثبات در بازار ارز وابسته است. از سوی دیگر این شاخصه به صورت مستقیم بر حجم تولید داخلی و صادرات و در مقابل بر میزان واردات به کشور نقش دارد. تجربه نشان داده که تلاطم و بی‌ثباتی در بازار ارز قابلیت مسری بودن به تمام بخش‌های جامعه حتی سطوحی که با بازار ارز در ارتباط نیستند را دارد و بر کسی پوشیده نیست که بروز و هرگونه تغییر چه از نظر افت و چه از نظر بهبود در این بازار، می‌تواند تأثیرات اساسی در اقتصاد کشور و خانوارها ایجاد کند.

برخی معضلات ارز چند نرخی

وجود نظام ارز دو یا چند نرخی زمینه و بستر مناسبی برای رانت، تبعیض و فساد فراهم می‌کند. به دلیل پایین نگه داشتن نرخ برخی کالاها، نرخ ارز برای مصرف و واردات گروهی از کالاها پایین نگه داشته می‌شود و از این طریق، امتیازهایی به گروهی تعلق می‌گیرد و در نتیجه ارز چند نرخی می‌شود. همچنین، نظام‌های چند نرخی ارز، زمینه‌ساز تخصیص منابع نامناسب ارزی هستند که سبب رانت‌جویی‌های ناشی از تفاوت نرخ‌های ارز می‌شوند و در نتیجه این موضوع، بخش زیادی از توان جامعه به جای اینکه صرف تلاش برای تولید و نوآوری شود، صرف استفاده از رانت‌های حاصل از تفاوت قیمت ارز خواهد شد. از سوی دیگر، بیشترین ضرر ارز چند نرخی به قشر آسیب‌پذیر جامعه وارد می‌شود که قرار است برخی با نرخ پایین ارز کالاهای اساسی به کشور وارد کرده و کار تولیدی کنند یا به مصرف عموم برسانند، ولی در عمل افرادی وارد صحنه می‌شوند و با ارز دولتی کالاهای لوکس وارد می‌کنند و به تولید و صادرات ضربه می‌زنند و اگر هم کالای اساسی وارد می‌کنند با احتساب ارز آزاد به مردم می‌فروشند.

سیف رکورددار وعده‌های عمل نشده در بازار ارز

رئیس کل بانک مرکزی با چهار بار وعده دادن درباره تک نرخی شدن ارز رکورددار وعده‌های عمل نشده در زمینه بازار ارز به شمار می‌رود. ولی‌الله سیف از ابتدای سال ۹۳ به طور متوسط هر شش ماه یک‌بار درباره تک‌نرخی شدن دلار یک وعده به مردم و فعالان اقتصادی داده و در نهایت هم قول داد تا با اجرای برجام، زمینه تک‌نرخی شدن ارز را فراهم کند. سیف به طور مشخص شهریور سال گذشته در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری اعلام کرد که «یکی از ملاحظات در زمینه تک‌نرخی شدن ارز برقراری ارتباطات بین‌المللی در حوزه بانکی است که پس از برجام این ارتباطات برقرار شده و به تدریج در حال افزایش است؛ اما قطعاً تا پایان سال، ارز تک‌نرخی می‌شود.» ولی امروز با وجود گذشت حدود یک سال‌ونیم از اجرای برجام هنوز نتوانسته دلار را تک‌نرخی کند.

آخرین وعده سیف درباره تک‌نرخی شدن دلار هم در روزهای اخیر بوده که در این زمینه اظهار داشت: «تک‌نرخی شدن ارز کاری است که به سادگی می‌تواند عملیاتی شود و هم‌اکنون نیز دستورالعمل‌های آن آماده ابلاغ است،... در اولین فرصت ممکن، سیاست تک‌نرخی شدن ارز را عملیاتی می‌کنیم و امیدواریم این سیاست در طول سال ۹۶ عملیاتی شود.»

تک‌نرخی شدن ارز با پایان دولت دوازدهم

محمدرضا سبزعلیپور، رئیس مرکز تجارت جهانی ایران با بیان به تعویق افتادن وعده‌ها و توفیق نداشتن دولت‌ها در اجرای تک‌نرخی کردن قیمت ارز گفت: «ده‌ها سال است که گوش‌های‌مان به شنیدن این جملهٔ مسئولان دولتی عادت کرده‌اند که «ان‌شاءالله به زودی قیمت ارز تک‌نرخی می‌شود» لاجرم وعده تک‌نرخی شدن قیمت ارز در سال‌های اخیر بیش از پیش بر زبان مسئولان امر جاری می‌شود، به طوری‌که هر سال برای سال بعد صد درصد قول می‌دهند که دیگر سال آینده ارز را در ایران تک‌نرخی می‌کنیم، از همین رو دقیقاً دو سال پیش بود که مسئولان ارشد بانک مرکزی سخن از یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۹۵ را بر زبان جاری ساختند بدون اینکه برای تحقق این مهم‌ترین پارامتر اقتصادی، برنامه یا راهکارهای جامع و دقیقی را اعلام کرده باشند.» این اقتصاددان همچنین اظهار داشت: «برخلاف میل باطنی‌ام به شما اطمینان می‌دهم که متأسفانه سیاست تک‌نرخی شدن قیمت ارز تا سال ۱۴۰۰ و پایان دولت دوازدهم اعمال نخواهد شد، مگر اینکه با مدیریت صحیح و حرکتی جهادگونه، معجزه‌ای رخ دهد که باز هم تأکید می‌کنم اگر بخواهیم درواقع شدنی و امکان‌پذیر است.»

سابقه یکسان‌سازی نرخ ارز در ایران

در فروردین ماه سال ۷۲ برای اولین بار ارز در اقتصاد ایران تک‌نرخی شد که این روند هفت ماه تداوم یافت، اما با روی کار آمدن دولت جدید و در پی آن تغییر سیاست‌های اقتصادی نظام، ارز تک‌نرخی حفظ نشد و بار دیگر شاهد بروز دو نرخ آزاد و دولتی برای ارز در اقتصاد بودیم؛ اما در سال ۸۰ باز هم نرخ بازار آزاد و دولتی یکسان شد و تا سال ۸۹ ادامه پیدا کرد تا اینکه در سال ۸۹ به دلیل افزایش نرخ تورم و رشد نقدینگی باز هم فاصله بین نرخ ارز دولتی و ارز آزاد ایجاد شد؛ به طوری که معنادار بین نرخ ارز دولتی و آزاد به وجود آمد. در پی این امر دولت دهم به دلیل افزایش شکاف قیمتی بین نرخ ارز مرجع و بازار آزاد و حضور سودجویان در این بازار و استفاده از ارز مرجع برای ورود کالاهای غیر ضروری، با هدف ساماندهی بازار ارز و کنترل نرخ دلار مرکز مبادلات ارزی را در مهر ماه سال ۹۱ راه‌اندازی کرد و در نتیجه شاهد وجود سه نرخ برای ارز در اقتصاد کشور بودیم. از سال ۹۲ به بعد نیز برخلاف ادعای دولتمردان تدبیر و امید و مسئولان بانک مرکزی درباره ثبات در قیمت ارز، طی سال‌های فعالیت دولت یازدهم، بررسی‌ها نشان می‌دهد که دولت تدبیر و امید یکی از پرنوسان‌ترین دوران را برای قیمت دلار رقم زده است. به گونه‌ای که دلار ۳۲۰۰ تومانی پایان دوره دولت دهم در سال گذشته نرخ ۳۶۲۰ تومان را نیز تجربه کرد. روی هم رفته باید گفت؛ در حال حاضر با توجه به حجم در اختیار داشتن ارز، دولت تنها منبع عرضه ارز به‌شمار می‌رود و این یعنی دولت نقش بسیار مهمی در تعیین نرخ ارز دارد و با توجه به سهم بالای دولت از اقتصاد، در عمل ظرف عرضه و تقاضای ارز در انحصار دولت است. اگر تصور کنیم که بخش خصوصی همه صادرات غیر نفتی را انجام می‌دهد که تقریباً پایین‌تر از ۲۰ درصد صادرات نفتی است، در مقایسه با دولت، ارز بسیاری در اختیار ندارد. بنابراین بدون خواست و اقدامات زمینه‌ساز دولت، به هیچ وجه نمی‌توان از ارز چند نرخی به سمت ارز تک‌نرخی حرکت کرد و این رؤیا را در دولت یازدهم به واقعیت تبدیل کرد.

نکته گرام

پایش

حذف ظریف

□ **سید فخرالدین موسوی/** «وزیری که برای برجام، تمام حیثیتش را گذاشت و تا آخرین نفس پای توافق هسته‌ای ایستاد، ظاهراً آب و هوای ایالات متحده به جای آنکه ادبیات او را با دولت این کشور همسان‌تر و همخوان‌تر بکند، برعکس، خوی ضد آمریکایی وی را تشدید کرده است. او در این چند روز در مصاحبه‌هایش سخنان تند و تهدیدآمیزی به زبان آورده. با صراحت، ترامپ را نه تنها به نقض‌کننده روح برجام، بلکه ناقض متن آن نیز معرفی می‌کند. در حالی که آمریکا از وفای ایران به تعهدات و تمدید لغو تحریم‌های هسته‌ای ایران خبر می‌دهد، از موضعی دیگر وارد شده و به جای حرف‌های دیپلماتیک و گفتمان مذاکرات، از گزینه خروج از برجام حرف می‌زند و آمریکا را تهدید می‌کند و آیا مشی انقلابی ظریف در گفت‌وگوهای اخیرش در چنین برهه‌ای باعث تحریک طرفین برجام برای خط و نشان کشیدن‌های بیشتر و دست آخر در خطر انداختن برجام تعبیر می‌شود؟ از چه روی، ظریف که همواره از مذاکره و گفت‌وگو می‌گفت، این‌بار در نیویورک این‌گونه لب به سخن گشوده و در مصاحبه‌هایش در آمریکا تابوشکنی کرده است؟... اظهارات ظریف نشان می‌دهد که موضع‌گیری او، پیشتر در ایران از سوی نظام اتخاذ و به ایشان ابلاغ شده است. همان‌طور که روز گذشته هم مجلس ایران علیه آمریکا موضع‌گیری کرد... به هر حال ایران و آمریکا سابقه طولانی اختلاف با یکدیگر دارند و طبیعی است که هر از گاهی شاهد مواضع تند حتی از سوی ظریف باشیم.»

برای شما هم حتماً حیرت‌انگیز خواهد بود اگر بدانید این عبارات را یک روزنامه ایرانی و با تیتر «دلواپسی ظریف» نوشته است! روزنامه اصلاح‌طلب «آفتاب یزد» که اولین روز پس از انعقاد برجام در سرمقاله‌اش ظریف را «امیر کبیر عصر ما» خواند و تصویری از وزیر امور خارجه دولت اعتدال در شمایل و لباس امیرکبیر بر صفحه اول خود نشاند، روزنامه‌ای که حتی چاپ آن شماره خود را تسریع کرد تا حامیان توافق آن را در جشن خیابانی بر سر بگیرند؛ البته تنها حکایت روزنامه آفتاب یزد نیست و راهبرد دیگر روزنامه‌های اصلاح‌طلب نیز در همین راستا بود. اگرچه انتقاد از ظریف با این ادبیات برعهده آفتاب یزد قرار گرفته بود، دیگر روزنامه‌های اصلاح‌طلب با حذف و سانسور محمدجواد ظریف و سخنان او در واشنگتن، نارضایتی خود را از مواضع و اقدامات وزیر امور خارجه دولت تدبیر و امید نشان دادند در حالی که گفت‌وگوها و اظهارات ظریف در صدر اخبار رسانه‌های مختلف قرار گرفته بود؛ اما نقض برجام کار را به جایی رساند که حتی ظریف، روحانی و عراقچی هم سرانجام لب به شکایت گشودند، که البته روزنامه‌های اصلاح‌طلب با ندیدن و حذف این اعتراض‌ها، ترجیح دادند در هفته گذشته همچنان موضوعات دیگری، چون تشکیل کابینه و پروژه سهم‌خواهی از روحانی را دنبال کنند تا «فصل رایزنی برای کابینه»، «ما را دنبال نخود سیاه نفرستند» و «کابینه در پیچ بهارستان» پر تکرارترین عناوین روزنامه‌های اصلاح‌طلب باشد و روزنامه‌های منتقد به منعکس‌کننده اظهارات مقامات دولتی بدل شوند. اما در مقابل این روزنامه‌های منتقد بودند که اخبار اظهارات وی را منعکس کردند چنانکه مهدی محمدی در سرمقاله وطن امروز با عنوان «یک گام به جلو» می‌نویسد: «تهدید آقای ظریف به خروج از برجام در نشست شورای روابط خارجی آمریکا را اگر تعارفات نباشد، می‌توان «یک اقدام راهبردی» تلقی کرد. من فکر نمی‌کنم و نشانه‌ای هم نیست که در تئوری‌های سیاست خارجی آقای ظریف تغییری حاصل شده باشد؛ ولی همین که او به این نتیجه رسیده که «تهدید به خروج از برجام» یک «گزینه روی میز» برای ایران است، اتفاق کوچکی نیست. همه داستان این است: دکتر ظریف و تیمش تا دیروز تصور می‌کردند «برد متقابل» عاملی است که پایبندی آمریکا به برجام را تضمین خواهد کرد؛ اما من امیدوارم جمله دیروز ظریف علامتی از این باشد که تنها یک عامل هست که می‌تواند پایبندی طرفی مانند آمریکا به برجام را تا حدی و نه کاملاً تضمین کند و آن «ترس از به هم خوردن توافق و از دست رفتن مواهب ناشی از آن» است. این یک اصل راهبردی است. آمریکا تا زمانی و تا جایی به برجام-و شاید هر توافق دیگری پایبند خواهد بود که حس کند عدم پایبندی به برجام، ریسک خروج ایران از توافق را در پی دارد.»

اخبار اقتصادی

آمریکا در صدر کشورهای صادرکننده گاز

به گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، برخلاف میزان گاز مورد تقاضا در آمریکا که بزرگ‌ترین تولیدکننده و مصرف‌کننده گاز است، تا سال ۲۰۲۲ میلادی، آمریکا میزان ۴۰ درصد گاز جهان را تولید می‌کند که دلیل آن رشد چشمگیر تولید نفت شیل است. بر اساس این گزارش تقاضا برای گاز در پنج سال آینده به میزان ۱/۶ درصد به طور سالانه افزایش می‌یابد و در این میان، کشور آمریکا تا سال ۲۰۲۲ میلادی، میزان ۴۰ درصد بیش از نیاز خود را تولید خواهد کرد.

میزان درآمد دولت از مالیات سیگار

آمار منتشر شده از سوی بانک مرکزی حاکی از آن است که مجموع درآمدهای کسب شده دولت از محل مالیات‌های غیرمستقیم در سال ۱۳۹۵، ۵۲ هزار و ۹۰ میلیارد تومان بوده که مصوب شده بود رقم ۵۳ هزار و ۶۸۰ میلیارد تومان باشد که بخشی از آن وصول نشده است. از این میزان درآمد دولت، بالغ بر ۳۳۰ میلیارد تومان از طریق مالیات بر فروش سیگار در سال ۹۵ بوده است.

رکوردزنی مصرف بنزین در تابستان

شاهرخ خسروانی، معاون شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران گفت: «متوسط میزان مصرف بنزین در کشور بعد از ماه مبارک رمضان به بیش از ۸۳ میلیون لیتر رسیده و کاهش هم پیدا نمی‌کند که یک امر غیرعادی است. پیش‌بینی افزایش مصرف در حد پنج درصد بود که در حال حاضر به بالای ۹ درصد رسیده است.»

میزان سقف پرداختی حقوق مدیران

محمدباقر نوبخت، سخنگوی دولت در پاسخ به این پرسش که آیا براساس مصوبه اخیر هیئت دولت میزان سقف پرداختی حقوق مدیران شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی برداشته شده است یا خیر، اظهار داشت: «خیر، منتهی حداکثر سقف در دو حد تعیین شد؛ یکی برای مدیران سیاسی و مقامات است که همه باید کمتر از ۱۰ میلیون تومان باشد و برای سایر مدیران و مدیران شرکتی با توجه به این تعاریف این رقم تا حد ۱۷ یا ۱۸ میلیون تومان در ماه می‌رسید.»

پژواک

شبکه‌های اجتماعی و کودکان
فضای غیر اخلاقی علیه کودکان-۸

□ **مهدی فرهادی/** آمار نشان می‌دهد، در جهان امروز ۹۵ درصد از نوجوانان از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند، تا جایی که آنها برخی گفت‌وگوها، عکس‌ها و اطلاعات زندگی خود را با دوستان خود و حتی گاهی کلاهبردارانی که در قالب دوست ظاهر می‌شوند، به اشتراک می‌گذارند؛ افرادی که گاهی سن آنها کمتر از سن قانونی است و به صورت تمام وقت در این شبکه‌ها مشغول و به طور غیر قابل باوری به آنها وابسته‌اند. در دنیای دیجیتال امروز، استفاده از دستگاه‌های محاسباتی مانند موبایل، تبلت، لپ‌تاپ و... از سنین خیلی پایین شروع می‌شود و کودکان ساعات زیادی را در اینترنت به سر می‌برند. زندگی اجتماعی آنها تنها محدود به فاصله بین زندگی دیجیتالی و زندگی در شبکه‌های اجتماعی می‌شود، به طوری که تمام فکر آنها این است که چگونه در شبکه‌های اجتماعی، با دوستان مجازی خود ارتباط برقرار کنند و هرگز علاقه‌ای به روابط اجتماعی خانوادگی و دوستانه در فضایی به جز شبکه‌های اجتماعی ندارند. با وجود آنکه مقابله با این سوءاستفاده‌کنندگان در آمریکا هم شروع شده است، اما به دلیل اینکه برخی، از این مبارزه غیر اخلاقی به دنبال سود خود هستند، تقریباً کنترل‌ناپذیر است. چندی پیش خبرگزاری یونایتدپرس اعلام کرد مسئولان آمریکایی ۱۹۰ فرد مظنون به دست داشتن در شبکه‌های سوءاستفاده جنسی از کودکان را دستگیر کرده و موفق به نجات ۱۸ کودک شدند. جان مورتون، رئیس اداره اجرایی مهاجرت و گمرک (ICE) آمریکا در هشداری از شهروندان آمریکایی خواست تا در طول تعطیلات تابستان توجه بیشتری به کودکان و زمانی که آنها در فضاهای مجازی می‌گذرانند، داشته باشند.

عکس خبر

رژیم صهیونیستی اردوی بازدید از مناطق افسانه هولوکاست برگزار می‌کند!

تقاضا برای حضور در جمع مدافعان حرم روز به روز بیشتر می‌شود

شهید بهشتی دنبال هتل نبود، در فرمانداری، با عمامه زیر سر خوابید

اتحاد شیعه و سنی رمز پیروزی ملت عراق

بی‌آبی‌های امروز ما را یاد دهه ۶۰ می‌اندازد

گوش‌های شنوا برای درد دل یک کودک از فقر و محرومیت

استقبال از پیکر شهید حمید مرادلو پس از ۳۵ سال گمنامی

کودکان قربانی وبای سعودی

«روبن ماردینی» مدیر منطقه‌ای خاورمیانه در صلیب سرخ اعلام کرد: «روزانه دست‌کم هفت هزار نفر در یمن وبا می‌گیرند.» گفتنی است، اکنون هفت میلیون نفر در یمن با این بیماری دست‌وپنجه نرم می‌کنند که ۲/۲ میلیون نفر از آن را کودکان زیر پنج سال تشکیل می‌دهند. در ادامه افشای جنایات ائتلاف آمریکایی ـ سعودی، سازمان بین‌المللی «کودکان را نجات دهید» در این باره می‌گوید: «هر ۳۵ ثانیه یک کودک یمنی به بیماری وبا مبتلا می‌شود.»

پنجره

مهره مرموز بحران منطقه

قاسم غفوری/ هر چند که خطر تروریسم و البته اشغالگری صهیونیست‌ها، به ویژه اقدامات آنان علیه مسجدالاقصی اولویت‌های منطقه است، اما در هفته‌های اخیر غرب آسیا و به تبع آن جنوب خلیج‌فارس با بحرانی به نام تقابل میان سعودی و قطر مواجه شده است. مناقشه‌ای که در یک سوی آن سعودی قرار دارد که سعی دارد با کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس و البته اردن و مصر و حتی آفریقا تسلیم‌سازی قطر را اجرایی کند که البته حمایت آمریکا را با دادن رشوه‌های کلان نیز طلب کرده که تا حدودی نیز موفق بوده است. در نقطه مقابل قطری قرار دارد که با تکیه بر ترکیه و البته منابع اقتصادی سعی دارد مقابل این تحرکات قرار گیرد. ضلع دیگر نیز کشورهایی مانند جمهوری اسلامی ایران هستند که برای ثبات و امنیت منطقه خواستار حل مسالمت‌آمیز این بحران شده‌اند. جالب و قابل توجه آنکه آمریکایی که به صراحت در کنار سعودی قرار گرفته بود پس از سفر تیلرسون وزیر امور خارجهاش به منطقه این رویکرد را کنار گذاشته و با نگاه میانجیگری برای حل بحران موضع‌گیری داشته است.

در این میان یک نکته کلیدی مشاهده می‌شود و آن نوع رفتارهای امارات است. سران امارات در این مناقشه نقشی کلیدی را ایفا می‌کنند و گاهی از عربستان نیز علیه قطر تندتر بوده و تلاش دارند تا به نوعی بحران مذکور همچنان ادامه داشته باشد. چنانکه با وجود اقدامات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای پایان بحران، امارات همچنان بر طبل اختلافات می‌کوبد. سران امارات بارها ادعا کرده‌اند که تنش با قطر زمانی طولانی خواهد بود و این کشور گزینه‌ای جز پذیرش درخواست امارات نخواهد داشت. گزارش‌ها نشان می‌دهد اقدامات رسانه‌ای و هک شدن شبکه‌های قطری از سوی امارات زمینه‌ساز اولیه بحران میان کشورهای عربی و قطر بوده است. حال این سؤال مطرح است که چرا امارات چنین رویکردی در پیش گرفته و اهداف آن از این مسئله چیست؟

آن چه که امارات تلاش دارد تا چنان القا کند که در کنار سعودی علیه قطر قرار دارد، اما با بررسی روابط گذشته دو کشور و اقداماتی که امارات در یمن صورت می‌دهد می‌توان گفت تحرکات امارات بیشتر با هدف رسیدن به موقعیت منطقه‌ای در سایه تضعیف رقبای منطقه‌ای است. در نبرد کنونی عربی هر یک از طرفین، یعنی سعودی و قطر که پیروز شوند، یعنی تضعیف امارات و مانند آن در رده‌های میانی بازیگران منطقه‌ای، در حالی که تضعیف همزمان آنان برابر با قدرت‌یابی امارات خواهد بود. این امر زمانی قوت می‌گیرد که امارات رویکرد گسترده‌ای با رژیم صهیونیستی و آمریکا داشته و سعی دارد خود را تأمین‌کننده منافع آنان نشان دهد.

این قدرت‌یابی از یک سو برای شاهزادگان جوانی همچون بن‌زاید که به دنبال پادشاهی زودهنگام هستند، برای رسیدن به قدرت مؤثر است و از سوی دیگر به زعم آنان، امارات را به قدرت منطقه‌ای و حتی بازیگری برای آمریکا در منطقه مبدل می‌کند. امارات که نقش قدرت درجه دوم و بعضاً کوچک عربی را ایفا می‌کند، سعی دارد از سناریوی بحران برای خروج از این وضعیت خارج شود. به گونه‌ای که حتی برخی استمرار جنگ‌افروزی سعودی در یمن با وجود شکست‌های سنگین را نتیجه تحرکات امارات می‌دانند که هم می‌خواهد یمن و موقعیت اقتصادی آن را نابود کند و هم سعودی را با گرفتارسازی در یمن از تحولات منطقه دور و متزلزل تر از اوضاع کنونی سازد.

با این حال می‌توان گفت که ادعای سران امارات که خود را نزدیک به سعودی نشان می‌دهند، امری ظاهری بوده و آنها با دمیدن بر آتش بحران‌های منطقه برآنند تا با تضعیف دو رقیب منطقه‌ای خود قدرت‌یابی شوند. این امر زمانی بیشتر نمود می‌یابد که گزارش‌ها از اختلافات شدید امارات و عربستان در یمن حکایت دارند، به گونه‌ای که هر یک علیه منافع یکدیگر اقدام می‌کنند.

بن‌زاید ولی‌عهد جوان اماراتی سعی دارد از بحران منطقه برای رسیدن زودهنگام به تاج و تخت بهره گیرد، چنانکه بن‌سلمان در عربستان نیز چنین رویکردی را داشته است، که از نتایج آن تشدید و استمرار بحران در منطقه و استمرار تنش‌ها میان کشورهای عربی خواهد بود.

فراسو

نگاهی به اقدامات رئیس جمهور ترکیه یک سال پس از کودتا

اردوغان به دنبال امنیت سیاسی

رضا اشرفی/ رجب طیب‌اردوغان یک سال پس از کودتای نافرجام در ترکیه، خود و کشورش را در موقعیت متفاوتی قرار داده است. در شب ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ (۲۵ تیر ۱۳۹۵) گروهی از نظامیان ترکیه با بستن پل‌های اصلی استانبول، تصرف شبکه‌های تلویزیونی و محاصره بزرگ‌ترین فرودگاه کشور به دنبال سرنگونی دولت اردوغان و همچنین ترور وی بودند. طرحی که با خیانتی شدن حمایت‌های مردمی به نتیجه نرسید، اما پیامدهایی را در سطوح مختلف به همراه داشت که هنوز ادامه دارد و آینده سیاسی ترکیه را همچنان از خود متأثر می‌سازد.

این کودتا دستکم در سطوح داخلی و ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرگذار بوده و به شکل چندجانبه اردوغان و ترکیه را تحت تأثیر قرار داده است. پیش از هر موضوع باید به این مسئله پرداخت که این کودتا سبب شد تا جایگاه اردوغان در مقام رئیس‌جمهور مستحکم شود و وی با تقابل با چهره‌های صد درصدی مخالفان سیاسی خود را تحت سلطه بگیرد. البته، این تمام ماجرا نیست؛ زیرا اردوغان در سطوح داخلی و ملی به طور تقریبی همه مخالفان را در حوزه‌های سیاسی، حزبی، قضایی، نظامی، آموزشی، خدماتی، رسانه‌ای، قومی و... تحت فشار قرار داد و با بازداشت‌ها و اخراج‌ها، دولتی به ظاهر بی‌رقیب را شکل داد. این موضوع در پس همه‌پرسی قانون اساسی که قدرت رئیس‌جمهور را افزایش می‌دهد و رقبا را در سطح سیاسی به کما می‌برد، بیشتر نمایان شده است.

وضعیت سیاسی ترکیه پس از کودتا که البته مقدمات آن پیش از کودتا مهیا شده بود به گونه‌ای است که برخی از آن به بازگشت دیکتاتوری به ترکیه یاد می‌کنند که به دنبال بازآفرینی عثمانی‌گری و همچنین تحقق آرمان‌های سیاسی بلند در منطقه است.

بنابراین تحولات داخلی ترکیه و چینش سیاسی اردوغان پس از کودتا حوزه داخلی و ملی را به سطح منطقه‌ای گره می‌زند. کاملاً هویدا است که طرح منطقه‌ای رجب طیب‌اردوغان با سیاست‌های عربستان سعودی و همچنین مصر کنونی سازگار نیست. بنابراین قابل پیش‌بینی بود که بین ریاض و آنکارا سرانجام اختلاف‌نظر و حتی امکان تقابل شکل بگیرد؛ مسئله‌ای که در موضوع قطر و دشمنی عربستان سعودی با دوحه نمایان‌تر شده است. اما به نظر می‌آید هنوز با سطح تقابلی آنکارا ـ ریاض فاصله داریم؛ زیرا هر دو محتاط‌تر سیاست‌های منطقه‌ای یکدیگر را دنبال می‌کنند و سعی دارند اختلافات هنوز پنهان بماند. انگیزه ریاض از این موضوع تقابل‌های آن با ایران و زیاد نکردن دشمنان منطقه‌ای خود است. اما ترکیه به هر شکل به دنبال آرام نگه داشتن عربستان سعودی و علنی نکردن دشمنی است تا اینکه بخت ریاض برگردد و تخت سعودی‌ها با تزلزل مواجه شود، تحولی که چشم‌انداز آن دیده می‌شود.

در بحث کودتا اتفاقاً عربستان سعودی نشان داد که همچون آمریکا و اروپا خواهان سقوط دولت اردوغان است، اما این طرح سه ضلعی در فضای منطقه‌ای (سعودی ـ صهیونیستی)، فرامنطقه‌ای (اروپایی) و بین‌المللی (آمریکایی) علیه اردوغان شکل نگرفت.

با این وجود اردوغان از رویکردهای پیشین و سیاست‌های مخالفان خود و همچنین حمایت کشورها و همسایگانی که در بدترین شرایط از آن حمایت کردند، درست درس نگرفت. تقابل‌های کلانی که در حال حاضر، ترکیه در سطح منطقه‌ای دارد و در قبال تحولات سوریه، با فشارهای سیاسی و به ویژه قومیتی مواجه می‌شود، نوع حمایتی بازمی‌گردد که ترکیه از آمریکا و اروپا در حمایت از کردها دارند. طرح قومیتی ـ کردی که سعودی و صهیونیسم نیز از آن حمایت می‌کنند.

اردوغان به دلیل حمایت اروپا از کردها، تحت سلطه گرفتن سیاست‌های آنکارا در کشورهای با پناهجویان، بحث چگونگی مواجهه با پناهجویان و... با این اتحادیه دچار مشکل شده است و روز به روز اختلافات دو طرف افزایش می‌یابد، تا جایی که دولت آلمان در نشست گروه بیست به طور رسمی با سخنرانی اردوغان برای هموطنان خود در آلمان مخالفت کرد. اگر چه اردوغان گوش به فرمان آنها نماند.

اما در بحث آمریکا مسئله جدی‌تر است. اردوغان از همان ابتدا اعلام کرد که عبدالله گولن، عامل اصلی کودتای ترکیه در پناه آمریکا است و اگر واشنگتن وی را برنگرداند، در این مسئله دخیل است. از سوی دیگر نوع حمایت‌های مستقیم آمریکا از کردهای حاضر در بحران سوریه، به ویژه پس از روی کار آمدن دونالد ترامپ، حکایت از آن دارد که ترکیه به طور جدی با بحران مرزی و سرزمینی و شخص اردوغان با بحران سیاسی مواجه است. بنابراین کاملاً توجیه‌پذیر است که چرا با اینکه ترکیه عضو جدی ناتو است و تیم نظامی غرب است، خود را در مواقع زیادی به روسیه نزدیک می‌کند. به هر تقدیر می‌توان گفت که ترکیه پس از یک سال از کودتای نافرجام هنوز نتوانسته از آن شرایط خارج شود و همچنان در بحران‌ها و چالش‌های داخلی و خارجی گرفتار است، به گونه‌ای که بسیاری سرنوشتی نامعلوم را برای آینده ساختار حاکم بر این کشور و شخص اردوغان پیش‌بینی می‌کنند. اعتراضات که از سوی گروه‌های مخالف اردوغان به رهبری قلیچدار اوغلو رهبر حزب جمهوریخواه خلق در مناطق مختلف ترکیه به پا شده و نیز تنش‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با ترکیه نمودی از این وضعیت است.

ترکیه پس از یک سال از کودتای نافرجام هنوز نتوانسته از آن وضعیت خارج شود و همچنان در بحران‌ها و چالش‌های داخلی و خارجی گرفتار است، به گونه‌ای که بسیاری سرنوشتی نامعلوم را برای آینده ساختار حاکم بر این کشور و شخص اردوغان پیش‌بینی می‌کنند

رخنه

هژمونی آمریکا بر جهان اسلام- ۲۶

برنامه‌های هدفمند در سایه روابط تنگاتنگ با قزاقستان

عبدالله عبادی/ جمهوری قزاقستان کشوری است در آسیای میانه که پایتخت آن در سال ۱۹۹۸ از آلماتی در جنوب به آستانه در شمال منتقل شد. جمعیت قزاقستان حدود ۱۷ میلیون نفر و واحد پول آن «تنگه» نام دارد. قزاقستان این کشور محصور در خشکی در جهان است که تراکم جمعیتی پایینی دارد. بیش از ۷۰ درصد جمعیت این کشور مسلمان هستند.

تخمین زده می‌شود که قزاقستان صاحب دومین منابع بزرگ جهان در زمینه اورانیوم، کروم، روی و سرب و سومین در منگنز، چهارمین در مس و در زمینه زغال‌سنگ، آهن و طلا نیز در بین ۱۰ کشور اول جهان قرار دارد. این کشور همچنین در منابع نفت و گاز یازدهمین رتبه را در میان دیگر کشورها دارد.

آغاز روابط

روابط آمریکا و جمهوری قزاقستان از ۱۶ دسامبر ۱۹۹۱ آغاز شد و آمریکا اولین کشوری بود که استقلال قزاقستان را به رسمیت شناخت. سفارت آمریکا از ژانویه ۱۹۹۲ در پایتخت قزاقستان به طور رسمی افتتاح شد.

پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله آمریکا به افغانستان و عراق در قالب جنگ علیه تروریسم، آمریکا به دنبال یافتن متحدی در نزدیکی مرزهای افغانستان و همچنین نزدیک به عراق بود که قزاقستان بیشتر از همه برای آمریکا مطرح بود و به همین دلیل این کشور انتخاب شد. طی مذاکراتی که با مقامات این کشور انجام شد، مقامات قزاق موافقت کردند تا فرودگاه آلماتی به منظور پشتیبانی از عملیات آمریکا در افغانستان در اختیار ناتو قرار گیرد. به این ترتیب آمریکا از خاک قزاقستان در جنگ علیه افغانستان از تمامی فرودگاه‌ها و پایگاه‌های نظامی اطراف این کشور نظیر آلماتی قزاقستان، ماناس در قرقیزستان، ترمذ در ازبکستان و دوشنبه در تاجیکستان استفاده کرد.

همه توجه آمریکا به قزاقستان به جنگ عراق و افغانستان منحصر نبود؛ بلکه فشار بر رقیب دیرینه، یعنی روسیه را از دیگر اهداف آمریکا از نفوذ در قزاقستان برشمرد. قزاقستان یکی از متحدین سنتی شوروی سابق و روسیه فعلی است که با این کشور مرز طولانی دارد؛ از این‌رو اقدام قزاقستان در اجازه دادن به حضور هواپیماهای آمریکایی در فرودگاه‌های این کشور بیش از همه روسیه را نگران کرد. مقامات مسکو با اشاره به تنش‌های موجود میان آمریکا و روسیه بر سر استقرار بخشی از سپر موشکی آمریکا در اروپای شرقی، اقدام آستانه در مورد اجازه دادن رسمی به هواپیماهای آمریکایی برای بهره‌گیری از فضای این کشور در نزدیکی مرزهای روسیه را اقدامی بی‌سابقه و نامتعارف توصیف و اعلام کردند. این اقدام بررسی بیشتری از سوی مقامات آستانه و هوشیاری بیشتر مسکو را می‌طلبد.

از سوی دیگر قزاقستان مرزهای طولانی با چین دارد. دیگر رقیب بزرگ آمریکا در عرصه سیاسی، اقتصادی و نظامی دارد و آمریکا قصد دارد با حضور در نزدیکی مرزهای چین به نوعی زنگ خطر را برای این رقیب قدرتمند خود به صدا درآورد.

از جمله برنامه‌های دیگر آمریکا برای کشور توسعه‌نیافته، حمایت و تقویت ارتش‌های این کشورها و به کارگیری آنان در عملیات‌های پاسدار صلح سازمان ملل در سراسر جهان است. بر این اساس، آمریکا و قزاقستان برنامه همکاری در حوزه نظامی برای سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۷ را در محورهایی مانند حفظ صلح، ارتقای سطح دانش نیروهای نظامی از سوی واشنگتن برای ساخت ارتش حرفه‌ای، آموزش نظامیان در دست تهیه دارند، ضمن آنکه آستانه شریک کلیدی مسکو در قالب پیمان امنیت جمعی و اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیز است.

همچنین همکاری‌ها در حوزه نظامی بین قزاقستان و آمریکا در سال‌های اخیر سرعت در حال رشد است و طی چند سال اخیر نیز آمریکایی‌ها چندین دوره آموزشی ضد تروریسم برای یگان‌های مختلف ارتش قزاقستان برگزار کرده‌اند، ضمن آنکه در ۱۸ فوریه ۲۰۱۶ وزارت دفاع قزاقستان از تحصیل فرماندهان خود در دانشگاه عالی نیروی دریایی آمریکا خبر داد.

روابط اقتصادی

قزاقستان یکی از مهم‌ترین شرکای آمریکا در آسیای میانه است، به طوری که حجم صادرات و واردات این کشور از آمریکا در سال ۲۰۱۴ به ۲/۴ میلیارد دلار رسیده است، از سوی دیگر طی سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۳ آمریکا ۴۲ میلیارد دلار در زمینه‌های مختلف در این کشور سرمایه‌گذاری کرده است. که بیشترین این سرمایه‌گذاری‌ها در زمینه نفت و گاز، مخابرات، کالاهای الکترونیک و خدمات بوده است. قزاقستان براساس اصلاحاتی که در قوانین خود ایجاد کرده و همچنین کاهش فساد اداری، توانسته توجه سرمایه‌گذاران آمریکایی را جلب کند، به طوری که در اثر حمایت‌های آمریکا از این کشور عضویت قزاقستان در سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۱۵ پذیرفته شد.

در آبان ماه ۱۳۹۴ جان کری، وزیر امورخارجه آمریکا برای اولین بار وارد آستانه شد و به گرمی مورد استقبال نظربایف قرار گرفت. نظربایف خطاب به کری گفت: «از بدو استقلال قزاقستان تا به امروز در آستانه جشن ۲۴ سالگی آن هستیم، آمریکا روابط تنگاتنگی با ما داشته است و در حال حاضر بیش از ۵۰۰ شرکت اقتصادی آمریکا مشغول فعالیت در کشور ما هستند.»

کری نیز با اشاره به اینکه آمریکا در واقع یکی از بزرگ‌ترین کشورهای سرمایه‌گذار در قزاقستان است، گفت: «من امروز ضمن ملاقات با نمایندگان اتاق بازرگانی آمریکا در قزاقستان به این نتیجه رسیده که آنها از پیشرفت‌هایی که در زمینه تجارت در کشور شما دارند، راضی هستند.»

روابط خوب اقتصادی آمریکا و قزاقستان سبب شد تا کشورهای ثروتمندی چون هلند و سوئیس به سرمایه‌گذاری در این کشور رغبت نشان دهند. بانک ملی قزاقستان در سال ۲۰۱۵ اعلام کرد آمریکا، هلند و سوئیس مهم‌ترین سرمایه‌گذاران خارجی در این کشور به شمار می‌آیند.

کندوکاو

ایران هنوز به دنبال بمب اتم است!

خبرگزاری تسنیم: «اد رویس» رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا در ادعاهایی بی‌پایه ایران را به تلاش برای دستیابی به سلاح‌های اتمی، با وجود حصول توافق هسته‌ای با گروه ۱+۵ متهم کرده است.

«رویس» در بیانیه‌ای که روی وبگاه مجلس نمایندگان آمریکا قرار گرفته، مدعی شد توافق هسته‌ای به ایران اجازه می‌دهد «حتی بدون تقلب، مسیر خود برای سلاح هسته‌ای را ادامه دهد.» این قانونگذار ارشد کنگره آمریکا نوشت: «ایران، برنامه موشک بالستیک غیر قانونی خود را با سرعت بخشیده و گزارش‌های متعددی درباره پایبند نبودن ایران به توافق موجود است.»

ترامپ راهبردی جامع برای مقابله با ایران تدوین می‌کند

خبرگزاری فارس: وزیر خارجه آمریکا در نامه‌ای که به کنگره ارسال کرده، نوشته است واشنگتن در حال کار بر روی راهکارهای جدید برای رفع «نواقص برجام» است. «رکس تیلرسون» ادعا کرده است، رئیس‌جمهور ترامپ دولت خود را مأمور کرده تا با همکاری با متحدان گزینه‌هایی را برای پاسخ به نواقص قابل توجه برجام بررسی کرده و گام‌هایی را برای اجرای دقیق‌تر مفاد توافق به اجرا برداراند. رئیس‌جمهور همچنین دولت خود را مأمور کرده است ایران در برابر اقدامات خطرناک و ثبات‌زدایش پاسخگو نگه داشته و راهبردی یکپارچه برای پاسخ به طیف کامل تهدیدات ایران برای منافع ملی‌مان، تدوین کند.

توصیه «جان بولتون» درباره برجام

خبرگزاری مهر: نماینده سابق آمریکا در سازمان ملل متحد به رئیس‌جمهور ایالات متحده توصیه کرد، «همین الان» از برجام خارج شود. «جان بولتون» تأکید کرده است که اکنون دولت دونالد ترامپ در پی خروج از برجام نیست و تصمیم گرفته است پایبندی تهران به توافق هسته‌ای ایران و شش قدرت جهانی موسوم به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) را تأیید کند. اگر این موضوع صحت داشته باشد، این دومین اشتباه ساده دولت ترامپ درباره برجام است. در طول دو سال گذشته، اطلاعات قابل اتکایی از جزئیات نقض توافق هسته‌ای از جانب ایران رسانه‌ای شده است که ترکیه به محدوده سازی اورانیوم و تولید آب سنگین، تلاش‌های غیر قانونی برای تهیه فناوری دو منظوره هسته‌ای و موشکی و ممانعت از تلاش‌های بین‌المللی برای بازرسی است.

ایران روح برجام را نقض کرده است!

خبرگزاری فارس: مشاور امنیت ملی دولت ترامپ می‌گوید برجام نه تنها رفتار ایرانیان را اصلاح نکرده، بلکه از سوی این ملت نقض هم شده و آمریکا باید شواهد نقض متن صریح برجام را از سوی تهران را بررسی کند. «هربرت رابرت مک‌مستر» از اعضای ارشد شورای امنیت ملی آمریکا و مشاور امنیت ملی کاخ سفید، درباره نحوه تأیید احتمالی تبعیت ایران از مفاد برجام از سوی «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور کشورش سخن گفت.

ترامپ خواستار مقابله با ایران شد

خبرگزاری باشگاه خبرنگاران جوان: رئیس‌جمهور آمریکا در گفت‌وگو با پادشاه عمان از وی خواست با ایران مقابله کند. در بیانیه کاخ سفید درباره این دیدار آمده است: «رئیس‌جمهور ترامپ بر مقابله با فعالیت‌های ثبات‌زای ایران در منطقه تأکید کرد.» رسانه‌های آمریکایی چندی پیش گزارش دادند دولت آمریکا قصد دارد با فشار بر عمان، آن را از ایران دور کند.

کاخ سفید: راهبردی جامع در قبال ایران داریم

خبرگزاری فارس: «سارا سندرز» سخنگوی کاخ سفید گفت: «واشنگتن همچنان در حال بررسی سیاست خود در قبال ایران است.» سندرز افزود: «دولت آمریکا در حال تدوین یک «راهبرد جامع یکپارچه» در ارتباط با ایران است. کاخ سفید ایران را به انجام اقدامات بی‌ثبات‌کننده در منطقه متهم کرده و می‌گوید توافق هسته‌ای، صرفاً در بعد هسته‌ای ایران را محدود کرده است.»

هویت

آمریکا: تبعیض شدید رسانه‌ها علیه مسلمانان

وضعیت تبعیض‌آمیز جاری علیه مسلمانان در آمریکا هر روز ابعاد گسترده‌تری می‌گیرد، چنانکه پژوهشگران دانشگاه جورجیا اعلام کردند، در صورتی که عامل اقدام تروریستی در آمریکا، مسلمان باشد رسانه‌ها پنج برابر بیشتر به آن موضوع می‌پردازند. بررسی همه اقدامات تروریستی در آمریکا نشان می‌دهد که رسانه‌های آمریکایی، زمانی که عامل حمله یک مسلمان باشد، ۴۴ درصد بیشتر به موضوع می‌پردازند. به این ترتیب، رسانه‌های آمریکایی درصددند مردم را از مسلمانان بترسانند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در ماه فوریه اسلام ادعا کرده بود؛ حملات تروریستی مسلمانان در رسانه‌ها به خوبی منعکس نمی‌شود که این پژوهش، نه تنها نادرستی ادعاهای وی را نشان می‌دهد؛ بلکه تبعیض علیه مسلمانان را بیشتر آشکار می‌کند.

ایتالیا: فقر و تبعیض نژادی

تازه‌ترین آمارهای رسمی نشان می‌دهد که تعداد فقرا در ایتالیا در سال ۲۰۱۶ میلادی به بالاترین سطح خود در بیش از ۱۰ سال اخیر رسیده است، در حالی که بخش عمده‌ای از فقرا را مهاجرین و نیز اقلیت‌های دینی و نژادی از جمله مسلمانان تشکیل می‌دهند. تعداد افرادی که در فقر مطلق اقتصادی زندگی می‌کنند به ۴/۷۴ میلیون نفر رسیده که این رقم معادل ۷/۹ درصد جمعیت این کشور است. این رقم نسبت به ۷/۶ درصد جمعیت در سال ۲۰۱۵ میلادی افزایش داشته و به بالاترین رقم از سال ۲۰۰۵ میلادی رسیده است. در مناطق کمتر توسعه یافته جنوب ایتالیا بیش از ۹/۸ درصد مردم در فقر مطلق زندگی می‌کنند. این رقم در مناطق مرکزی ایتالیا از جمله رم به ۷/۳ درصد رسیده است. این امر برگرفته از اقدامات تبعیض‌آمیز دولت در توزیع خدمات و رسیدگی به بحران‌ها و چالش‌های اجتماعی در مناطق مختلف است که به ویژه مناطق مهاجرنشین را هدف قرار داده است.

تاجیکستان: اقدام برای ممنوعیت حجاب

دولت تاجیکستان با تشکیل کارگروهای ویژه، برنامه ممنوعیت حجاب اسلامی را در این کشور آغاز کرده است. دفتر مطبوعاتی کمیته امور زنان و خانواده، وابسته به دولت تاجیکستان اعلام کرد؛ کارگروهی متشکل از نمایندگان نهادهای آموزشی، دینی، سازمان‌های جوانان، جنبش‌های زنان، نیروی انتظامی و ورزشی برنامه تشدید تبلیغات علیه رعایت حجاب از سوی زنان را که به منزله «پوشاک مغایر با فرهنگ تاجیکستان» است را به اجرا گذاشتند. تاجیکستان یکی از جمهوری‌های مسلمان‌نشین سابق شوروی است که در چند سال اخیر امام علی رحمان، رئیس جمهور آن تلاش کرده تا همگرایی با «ارزش‌های مدرن غربی» را به اجرا گذارد.

یونان: وضع بحرانی آوارگان

سازمان بین‌المللی پناهندگان که یک سازمان بشردوستانه آمریکایی است، وضع آوارگان را در جزایر یونانی دریای اژه شرم‌آور توصیف کرد. این گروه اروپایی این سازمان بین‌المللی را با وحشتناک و شرم‌آور توصیف کردن وضعیت آوارگان در جزایر یونانی دریای اژه گفت: «این افراد از سرنوشت خود هیچ فق روشنی ندارند.» وی با ابراز تأسف از اینکه جزایر یونانی به محل عبور بیش از آوارگان تبدیل شده است، گفت: «این افراد در جزایر یونانی به جای ماندن در یونان به دارند که آسیب‌پذیر شناخته شوند تا اجازه یابند که به جای ماندن در یونان به اروپا یا ترکیه بازگردانده شوند. کشورهای غربی با اتخاذ سیاست‌های ضد مهاجرتی حاضر به پذیرش مسئولیت وضعیت بحرانی پناهجویان نبوده که این امر بر شدت مشکلات افزوده است.»

جرئت علمی را بیشتر کنیم

فرهاد رهبر، رئیس جدید دانشگاه آزاد گفت: تبدیل ایده به محصول خطراتی دارد که جرئت لازم را می‌خواهد. اینکه نمی‌توانیم هنوز علم را به ثروت تبدیل کنیم، یعنی در این زمینه دچار مشکلاتی هستیم و لذا باید جرئت علمی را در بین استادان و دانشجویان خود بیشتر کنیم تا در این حوزه بتوانیم به خوبی فعالیت کنیم. همچنین، باید بتوانیم علم را به خوبی در خدمت معیشت قرار دهیم که این مسئله با جرئت علمی قابل دسترسی است.

نگاه

کابینه دوازدهم و مسئله سهم‌خواهی

□ مصطفی قربانی/ فـارغ از کیفیت و چگونگی ترکیب کابینه دوازدهم، شـاید در اوضاع کنونی مهم‌ترین مسـئله درباره این کابینه، سهم‌خواهی برخی افراد و گروه‌ها از دولت باشد. واضح‌ترین و بی‌پرده‌ترین این سهم‌خواهی‌ها نیز از سـوی اصلاح‌طلبان مطرح می‌شود که دولت را مدیون خود می‌دانند و معتقدند آقای روحانی، هـم با گفتمان اصلاح‌طلبی و هم با برخورداری از حمایت پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان و بزرگان و نخبگان این جریان توانسـت نتیجه انتخابات را به نفع خود رقم بزند.

هر چند که کارگزاران نیز خود گروهی از اصلاح‌طلبان هسـتند، اما در این میان نیز برخی از کارگزارانی‌ها که خود را بیشتر از دیگر اصلاح‌طلبان به روحانی نزدیک‌تر می‌دانند نیز درصدد سهم‌خواهی از دولت هستند و از این جهت، خود را تافته جدابافته می‌دانند. با این وجود، اینگونه برداشت و تصور می‌شود که روحانی درصدد اسـت تا میان مطالبات این دو طیف از خود نوعی تعادل و توازن برقرار کند؛ البته با تمایل بیشتر به سمت طیف کارگزارانی‌ها. طیف اول در دولت خاتمی میاندار بودند و طیف دوم در دولت مرحوم هاشمی‌رفسنجانی.

نکته مهم در این زمینه این است که به سبب قدرت بسیار بالای دولت در ایران و تمرکز بسیاری از منابع در این نهاد، همواره کشش و تمایل برای نزدیک شدن به دولت و برخورداری از مواهب این وابستگی و نزدیکی نیز زیاد بوده است و در یک نگاه کلی، تلاش برای سـهم‌خواهی در کابینه را می‌توان در تداوم این روند دانست که به صورت خصیصه‌ای پایدار در سراسر تاریخ تحولات ایران درآمده اسـت. اما نکته مهم‌تر این اسـت که آیا نزدیکی به دولت و عضویت در مناصب آن، فقط به همین امر محدود است، یا اینکه دولتمردان باید به افق‌های بالاتر و خدمت‌رسانی بیشتر به مردم نیز بیندیشند؟

ضمن اینکه تلاش برای سهم‌خواهی از کابینه‌ها و چیدمان هیئت وزیران و سایر مناصب رسمی در همه کشورها مرسوم بوده و در ایران اسلامی نیز مرسوم اسـت، اما اگر هدف از این تلاش، رسیدن به نان و نوایی برای خود باشد؛ به این معنا که افراد و نخبگان تلاش کنند تا به دولت نزدیک شده تا از قِبَل آن به ثروت، قدرت و اعتباری دست یابند، در این حالت آنها خصلت «الیگارشیک» پیدا کرده و خود به عارضه‌ای برای سیاست تبدیل می‌شوند. وجه دیگر این قضیه وقتی است که با لابی‌گری تلاش می‌شـود برخی افراد را، برای پیشبرد ایده و برنامه خاصی که مدنظر برخی از نخبگان است، در کابینه جای دهند.

امـا اگر هدف از این کار، تلاش برای ارائه گزینه‌های کارآمدتر، متخصص‌تر و متعهدتری باشـد که خدمت‌رسانی به مردم را هدف اصلی و وجهه همت خود قرار می‌دهند، این کار نه تنها مذموم نیست؛ بلکه منطق صحیح کشورداری نیز ایجاب‌کننده آن است.

حال در تحلیل تلاش‌ها برای سهم‌خواهی در کابینه دوازدهم باید گفت که اگر هدف از این سـهم‌خواهی، تلاش برای دستیابی به موقعیت‌های انحصاری و رانتی به منظور التذاذ شخصی است، هم ناپسند است و هم مانعی برای کارآمدی دولت اسـت. با توجه به وجود برخی افراد سـرمایه‌دار در گوشـه و کنار و حتی برخی پست‌های مهم در دولت، که اتفاقاً سابقه رانت‌خواری و بهره‌برداری از منابع عمومی به نفع خود را دارند، این زنگ خطر متوجه دولت دوازدهم است که این قبیل افراد تلاش کنند تا کابینه‌ای شخصی‌شـده و حافظ منافع خود که اقلیتی ناچیز هسـتند، تشـکیل دهند. وجه دیگر این قبیل تلاش‌ها برای سهم‌خواهی، همان‌گونه که گفته شد، می‌تواند فشار آوردن برای پیشبرد برنامه‌ای خاص باشد که چنانچه این برنامه‌ها با اصول و ارزش‌های مردم و نظام زاویه داشـته باشـد، دولت باید مواظب این ترفند باشد.

در هر دو حالت فوق، به نظر می‌رسد که مسئله کارآمدی و شایستگیِ در محاق گرایش‌ها و منافع فردی و گروهی قربانی می‌شود؛ مسئله‌ای که حتماً باید مورد توجه دقیق دولت دوازدهم قرار گیرد تا ان‌شاءالله شاهد افزایش روند و سرعت حل مشکلات و گشوده شدن افق‌ها و امیدهای نوین پیش‌رویِ مردم عزیزمان باشیم.

پرتو

چرا دیپلماسی انقلابی؟!

□ مرتضی سویلمی/ با گذشـت نزدیک به دو سال از اجرای برجام و انجام کامل تعهدات ایران، مسـئولان کشـورمان ازجمله وزیر امور خارجه از کارشکنی‌های متعدد و نقـض عهدهای فراوان طرف آمریکایی خبر می‌دهنـد. می‌توان گفت. به بازتعریف الگوی اصیل دیپلماسـی ایرانی-اسلامی نیاز است تا تاریخ تکرار نشود. در متون تخصصی روابط بین‌الملل و سیاسـت خارجی می‌توان تعاریف متعددی را برای دیپلماسـی سراغ گرفت. سیاست خارجی روشی است که دولت‌ها در برخـورد با امور و مسائل خارج از کشور برای حفظ حاکمیت و دفاع از موجودیت و منافع حیاتی خود اتخاذ می‌کنند؛ از این رو دیپلماسی فرآیندی بسـیار مهم برای برقراری ارتباط و انجام مذاکرات در نظام بین‌الملل و همچنین ابزاری خاص در اختیار سیاسـت خارجی هر دولت است که با آن می‌تواند اهداف و منافع ملی و حیاتی خود را پیش ببرد. در حقیقت دیپلماسی، یک جنگ است، مانند جنگ‌های نظامی و اقتصادی که تاکتیک‌ها، تکنیک‌ها و شیوه‌های مختلفی دارد. پس از گذار از دوران دیپلماسـی سـنتی وارد رویکرد جدیدی با عنوان دیپلماسی نوین می‌شویم که در آن فن مدیریت روابط کشـورها با یکدیگر و میان کشورها با دیگر بازیگران بین‌المللی با ابزارهای مکمل مانند اقتدار نظامی و رسانه‌ای، بازیگر بین‌المللی را قادر می‌سازد به اهداف خود در دو حوزه «کلان» و «خرد» برسد.

رهبر معظم انقلاب در مقابل مفاهیم غربی دیپلماسی به چهار نظریه ۱ـ «مانور هنرمندانه و قهرمانانه»، ۲ـ «برخورد مبتکرانه»، ۳ـ «عزت، حکمت و مصلحت» و ۴ـ «دیپلماسی انقلابی» اشاره کرده‌اند: مانور هنرمندانه و قهرمانانه معنای واضحی دارد که نمونه آن در مسابقه کشتی نمایان است. معظم‌له در تعریف دیپلماسی فعال و دیپلماسی می‌فرمایند: «عرصه دیپلماسی، عرصه شیطنت است؛ یک چنین عرصه‌ای است؛ هوشمندی لازم است، ابتکار عمل لازم است، نوع برخورد مبتکرانه لازم است؛ اینها ناشی از همین روحیه انقلابی‌ای است که ما از آن تعبیر می‌کنیم به روحیه بسیجی، روحیه جوان، مبتکر، پیشرو، دارای اعتمادبه‌نفس. دیپلماسی ما باید با روحیه انقلاب همراه باشـد و می‌توان با صراحت، مبانی خود و اصول خود را گفت و پیش هم رفت. در همه جا بایست در دیپلماسی موضع فعال داشته باشیم. بایستی انسان به خصوص در مسـائل شبیه مسائل منطقه، خیلی لازم است که با دقّت و هوشیاری و قدرت فعل، فعال بودن و اثرگذار بودن، وارد میدان بشود، عمل انقلابی همراه با تشکیلاتی منطقی و دقیق و حساب شده، قابل جمع نیست. ما مشاهده می‌کنیم که اینها می‌تواند با هم جمع شود، انقلابی‌گری به این نیست که ما آن جایی که نباید پرخاش کنیم، بی‌خودی پرخاش کنیم. انقلابی‌گری به آن است که ما مواضع اسلامی و انقلابی را قاطعانه و بدون رودربایستی و مرعوب شـدن و خام شـدن در مقابل برخی از چهره‌های امیدبخش کاذب، حفظ کنیم. البتّه این مانور هنرمندانه نبایستی به معنای عبور از خطوط قرمز، یا برگشتن از راهبردهای اساسی، یا عدم توجه به آرمان‌ها باشد؛ اینها را باید رعایت کرد.»

رهبر حکیم انقلاب با اشـاره به عزت و حکمت و مصلحت، که یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین‌المللی اسـت، تأکید می‌کنند: «حکمت این اسـت که شما بتوانید مواضع طرف مقابل را حکیمانه به مواضع خودتان نزدیک کنید؛ اینها در تضاد با هم نیستند. حکمت و عزت و مصلحت مکمل همند؛ باید در جهت مصالح ملی باشـند و در درجه اول باید با حفظ عزت ملی و عزت هویتی همراه باشند. حکمت یعنی با منطق، متین در عرصه دیپلماسی وارد شدن.»

نگارنده در صدد نادیده گرفتن زحمات دولت و رئیس‌جمهور محترم در حوزه سیاست خارجی نیست، لیکن خواستار اتخاذ هوشمندی انقلاب‌گرایانه و تک‌صدایی در شرایطی است که دشمنان مشغول به توطئه علیه توفیقات ایران اسلامی در منطقه غرب آسیا و در حال بازمهندسـی با راهبرد آمریکا و سرمایه عربستان در قالب ناتوی فرهنگی و امنیتی حتی با تابلوهای مختلف اکنون کنار هم نشسته‌اند که نمونه تلاش‌های آنها در نشست‌های پاریس، قاهره، بروکسل و ریاض دیده می‌شود.

صبح صادق استراتژی برجامی ایران و آمریکا را واکاوی می‌کند

غروب آفتاب تابان

□ یحیی ذبیحـی/ هفته گذشـته توافق هسـته‌ای ایران و گـروه ۱+۵ دومیـن سـال خود را پشت سر گذاشت و وارد سال سوم شـد. توافقی بیـش از ۱۵۰ صفحه با جزئیاتی فراوان و با تفسـیرها و اهداف گوناگون از سوی طرف‌های امضاکننده که با گذشـت بیش از دو سـال، همچنان تردیدها درباره سرنوشت آن ادامه دارد.

اما مهم‌ترین موضوعی که طرف ایرانی با آن مواجه اسـت، برآورده نشـدن انتظارات اقتصـادی از این توافق است. یورونیوز در گزارشی به مناسـبت دومین سالگرد برجام در این باره می‌نویسد: «در ایران بعد از سال‌ها تحریم‌های سخت اقتصادی تصور می‌شـد با توافق برجام و رفع تحریم‌هـا رونق اقتصـادی مجدداً به کشـور بازگردد و با گشایش در بازار، کسب و کار داخلی و خارجی رونق بگیرد. بسیاری از کارشناسان سیاسی، اقتصادی و اصحاب رسانه، کارفرمایان و کارگران با خوشبینی منتظـر نتایج مثبـت توافق برجام بودنـد، در مقابل گروهـی دیگر با واقع‌بینی به نتایـج آنی این توافق امید نداشتند. با گذشت دو سال از توافق برجام بسیاری از آنهایی که به توافق برجام امیدوار بودند، از اوضاع مأیوس شده‌اند و به جمع منتقدان برجام و مخالفان دولت پیوسته‌اند.»

حجم سنگ‌اندازی‌های واشنگتن در این مسیر به اندازه‌ای است که برخی از تحلیلگران غربی نیز آن را تهدیدی جـدی برای آینـده و ادامـه برجام می‌دانند. «گـروه بین‌المللی بحران» در گزارشی مفصل درباره روند اجرای برجام و آینده آن در این باره می‌نویسد: «مشکلات جدی بیشتری در برداشته شدن تحریم‌ها است، برای نمونه ایران هنوز با بانک‌هـای بین‌المللی روابط عادی ندارد و مؤسسـات مالی عمده بـا ایران با احتیاط برخـورد و در راه استقرار ثبات مجدد ایران در اقتصاد جهانی مانع ایجاد کرده و امید عموم مردم ایران را برای بهبود سریع اوضاع اقتصادی با سـردی مواجه می‌کنند. امروز این مسـائل، تهدید اصلی برای اجرای موفقیت‌آمیز توافق محسـوب می‌شوند.»

چوب آمریکایی لای چرخ خوشبینی‌های کاذب

به طور کلی، علل این مسـئله را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد؛ علت اول بی‌تردید کارشـکنی‌های پنهان و پیدای آمریکاسـت. در بند ۲۸ برجام آمده اسـت: «گروه ۱+۵ و ایران متعهدند کـه این برجام را با حسـن نیت و در فضایی سازنده، برمبنای احتـرام متقابل اجرا کنند و از هرگونـه اقدام مغایـر با نص، روح و نیـت این برجـام که اجرای موفقیت‌آمیـز آن را مختل سـازد، خودداری کنند. مقامات ارشد دولتی در گـروه ۱+۵ و ایـران تمام تلاش خود را برای اجـرای موفقیت‌آمیز برجام، از جملـه در بیانات عمومی خود، به کار خواهند بسـت. گروه ۱+۵ کلیه اقدامات لازم را برای لغو تحریم‌ها به نحـو مقتضی به عمل خواهنـد آورد و از تحمیل مقررات آیین‌نامه‌ای استثنایی یا تبعیض‌آمیز و الزامات شکلی به جای تحریم‌ها و اقدامات محدودیت‌ساز تحت پوشش برجام، خودداری می‌ورزند.» نگاهی به مواضـع و عملکـرد دولتمردان آمریکایی نشان می‌دهد این بند به طور مکرر نقض شده و تنها چیزی که در رفتار و گفتار آنها وجود ندارد، «حسن نیت» است!

آمریکایی‌ها از سـال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۵ در مجموع بیش از ۱۵ میلیارد دلار، بانک‌ها و شرکت‌های مختلف دیگر کشـورها را به اتهام همکاری با ایران جریمه کرده‌اند. تحمیل این جریمه‌های سـنگین و عینی سبب شده اسـت اگرچه برخی تحریم‌ها از روی کاغذ برداشـته شود، اما اثر روانی و عملی آن همچنان در میان بانک‌ها و شرکت‌های مختلف جهان باقی اسـت و واشنگتن نیز عملاً از این قضیه رضایت داشـته و دلیلی نمی‌بینند که گامی در جهت شکستن این جو روانی بردارد. «جرت بلانک»، هماهنگ‌کننده ارشد وزارت خارجه آمریکا در امور اجرای برجام در دولت اوباما گفته بود: «ما در حال حرکت به سـمت جلو هسـتیم. اما آمریکا نمی‌تواند به این بانک‌ها دستور دهد که وارد فعالیت‌هایی شوند که آن را پر خطر می‌داند.»

حرکت به سوی دستاوردهای سلبی

نکته مهم دیگر در این ماجرا غلو کردن درباره برجام است. متأسفانه عملکـرد دولت یازدهـم و حامیان توافق هسـته‌ای به نحـوی بود که انتظـارات اغراق‌آمیـزی را درباره نتایـج آن در جامعه به وجود آورد. اینکه دولتمردان از ابتدا آگاه بودند کـه نتایج آن طور هم که می‌گویند نیست و برجام نمی‌تواند حلّال همه مشکلات مردم، از آب خوردن گرفته تا مسائل زیسـت‌محیطی! باشد، یا

اگرچه برخی تحریم‌ها از روی کاغذ برداشـته شده، اما اثر روانی و عملی آن همچنان در میان بانک‌ها و شرکت‌های مختلف جهان باقیِ اسـت و واشنگتن نیز عملاً از این قضیه رضایت داشته و دلیلی نمی‌بیند که گامی در جهت شکستن این جو روانی بردارد

آنکه آنان نیز دچار خوشبینی مفرط بوده و حساب کارشکنی‌های دشمن را نکـرده بودند، محل بحث و تأمل اسـت. همین موضوع سبب شد تا چرخشی آشکار در ادبیات و سیاست دولت در معرفی و مشتری‌یابی برای برجام صورت بگیرد، به نحوی که این توافق که در ابتدا با القاب عجیب و غریبی همچون فتح‌الفتوح و آفتاب تابـان و... توصیـف شـده و عامل شـکوفایی اقتصادی کشور خوانده می‌شد، اینک مسیر دیگری در پیشِ گرفته است. حامیان توافق که عملاً دستاوردهای بزرگ، ملموس و عینی کمتری بـرای ارائه به جامعه دارند، رو به دستاوردهای سلبی آورده و از فضای «اگر برجام نبود...»، استفاده می‌کنند. عمده مواضع آنها نیز حول این دو محور اصلی بوده و است که اگر برجام نبود، جنگ می‌شـد و در واقع برجام سایه جنگ را از سر کشور دور کرد و دیگر اینکه؛ چنانچه برجام نبود وضعیت اقتصادی بسیار وخیم و ایران ونزوئلایی دیگر می‌شد، تا جایی که گفتند اواخر سال ۹۴ دولت پولی برای پرداخت حقوق کارمندان هم نداشته است!

برخـی از تحلیلگران معتقدند هدف این تبلیغات اولیه و گسترده و اغراق‌آمیز درباره برجام را باید در مسئله دیگری جسـت و آن اینکه حامیان توافق سـعی داشـتند از فضای ایجاد شـده بهره برده و راه را بـرای برجام‌های بعدی باز کنند؛ موضوعی که به شـدت با مخالفت نظام روبه‌رو شـد و اگر چه از سوی مقامات رسمی حامی برجام به طور علنی ابراز نمی‌شـود، اما شواهد و قرائن نشـان می‌دهد توقف در این زمینه تاکتیکی بوده و از دستور کار کلی اهداف خارج نشده است.

دست برتر ایران در منطقه

برجام در حالی وارد سـومین سال عمر خود می‌شود که از هر نظر می‌توان ادعا کرد، وضعیت و جایگاه جمهوری اسـلامی ایران در منطقه هیچ‌گاه چنین قدرتمند و برتر نبوده است. ایران و متحدان رسمی و غیر رسـمی آن در منطقـه، همگرایی و همـکاری را تقویت کـرده و در میادین مختلف پیروزی‌های متعددی را کسـب کرده‌انـد و در عین حال بلوک مقابل محـور مقاومت افزون بر شکست در جبهه‌های گوناگون، دچار مشکلات و بحران‌های درونی نیز شده است.

این موضوع سبب شده تا برخی از منتقـدان و مخالفان غربی برجام ادعـا کنند توافق هسـته‌ای عامل چنین وضعیتی است و باید چاره‌ای برای آن اندیشـید. برخی دیگر نیز معتقدند، برجـام به مأموریت خود برای مهار و عقب‌نشـاندن هسته‌ای ایران عمل کرده و به این ترتیب راه برخـورد و تقابل با ایران در منطقه هموارتر شده است. فارغ از تحلیل‌ها و استدلال‌های مختلف در این باره، همه در یک نقطه و هدف اشتراک‌نظر دارند؛ باید حرکت پرشتاب ایران در منطقه که برخلاق اهداف راهبردی آمریکا و امنیت تل‌آویو است را سد کـرد. از اینجا به بعـد، اختلاف در تاکتیک‌ها و نسـبت ایـن هدف با برجام آشکار می‌شود؛ مسئله‌ای که اکنون به صورت یک سردرگمی در سیاست خارجی دولت دونالد ترامپ قابل ردیابی است.

ترامپ دریافته است که به پاره کردن برجام نیازی نیست. می‌توان از مزایای آن بهره برد و به تعهدات نیز عمل نکرد و حتی آن را نقض هم کرد و هزینه‌ای نپرداخت. پیشینه نقض عهدها در دوره اوبامـا و عدم واکنش جدی دولت ایران، این تصور را تشدید کرده است

ترامپ؛ از پاره کردن تا تجارت برجام

رئیس‌جمهور فعلی آمریکا که در دوران تبلیغات انتخاباتی خود گفته بود درصورت رفتن به کاخ سـفید برجام را پاره خواهد کرد، اینک راه دیگری در پیش گرفته است. هفته گذشته کاخ سفید پایبندی ایران به برجام را تأیید و همزمان ۱۸ شرکت و فـرد را به اتهاماتی واهی همچون همکاری در پروژه‌های موشکی ایران تحریم کرد. برخی خبرها حاکی است ترامپ به مشاوران و دستیاران خود مأموریت داده اسـت کـه برنامه‌ای برای تشدید برخورد و فشار به ایران تهیه کنند.

ترامپ دریافته است که به پاره کردن برجام نیازی نیست. می‌توان از مزایای آن بهره برد و به تعهدات نیز عمل نکرد و حتی آن را نقض هم کرد و هزینه‌ای نپرداخت. پیشینه نقض عهدها در دوره اوباما و واکنش نشان ندادن جدی دولت ایران، این تصور را تشدید کرده است. برخی از نمونه‌های قبلی نقض برجام عبارت است از:

ـ کنگره معافیت صدور روادید آمریکا برای آن دسـته از اتباع ۳۸ کشور را که از سال ۲۰۱۱ به ایران (یا سوریه، عراق و سودان) سفر کرده‌اند، لغو کرد؛ اقدامی که گردشـگری و روابـط تجاری ایران با اروپا را تحت تأثیر قرار داد.

ـ تحریـم ۱۱ شـخص و نهاد ایرانی درست یک روز پس از اجرای برجام.

ـ تصمیم دیـوان عالی آمریکا درباره غرامـت دادن به بازماندگان قربانیان حملات خارج از کشـور، از محل دو میلیارد دلار دارایی مسدود شده بانک مرکزی ایران.

ـ تمدیـد ده سـاله «قانـون تحریم‌های ایران» موسوم به ایسا.

آمریکا به دنبال گسترش و تعمیم برجام

اگر آمریکایی‌ها می‌گویند هنوز سیاست خارجی دولت ترامپ درباره ایران نهایی نشـده است، اما شواهد نشان می‌دهد خط کلی این سیاست دربـاره برجـام از این قرار اسـت؛ «تلاش برای گسترش و تعمیم توافق هسـته‌ای.» ابعاد این تلاش شامل اهداف زیر است:

۱ـ طولانی و حتی دائمی کردن محدودیت‌های برجام؛

۲ـ افـزودن بـه برخـی محدودیت‌ها؛

۳ـ وارد کـردن مسـائل غیر هسـته‌ای به توافـق (در اولین گام موضوع توانایی موشکی ایران).

هفته گذشته نشـریه ویکلی اسـتاندارد به نقل از یک مقام آگاه در کاخ سفید نوشت دونالد ترامپ- رئیس‌جمهور آمریکا ـ به دنبال پاره کردن یا اصلاح برجام نیست؛ بلکه خواهـان دائمی شـدن محدودیت غنی‌سازی ایران از طریق انعقاد یک توافقنامـه ثانویه میان کشـورهای امضاکننده برجام است. به گفته این منبع، مشکل اصلی ترامپ با برجام، بند موسوم به «غروب آفتاب» است که محدودیت غنی‌سازی ایران را به یک دوره زمانی مشـخص محدود می‌کند.

این نشریه همچنین به نقل از «بـاب کورکر» رئیس کمیته روابط خارجی سنا نوشت: «رکس تیلرسون، وزیر خارجه آمریکا، در گفت‌وگویی

نشریه ویکلی استاندارد به نقل از یک مقـام آگاه در کاخ سفید نوشـت دونالد ترامپ- رئیس‌جمهور آمریکا- به‌دنبال پاره کردن یا اصلاح برجام نیست؛ بلکه خواهان دائمی شدن محدودیت غنی‌سازی ایران از طریق انعقاد یـک توافقنامه ثانویـه میان کشورهای امضاکننده برجام است

خصوصی به او گفته است هدف دولت ترامپ رسیدن به توافقی جانبی است که برای همیشه مانع از غنی‌سازی ایران شود.»

فعلاً دولت ترامپ برای رسیدن به این هدف، راه کارشکنی، تهدید و لفاظی را در پیش گرفته است. اتخاذ این تصمیم از تلقی کاخ سفید نسبت به نگاه دولت ایران به برجام نشئت می‌گیرد. دولت روحانی سیاسـت «حفظ برجـام به هـر قیمتی» را انتخاب کرده و این سیاسـت سبب شده است واشـنگتن تهدیدی در زمینه اقدامات خود احساس نکند. ظریف در سفر اخیر خود به آمریکا از سـویی به طور رقیق تهدید کرد ایران می‌تواند از برجام خارج شود و از سوی دیگر گفت راه دیگری جز توافق هسته‌ای و برجام وجود نداشته است.

بارزترین نمونه اقدامات مخرب در دوره ترامپ را می‌توان در موضوع تصویب تحریم‌های جدید موسوم به «مـادر تحریم‌ها» دید؛ یک بسـته تحریمی بسیار مخرب که تروریست قلمداد کردن سپاه پاسداران از جمله موارد آن است.

چهار هشدار

مجمـوع این شـرایط در آغاز سومین سـال عمر برجام نکات زیر را برجسته و تأمل برانگیز می‌کند:

۱ـ راه حل مشکلات اقتصادی کشـور از زمین برجام نگذشـته و برجام در بهترین حالت ممکن صرفاً می‌تواند برخی موانع را تسهیل کند. همـان موضوعی کـه رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در نامه مهر ماه سـال ۹۴ به رئیس‌جمهـور درباره تأیید مشـروط برجام بر آن تأکید کردنـد و گفتند: «همان‌طور که در جلسات متعدّد به آن‌جناب و دیگر مسـئولان دولتی یادآور شده و در جلسـات عمومی به مردم عزیزمان گوشـزد کرده‌ام، رفع تحریم‌ها هر چند از باب رفع ظلم و احقاق حقوق ملّت ایران کار لازمی اسـت، لیکن گشایش اقتصادی و بهبود معیشت و رفع معضلات کنونی جز با جدّی گرفتن و پیگیری همه‌جانبه اقتصاد مقاومتی میسّر نخواهد شـد. امید اسـت که مراقبت شود این مقصود بـا جدّیـت تمام دنبال شـود و به خصوص به تقویت تولید ملّی توجّه ویژه صورت گیرد.»

۲ـ برجـام برخـلاف برخـی تصـورات و اهـداف اعلامـی و غیر اعلامی نه تنها سبب کاهش خصومت آمریکا با جمهوری اسلامی نشد؛ بلکه امروز خلاف آن را در عمل می‌بینیم. مقامات رسـمی آمریکایی آشکارا از براندازی جمهوری اسـلامی سخن می‌گویند؛ از وزیر خارجه این کشور گرفته تـا وزیر دفاع آن. این موضوع دلیل دیگری برای این مسئله کلیدی است که ریشه خصومت آمریکا با ایران مسـائلی، مانند هسته‌ای، موشکی و حقوق بشر نیست و اینکه گمان شود با کوتاه آمـدن در این موارد، فضای خصومت جای خود را به همکاری و پذیرش می‌دهد، تصوری باطل است؛ چرا که آنها بـا اصل و ماهیت نظام جمهوری اسلامی مشکل دارند.

۳ـ چنانچه پاسخ قاطع و عملی به نقض عهدهای مکرر آمریکا داده نشود، باید منتظر اقدامات خصمانه بیشتر و بزرگ‌تری بود. راه حل این موضوع نیز عمل بی‌قید و شرط و بدون هراس به ۲۹ شرط اجرای برجام است. خرداد ماه سال جاری رهبر معظم انقلاب اسلامی در ایـن باره فرمودند: «آن جمعی که معیّن شده‌اند برای نظارت بر برجام ـ که رئیس محترم جمهور است، رئیس محتـرم مجلس اسـت، وزیر محترم خارجه است و چند نفر دیگر هستند ـ واقعاً در این مسئله دقّت کنند؛ یعنی باید دقّت کننـد، باید مراقبت بکنند ببینند چه اتّفاقی دارد می‌افتد. بالاخره ما یک مواردی را ذکر کردیم؛ بنده در قبول برجام یک شـرایطی را به‌طور صریح ذکر کـردم، مکتوب هم کردم ـ زبانی نبود؛ مکتوب فرستادم ـ اینها باید رعایت بشـود؛ به‌طور دقیق باید اینها رعایت بشود. وقتی طرف مقابل با وقاحت می‌آید می‌ایستد و یک چیزی را می‌گوید، ما هرچـه در این زمینه کوتاه بیاییـم، حمل بر ضعف خواهد شـد؛ حمل بر این خواهد شد که ما ناچاریم، ناگزیریم؛ احساس ناچاری در ما، دشمن را تشجیع می‌کند به اینکه بر فشارهای ناحقّ خودش بیفزاید.»

۴ـ پیش‌زمینه پاسـخ قاطع به بدعهدی‌های آمریکا، نگاه و برداشت صحیح از صحنه اسـت و اولین گام در این مسیر به فرموده رهبر معظم انقلاب عبارت اسـت از اینکه «در مورد برجام اوّلاً بدحسابی‌های طرف غربی را یعنی به خصوصِ آمریکا را به حساب بیاوریم؛ مطلقاً درصدد این نباشیم که بدحسابی طرف مقابل را و بدقلقی طرف مقابل را و خیانت طرف مقابـل را یک‌جوری توجیه کنیم.» (۱۳۹۵/۶/۳)

ژرفا

یک شبه گدا نشویم؟!

□ محسـن مقصـودی/ «مهاتیرمحمد نخسـت‌وزیر سابق مالزی که بسـیار هـم آدم پرکار، دقیق، جدی و پایبندی بود به تهران آمد، به دیدن مـن هم آمد؛ همان اوقـات بود که تحـولات گوناگونی در آسیای شـرقی اتفاق افتاده بود؛ در مالزی، اندونـزی و تایلند زلزله اقتصادی به وجود آمده بود. همین سـرمایه‌داران صهیونیسـتی و بعد سرمایه‌دارهای غربی، که با بازی‌های پولی و بانکی، توانستند چند کشور دیگر را به ورشکستگی بکشانند. در آن وقت مهاتیرمحمد به من گفت؛ من فقط همین قدر به شـما بگویم که ما یک شبه گدا شدیم، البته وقتی کشوری وابستگی اقتصادی پیدا کرد و خواست نسخه‌های اقتصادی بانک جهانی و صنـدوق بین‌الملل پول را عمل کند، همین‌طـور هم خواهد شد.» این جملات بخشی از سخنان رهبر معظم انقلاب در سال ۸۵ است که به دولتمردان هشدار می‌دهد که به دنبـال هضم در بازارهای جهانی نباشـند و راهبرد ملی و بومی خود را دنبال کنند.

راهبردهـای اقتصـادی دولت روحانی بر اساس دکترین لیبرالیسم و نئولیبرالیسم اقتصادی و نظریه تئوری پیوسته تجارت آزاد است که می‌خواهد ایـران را دوباره وارد بازار جهانی کند که این شیوه اشـخاص و اقشار قوی اقتصادی جامعـه را تغذیه می‌کند و ضعیفان را از گردونه کنار می‌زند.

در برهه‌ای از زمان، ایران در تولید بسیاری از محصولات خانگی و برقی، منسـوجات، چرمی‌جات، محصولات دارویی، محصولات کشـاورزی، مواد غذایـی فرآوری شـده و محصولاتی چون شکر تصفیه‌شده و روغن نباتی و... به مرز خودکفایی رسید، به طوری که نشریه «اکونومیست» که مرجع و منبع نوابغ اقتصادی جهان است، اذعان کرد که ایران دارای یک اقتصاد متنوع با بخش قدرتمند تولید است.

متأسـفانه، سیاسـت گشایش درهـای تعامـل اقتصـادی روحانی و در نتیجـه جاری‌شـدن سـیل محصـولات خارجی به بـازار ایران، اعتراض تولیدکننـدگان داخلی و به ویژه صاحبـان صنایـع کوچک که دستاوردهای تکنولوژیکی را به ارمغان آورده بودند، در پی داشت. این در حالی بود که حدود ۷۰ درصد از محصولات وارداتـی، جایگزین ایرانـی دارد و به خوبی می‌توان از آنها بهره برد.

فلسفه تجارت آزاد موجب شد که دولت به طور چشـمگیر وظایف و تعهدات مربوط به کنترل محصولات وارداتی را نادیده بگیرد و کالاهایی را وارد کند که مشـابه ایرانی آن وجود دارد. سیاست تجارت آزاد روحانی عملاً راهبرد صنعتی‌سازی جایگزین واردات که بسـیاری از کشـورهای پیشرفته امروز، در آغاز راه بر آن تأسـی کردند را نادیده می‌گیرد.

تاکنون قراردادهـای اقتصادی بسیاری میان ایران و کشورهای اروپایی بسته شده، اما جزئیات هیچ‌یک از این قراردادها برای مردم ایران روشن نشده اسـت. اما در این میـان یک موضوع روشن اسـت و آن اینکه؛ بودجه این قراردادها از طریق استقراض خارجی تأمین می‌شود و برای تأمین امنیت این استقراض در بازارهای اقتصادی جهان، نهادها و آژانس‌هایی چون Moody's، Standard & Poor's و Fitch که مسـئول اعتباربخشی به دولت‌ها در بازارهای جهانی هستند، باید نمره اعتبار به ایران بدهند و دولت روحانی هر کاری می‌کند تا این نهادها اعتبارش را تأییـد کنند، حتی به قیمت زمین خوردن تولید داخل.

اما راه‌حل این مسئله را به طور خلاصه در این نکته می‌توان بیان کرد که اگر جذب سرمایه‌گذاری خارجی یا استقراض خارجی خرج پروژه‌های تولیدی شـود و به جای افزایش نرخ بهره سرمایه استقراضی، موجب افزایش نرخ بازگشت شود، می‌توانیم بگوییم که این اسـتقراض خارجی نقشی مثبت در توسعه اقتصادی کشور وام‌گیرنده، بدون مشکل بازپرداخت ایفا کرده است که این نـوع عملکرد با اصول اقتصاد مقاومتـی هم تضاد ندارد. در غیر این صورت اگر روحانی و دولتش همچنان به این روند که در جریان اسـت ادامه دهند، به یقین شاهد اتفاقی ناگوار یا پدیده‌ای به نـام «صنعتی‌زدایی» در ایـران خواهیم بود، اگرچه نیت وی و دولتمردانش این نباشد.

قراردادها عمدتاً سفید امضا هستند

مدیر کل روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با تأیید اینکه وضع امنیت شغلی کارگران و قراردادهای موقت کار نامطلوب است، گفت: بالای ۹۰ درصد از قراردادهای کارگران موقت یک ماهه، دو ماه و سه ماهه است. این قراردادها عمدتاً یک و سه ماهه سفید امضا هستند، خود وزارت کار هم بخشنامه لغو قرارداد زیر یک ساله را تعریف کرده بود که براساس آن هرگونه قراردادی زیر یک سال عملاً ممنوع اعلام شده بوده که متأسفانه خود وزارت کار این بخشنامه را یک طرفه لغو کرد.

انعکاس

آغاز زندگی مشترک از مسجد

□ **محمد علیان /**

الف ـ بازیافت کاغذ برای جهیزیه

بسیاری از نعمت‌های زندگی اسراف می‌شود، در حالی که بهینه‌جویی در مصرف آنها می‌تواند مولد سرمایه‌های تازه باشد. مانند کاغذ که بسیار دور ریخته می‌شود؛ اما بازیافت آن می‌تواند سرمایه تازه‌ای برای ادامه راه باشد. این مسئله در اماکن اداری و آموزشی مانند مدارس به اوج خود می‌رسد.

امام جماعت مدرسه عفاف تهران در یک طرح زیبا با جمع‌آوری و فروش کاغذ بازیافتی اقدام به تهیه جهیزیه نوعروسان مسجدی کرده است.

حامد حیدری‌نژاد با محوریت آموزش پرهیز از اسراف و کمک به نیازمندان، از دانش‌آموزان خواسته است کاغذهای باطله خود و خانواده را در محلی جمع‌آوری کنند تا با فروش آنها کارهای خیریه انجام بشود.

بایدها و نبایدها

۱ـ اختصاص سطل‌های ویژه برای تفکیک کاغذ از سایر زباله‌ها؛ ۲ـ ترویج مصرف درست کالا با نصب احادیث و جملات تأثیرگذار در بنر مدرسه و اماکن آموزشی.

دستاوردهای ایده

۱ـ تولید سرمایه‌ای تازه از کالاهای دور ریختنی؛ ۲ـ استفاده از سرمایه‌های بهینه برای کمک به نیازمندان جامعه.

ب ـ کانون مشاوره ازدواج مسجد

بسیاری از جوانان وظایف شرعی و مسئولیت‌های حقوقی و تعهدات رفتاری ازدواج را نمی‌دانند. بسیاری از طلاق‌های زودهنگام که در دوران نامزدی و اوایل زندگی مشترک اتفاق می‌افتد، نتیجه ناآگاهی است. این افراد مهارت‌های زندگی مشترک را ندارند و باید از جوانب مختلف به آنها آموزش داده بشود. آموزش‌های قبل از ازدواج با تدریس مسجدی قبل یا بعد از نماز از سوی استادان حقوق خانواده، استادان روانشناس خانواده، امام جماعت جوان‌گرا و جوان‌پسند و آگاه به مسائل خانواده موجب کاهش آمار طلاق خواهد شد. همچنین افراد با توجه اینکه مسجد مشکلات خانوادگی احتمالی آنها را رفع می‌کند به مسجد جذب می‌شوند و این کلاس‌ها هم باعث رضایت والدین از حضور آنها در مسجد می‌شود.

مسئله: ضرورت آموزش‌های قبل از ازدواج

دستاوردهای ایده: ۱ـ به حداقل رساندن آسیب‌های خانواده همچون اختلافات، طلاق و... ؛ ۲ـ جذب جوانان به مساجد.

بایدها: ۱ـ برگزاری دوره‌های آموزشی و مهارتی قبل از ازدواج ۲ـ به کارگیری استادان و مشاوران متخصص در این زمینه

ملزومات ایده: ۱ـ کلاس‌ها محدود به یک دوره خاص نباشد؛ بلکه مستمر یا فصلی باشد. ۲ـ ارتقای دوره‌های آموزشی برای بعد از ازدواج، خانواده‌داری و... ۳ـ راه‌اندازی مشاوره خانوادگی در مسجد

فعالیت خیریه تسهیل ازدواج

یکی از مشکلات جوانان ازدواج است. مسجدی‌ها و متأهل‌های مسجدی باید برای اشاعه این سنت براساس آموزه‌های دینی تلاش کنند. این مؤسسه، تخصصی و فقط برای امر ازدواج تأسیس بشود. نشر آموزه‌های ازدواج اسلامی و انجام ازدواج آسان و طبق سبک زندگی اسلامی هدف اصلی آن است. خیرین با کمک نقدی، بانک‌ها با دادن وام ازدواج، افراد دارای چند خانه با دادن خانه مجانی به زوج جوان و فروشندگان لوازم خانگی با حمایت متنوع و... می‌توانند مشکل ازدواج جوانان را در داخل مسجد و زیر نظر امام جماعتی فعال و دلسوز حل کنند و جوان را با زوجه و فرزندانش متعلق و وابسته به مسجد کنند.

دستاورد ایده: ترویج فرهنگ ازدواج آسان؛ حل مشکلات جوانان.

بایدها: ۱ـ تشکیل مجمع خیرین؛ ۲ـ شناسایی نیازهای جوانان؛

ایده‌پرداز: حسین اسلام‌پور

پشتوانه نظری: رهبر معظم انقلاب: «مسجد باید رابطۀ خود را با جوانانی که ازدواج می‌کنند... و حتی با نوزادانی که متولّد می‌شوند، برقرار و مستحکم کند.» پیام به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز (۱۳۸۹/۰۷/۲۰)

کنکاش

سند ۲۰۳۰ و اثرات آن بر زندگی

□ **شیرین زارع‌پور /** در طول چهار سال گذشته قراردادهای مختلفی به بهانه توسعه پایدار با کشورهای دیگر امضا شده است؛ اما سند ۲۰۳۰ به دلیل تحت‌الشعاع قرار دادن حاکمیت کشور در موضوعات حیاتی و مختلف، از اهمیت بیشتری برخوردار است. پس از بیانات رهبر معظم انقلاب در کوتاهی شورای عالی انقلاب فرهنگی در امضا و اجرای این سند، انتظار لغو آن می‌رفت که موضوع بررسی بیشتر سند از جانب دولت مطرح شد و پس از فراز و نشیب‌ها و اصرار دولت برای پایبندی به این سند، نهایتاً در ۲۱ تیرماه اعلام شد که سند لغو شده است، اما سؤال اینجاست که با وجود اعلام لغو سند ۲۰۳۰، چرا قراردادهای امضا شده در این راستا و برای پیشبرد اهداف ۲۰۳۰ همچنان به قوت خود باقی و در حال اجرا هستند؟

آیا تعهدات دیگری به سازمان ملل در زمینه اقلیم و محیط‌زیست داده شده که در صورت لغو ۲۰۳۰ هم دولت ضامن اجرای آن در کشور باشد؟

ارتباط تغییر اقلیم و توانمندسازی زنان که در استان‌های آبخیز در حال اجراست، چیست؟

چرا موضوع تغییر اقلیم ایران برای مجامع بین‌المللی، اهمیت دارد؟

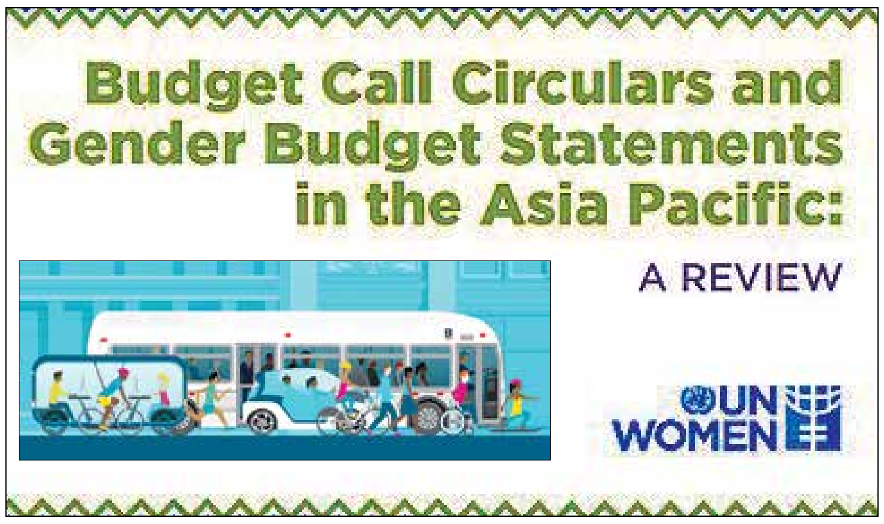

تعهدنامه پاریس زمینه‌ساز اجرای ۲۰۳۰

طبق آنچه در اهداف ۱،۲ و۳ سند ۲۰۳۰ آمده است، دستیابی به امنیت غذایی، توسعه کشاورزی، تضمین زندگی سالم، ترویج رفاه و درگیر کردن بخش‌های سلامت و کشاورزی، از اهداف بلندمدتی بود که باید در کشور پیاده می‌شد که البته پیش از آن در۱۲ دسامبر ۲۰۱۵ دولت جمهوری اسلامی ایران با شرکت در نشست پاریس که در چارچوب «کنوانسیون تغییر اقلیم» سازمان ملل متحد، تشکیل شد و بر اساس آن کشورهای در حال توسعه متعهد شدند، در راستای جلوگیری از رسیدن دمای زمین به ۲ درجه سانتیگراد تلاش کرده و اقداماتی را انجام دهند، تعهدنامه‌ای برای تغییر اقلیم امضا کرده و اکنون این توافق در حال اجراست. نکته مهم در این زمینه این بود که روسیه و آمریکا این موافقت‌نامه را نپذیرفتند، در حالی که در بالا رفتن دمای زمین، کشورهای توسعه‌یافته نسبت به کشورهای در حال توسعه، نقش بیشتری داشتند.

این قرارداد، به ظاهر برای مقابله با تغییرات اقلیمی بسته شد، اما با عمل به چارچوب شفافیت آن با عنوان «اعتمادسازی» اطلاعات مهم امنیتی و نظامی کشور در فضای بین‌المللی منتشر شد و به دلیل اینکه خروج از تعهدنامه دارای هزینه است، دولت محترم قصد خروج از توافقنامه را ندارد.

بر مبنای بند ۲ ماده ۴ توافقنامه پاریس، هر کشور متعهد به اجرای تعهداتی در زمینه کاهش انتشار دی‌اکسیدکربن می‌شود که از آن به «مشارکت ملی معین» (npc) یاد شده و طبق آن، منابع مورد نیاز برای اجرای تعهدات کشور در سناریوی پایه ۱۷/۵ میلیارد دلار و در سناریوی رفع تحریم‌ها ۵۲/۵ میلیارد دلار بیان شده است که با توجه به حجم بالای منابع مورد نیاز در زمینه تأمین این منابع، برای اجرای تعهدات، سرمایه بالایی را به کشور تحمیل می‌کرد و با فرض تأمین، صرف کردن این هزینه تأثیری در بهبود محیط‌زیست کشور نداشت؛ زیرا هیچ یک از گازهای گلخانه‌ای به ویژه دی‌اکسیدکربن مورد بحث توافقنامه، از جمله آلاینده‌های محیط‌زیست شامل مونوکسیدکربن، اکسیدهای گوگرد و نیتروژن، ذرات معلق محسوب نمی‌شوند و اجرای این تعهدات هزینه‌هایی را به کشور تحمیل می‌کرد.

توانمندسازی زنان به بهانه توسعه پایدار

با وجود مطرح شدن موضوع توسعه پایدار از سوی رهبر معظم انقلاب که فرموده بودند: «من این توسعه غربی را قبول ندارم، پایه‌هایش غلط است، مبانی‌اش غلط است، بسیاری از فروعاتش غلط است؛ اما معتقدم نمی‌خواهم کلمه توسعه را که در واقع، برگرفته از تعبیر غربی و انگلیسی است به کار ببرم. عمداً کلمه پیشرفت را به کار می‌برم.» مسئولان روی اجرای توسعه پایدار برنامه‌ریزی مجامع بین‌المللی اصرار ورزیده و همچنان در حال پیاده‌سازی آن در نقاط مختلف کشور هستند.

پیرو قرارداد پاریس، در قرارداد دیگری با کشور آلمان، شش استان آبخیز مانند کهگیلویه و بویراحمد و استان لرستان و باز به بهانه توسعه پایدار، توانمندسازی زنان از سویی و از سوی دیگر، برای ایجاد طرح جایگزین کشاورزی و به هم ریختن امنیت غذایی، بنگاه‌هایی ایجاد شد تا زنان با مشغول شدن به صنایع دستی، به سمت کشاورزی نروند که با این برنامه همزمان، هدف برابری جنسیتی هم دنبال می‌شود.

اجرا کردن تعهدات بین‌المللی با وجود اینکه راه نفوذ را گسترده‌تر می‌کند، متحمل هزینه‌هایی از سرمایه ملی است که باید از منابع مالی کشور تأمین شود. اما در راستای سند ۲۰۳۰ نیز اسنادی در سایت سازمان ملل موجود است که نشان می‌دهد مبالغی برای اجرای سند دریافت شده و به دلیل اینکه ایران مسئول بخش آسیا و اقیانوسیه بوده، بخشی در آنجا هزینه شده و بخش دیگر هم باید از منابع ملی تأمین شود.

ارتباط آب‌های مجازی با سند ۲۰۳۰

آمارهای بین‌المللی مبنی بر مواجه شدن نیمی از مردم جهان با تنش و بحران آب و مشکلات ناشی از کم آبی، دلیلی است که اجازه می‌دهد از جانب سازمان ملل، به این بهانه وارد کشورهای تعیین شده بشوند و درست در همین راستا تشخیص داده شده که ایران هم به دلیل واقع شدن در نواحی خشک و نیمه خشک، وضعیت وخیم آبی دارد؛ از این رو لازم است از طریق ابزارهای مختلف برای جلوگیری و تشدید بحران در منابع آب کشور از طریق مجامع دلسوز! بین‌المللی اقدام شود؛ لذا تجارت آب مجازی به این معنا که بخش عمده آب مصرف شده طی فرایند تولید در محصول نهایی، وجود فیزیکی ندارد و در حقیقت مقدار بسیار ناچیزی از آب مصرفی در پایان به عنوان آب واقعی در بافت محصول باقی خواهد ماند؛ در کشور ما هم آغاز شد. مفهوم تجارت آب مجازی بر این نظر استوار است که کشورهای فقیر از نظر آب، نیاز غذایی خود را به طور فزاینده‌ای از طریق واردات محصولات از کشورهای غنی از آب تأمین می‌کنند و این تجارت طی دو دهه اخیر در جهان آشکار شده و حالا باید دید این تجارت در کشور ما که منابع قابل توجه آبخیز و چشمه‌های شیرین بسیاری دارد، چه منافعی برای سازمان‌های جهانی و چه ضررهایی برای اقلیم سرزمینی ایران و اکوسیستم کشور ما دارد.

در این تجارت، اولین کسانی که متضرر می‌شوند، کشاورزان هستند، به این ترتیب با خارج کردن آب از کشور و خشک شدن چشمه‌ها، افزون بر از بین رفتن کشاورزی، امنیت غذایی مخدوش می‌شود. دولتی که وعده ایجاد شغل، از وعده‌های مهم انتخاباتی‌اش بوده است، با اجرای تعهدنامه آلمان و قرارداد پاریس و همین‌طور سند ۲۰۳۰، سبب افزایش واردات محصولات کشاورزی شده و علاوه بر آن، به راحتی شغل‌های موجود را در استان‌های آبخیز از بین می‌برد و این‌گونه شاهد افزایش روزافزون جوانان بیکار و دست‌فروش خواهیم بود.

سخن پایانی

توافقنامه‌های آب و هوایی در تعهدنامه پاریس، سند ۲۰۳۰ و قرارداد با کشور آلمان، زمینه افشای اطلاعات کشور را فراهم کرده و آمار کامل اراضی، مراتع، جنگل‌ها و آب‌های کشور با عنوان شفافیت و اعتمادسازی از کشور خارج و درفضای بین‌المللی منتشر شده و ایجاد محدودیت در مسیر پیشرفت کشور و مانع‌تراشی برای تحقق اقتصاد مقاومتی و ایجاد کردن هزینه‌های امنیتی از پیامدهای قراردادهای این چنینی است که دقت بیشتر نخبگان و مردم را می‌طلبد تا در این زمینه به مطالبه‌گری پرداخته و نقشه دشمن را برای تضعیف نظام اسلامی و به مخاطره افتادن امنیت، اقتصاد و فرهنگ کشور، برملا و خنثی کنند.

نیم‌نگاه

نارضایتی صهیونیست‌ها از توافق آتش‌بس در جنوب سوریه

□ **ابوذر احمدی /** در حالی که وزارت خارجه آمریکا در مواضعی جدید، از توافق میان روسیه، ایالات متحده و اردن برای آتش‌بس در جنوب سوریه سخن به میان آورده است، منابع خبری منطقه از سراسیمگی و وحشت صهیونیست‌ها خبر می‌دهند.

بنا به اعلام منابع سیاسی، آشفتگی صهیونیست‌ها به آنجا رسیده است که «بنیامین نتانیاهو» رئیس دولت جعلی صهیونیستی را که در حال رایزنی با مقامات فرانسوی بود، به واکنش و ابراز مخالفت شدید با این طرح واداشته است. نتانیاهو در نشست مطبوعاتی مشترک خود با «امانوئل ماکرون»، رئیس‌جمهوری فرانسه مدعی شد، مقامات تل‌آویو مخالف توافقات صورت گرفته بین روسیه و آمریکا درباره برقراری آتش‌بس در مناطق جنوب غربی سوریه هستند؛ زیرا به عقیده آنها این آتش‌بس سبب تقویت حضور نظامی ایران و متحدانش در خاک سوریه خواهد شد.

در پی اظهارات رئیس دولت جعلی صهیونیستی، شبکه دوم تلویزیون این رژیم نیز به نقل از یک مقام بلندپایه نظامی این کشور اعلام داشت، مقامات تل‌آویو معتقدند جمهوری اسلامی ایران قصد دارد در خاک سوریه پایگاه نظامی دریایی و هوایی ایجاد کند و این مسئله بسیار نگران‌کننده است.

این در حالی است که پیش از این «آویگدور لیبرمن» وزیر جنگ رژیم غاصب صهیونیستی نیز اعلام کرده بود: «ما تردیدی نداریم که اساس سیاست خارجی ایران مبتنی بر نابودی اسرائیل [رژیم صهیونیستی] است و اقدامات ایران در یمن، لبنان و سوریه صرفاً علیه اسرائیل است؛ به همین دلیل ما با این قضیه کنار نیامده و نمی‌توانیم اجازه دهیم که ایران در جنوب خاک سوریه حضور داشته و مواضع خویش را تقویت کند و این مسئله شرط ما برای هر نوع اقدام برای حل و فصل بحران در سوریه است.»

اما آنچه در مواضع مقامات صهیونیستی نسبت به این توافق اهمیت داشت، نگرانی آنها از ادامه حضور جمهوری اسلامی در سوریه بود که بنا به اعتقاد تحلیلگران سیاسی، مهم‌ترین نارضایتی صهیونیست‌ها این حقیقت نهفته است که طرف‌های این توافق (روسیه و آمریکا) تنها حضور نظامیان ایرانی در عمق ۲۰ کیلومتری از مرز سوریه با فلسطین اشغالی را ممنوع کرده‌اند و این مسافت برای تل‌آویو قابل قبول نیست.

هر چند که طرف آمریکایی اعلام کرده است، دغدغه‌های امنیتی رژیم صهیونیستی را در چارچوب این توافق، مدّ نظر قرار می‌دهد؛ اما مقامات صهیونیستی تلاش می‌کنند درخواست‌ها و ملاحظات‌شان در این توافق مورد نظر قرار گیرد که البته این مسئله از بیم و نگرانی صهیونیست‌ها از خروج گروه‌های تکفیری از سوریه و تقویت گروه‌های مقاومت در مرزهای جنوب غربی سوریه نشئت می‌گیرد.

حال در اینجا باید این نکته مهم را مورد توجه قرار داد که دولت جعلی صهیونیستی با رایزنی‌های فشرده دیپلماتیک با مقامات آمریکایی درصدد است به بهانه حضور ایران در سوریه، گروه‌های معارض تکفیری را در مرزهای منتهی به اراضی اشغالی و اردن نگه داشته و از استقرار نیروهای مقاومت در این مناطق جلوگیری کند.

همان‌طور که لیبرمن، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی در اظهارات اخیر خود به آن اشاره کرده بود، مقامات صهیونیستی حفظ حریم امنیتی خود را در بی‌ثباتی سوریه می‌بینند و حال آنکه پروژه داعش به شکست منتهی شده است، حضور ایران در سوریه را بهانه‌ای برای تنها امید خود، یعنی تقویت گروه‌های تکفیری در مرزهای بلندی‌های جولان قرار داده‌اند تا از این رهگذر هرگونه توافق آتش‌بسی را به چالش بکشند تا جایی که مقامات صهیونیستی با نظارت روسیه بر توافق آتش‌بس به شدت مخالفت کرده‌اند.

تکاپو

قالی‌باف ۴۵ ساله ایلامی در گفت‌وگو با صبح صادق

بیش از شش هزار هنرجو را آموزش داده‌ام

□ **اکبر کریمی /** قالی‌بافی یکی از مشاغل هنری سودآور، کم‌خطر و بدون نیاز به صرف وقت ثابت روزانه است که هر کسی با هر میزان وقت فراغت می‌تواند آن را در محیط خانه انجام دهد و حتی با پرداخت بیمه مشاغل خانگی بازنشسته تأمین اجتماعی شود.

خانم فاطمه دوخانی مادر ۵۴ ساله ایلامی است که زندگی‌اش از کودکی با تاروپود قالی گره خورده است. او قالی‌بافی را از مادرش یاد گرفت و تا ۹ سالگی در بافندگی قالی خبره شد. فاطمه می‌گوید: «به اصرار خودم از ۹ سالگی در کارگاه قالی‌بافی مشغول کار شدم و با طرز بافت قالی‌ها و نقشه‌های مختلف آشنا شدم. در ۱۳ سالگی ازدواج کردم و در ۱۵ سالگی اولین کارگاه قالی‌بافی‌ام را راه‌اندازی کردم. حتی در طول جنگ نیز که مردم ایلام در ناامنی و آوارگی بودند، با همان سختی‌ها و کمبود امکانات، کار قالی‌بافی را رها نکردم.»

فرهنگ قالی‌بافی در ایلام سابقه زیادی دارد. هر چند درآمدزا بودن یکی از مهم‌ترین مشوق‌ها برای ورود بانوان به این شغل است؛ ولی زنان ایلامی به این صنعت صرفاً از بُعد درآمدزایی نمی‌نگرند؛ بلکه ارزش هنری این حرفه همچنان در میان زنان و دختران ایلامی زنده است و علاقه‌مندی به یادگیری آن بالاست؛ از این رو در کارگاه قالی‌بافی خانم دوخانی، از خانم‌های خانه‌دار گرفته تا دانشجو و دانش‌آموخته دانشگاهی آموزش می‌بینند.

گفتنی است، در این کارگاه قالی‌بافی به طور متوسط نزدیک به ۳۰ نفر حقوق‌بگیر و کارآموز مشغول فعالیت هستند.

یادگیری و راه‌اندازی کارگاه قالی‌بافی

آموزش در این کارگاه به صورت رایگان انجام می‌شود. طول دوره آموزش بسته به توان هنری، میزان صرف وقت و علاقه کارآموز از چهار ماه تا یک سال متغیر است. در طول دوره آموزش، همه مراحل قالی‌بافی از نحوه چله‌کشی، گره زدن، نقشه‌خوانی، رنگ‌شناسی و... گرفته تا بازاریابی و فروش محصول، به صورت عملی یاد داده می‌شود.

خانم دوخانی طی ۴۰ سال فعالیت در رشته قالی‌بافی و گلیم‌بافی، بیش از شش هزار کارآموز از شهرستان‌های مختلف استان ایلام را آموزش داده است. او می‌گوید: «بیشتر کسانی را که بنده طی سال‌های گذشته آموزش داده‌ام، الآن خودشان کارگاه دارند و در این حرفه استاد شده‌اند.»

او علاوه بر آموزش، کارآموز را در مراحل بعدی راه‌اندازی شغل رها نمی‌کند. کارآموزی که توان مالی برای شروع این حرفه در منزل را نداشته باشد، وسایل مورد نیاز و دار و نخ قالی را به صورت قسطی از خانم دوخانی می‌خرد و حتی می‌تواند قالی بافته شده را بدون کوچک‌ترین نگرانی و به قیمت مناسب به او بفروشد. در حال حاضر، نزدیک به ۶۰ خانم قالی‌باف در این حوزه و به همین شکل فعالیت می‌کنند و اثر دست‌شان را به شرکت او می‌فروشند.

تابلو فرش‌های مزین به اسامی متبرکه و آیه‌های نورانی قرآن، منظره و پرتره دیواری، فرش‌های رومیزی، قالی، گبه و گلیم‌های مختلف، از محصولات کارگاه‌های مرکزی و کارگاه‌های خانگی خانم دوخانی است.

نحوه فروش محصول

خانم دوخانی مغازه و فروشگاه ثابتی برای فروش محصولاتش ندارد. این فعال اقتصادی به دلیل ارتباط کاری طولانی‌مدت با فروشندگان تهران، اعتماد آنها را نسبت به کیفیت محصولاتش به دست آورده است. افزون بر این، با حضور در بازارها و بازارچه‌های استان‌های مختلف، مانند تبریز، اصفهان و شیراز و شناساندن اجناس خود به فروشندگان فرش و تابلو فرش یا حضور در نمایشگاه‌های تخصصی در نقاط مختلف کشور، محصولاتش را به فروش می‌رساند. افزون بر این، مقداری از محصولات خانم دوخانی را تجار عراقی می‌خرند.

ناامید نشدن از شکست‌ها

او نحوه آشنایی‌اش با بازار عراق را این‌گونه تعریف می‌کند: «در سال ۸۰ بنا به دعوت و درخواست بازرگانی و هماهنگی استانداری ایلام، برای شناسایی بازارهای مصرف عراق، به این کشور جنگ‌زده اعزام شدیم. خب، نیاز اولیه مردم این کشور مواد غذایی بود و پولی برای خرید فرش و محصولاتی از این دست نداشتند. بعد از مدتی جست‌وجو در بازارها و بازاریابی، با تعدادی فروشنده عراقی آشنا شدم و شروع به صادرات نیازمندی‌های آنها از انواع میوه، تره‌بار و خوراکی گرفتم. در کنار صادرات این محصولات بازار فروش هر چند اندکی از فرش و گلیم نیز به دست آوردم. اردیبهشت ۸۴ یکی از طرف‌های عراقی من که فرد مطمئنی هم بود، در وضعیت هرج‌ومرج عراق ناپدید شد. در آخرین ارتباط کاری ما با این فرد محموله‌ای به ارزش چند صد میلیون تومان صادر کردیم و ناپدید شدن وی باعث شد تا پول و اجناس صادراتی برنگردد و من ورشکسته شوم. در این اتفاق به ناچار تمامی سرمایه نقدی که طی سه دهه فعالیت به دست آورده بودم، به همراه چندین منزل شخصی، ماشین، زمین و... را برای صاف کردن بدهی‌هایم به طلبکاران دادم.

دو سالی برای پیدا کردن شغل جدید و جمع کردن سرمایه اولیه راهی تهران شدم. این دو سال از سخت‌ترین دوران زندگی من بود. طی این مدت به دلیل مریض بودن همسرم، با دست‌فروشی در مترو و خیابان‌های شهر، هزینه‌های زندگی و درمان و هزینه تحصیل فرزندانم را به سختی تأمین می‌کردم؛ ولی ناامید نبودم. در این مدت پرورش قارچ را در کرج آموزش دیدم. پس از این مدتی به شهرم بازگشتم و با امید به اعتباری که به برکت سابقه خوبم داشتم و هنوز از دست نداده بودم، فعالیت کارگاه قالی‌بافی و فعالیت‌های جانبی دیگر را شروع کردم و الآن شکر خدا در کارم موفقم.»

شرکت تعاونی چند منظوره

خانم دوخانی در سال ۷۸ مجوز تأسیس شرکت تعاونی چند منظوره با نام حضرت زهرا(س) را گرفت. این شرکت افزون بر تولید انواع فرش، قالی و گلیم و آموزش آنها، سالن پرورش قارچ دکمه‌ای به مساحت ۳۰۰۰ متر مربع دارد که در آن ۹ نفر مشغول فعالیت هستند. کشت، خشک کردن و بسته‌بندی انواع داروهای گیاهی ارگانیک بخش دیگری از فعالیت‌های این شرکت را تشکیل می‌دهد. در کنار این فعالیت‌ها، برنامه‌های فرهنگی، مانند ختم قرآن و صلوات نیز اجرا می‌شود.

برای تهیه گزارش از فعالیت‌های اقتصاد مقاومتی در استان خود با شماره تلفن ۰۹۱۹۳۴۷۲۹۸۱ برادر اکبر کریمی تماس بگیرید.

روزنه

دانسته‌ها و بایسته‌های حقوقی ـ ۴۷

آشنایی با اصطلاحات حقوقی ـ ۱۱

□ **شهریار اقتصاد / رأی:** اگر تصمیم دادگاه درباره ماهیت دعوا و قاطع آن باشد، به آن رأی می‌گویند.

حکم حضوری: حکم دادگاه در هر شرایط نسبت به خواهان حضوری محسوب است، زیرا اصل بر این است که خواهان با تهیه و تقدیم دادخواست و اشتغال دادگاه به رسیدگی دفاعیات خود را نموده و اسناد و مدارک ادعایی خود را تقدیم کرده است، حکم دادگاه وقتی نسبت به خوانده حضوری محسوب است که خوانده یا متهم یا وکیل آنها حداقل در یکی از جلسات دادگاه حاضر شده یا لایحه دفاعیه کتبی فرستاده و یا اخطاریه به‌صورت واقعی به وی ابلاغ شده باشد.

حکم غیابی: به موجب ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی: «حکم دادگاه حضوری است مگر اینکه خوانده یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی وی در هیچ‌یک از جلسات دادگاه حاضر نشده و به طور کتبی نیز دفاع ننموده باشد و یا اخطار یا ابلاغ واقعی نشده باشد.»

حکم قطعی: حکم قطعی، حکمی است که قابل اعتراض نباشد.

به موجب ماده ۳۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی:

«آرای دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور حقوقی قطعی است. مگر در مواردی که طبق قانون قابل درخواست تجدید نظر باشد.»

حکم غیر قطعی: حکم غیر قطعی، حکمی است که قابل اعتراض باشد و با اعتراض و پذیرش آن، مرحله جدید دادرسی به لحاظ موارد نقص، تجدید نظر شود.

قرار: اگر تصمیمی از ناحیه دادرس گرفته شد که قاطع دعوا نباشد، اما از وسایل و اسباب رسیدن به حق باشد، به آن قرار می‌گویند. قرارها انواع مختلفی دارند و در جریان دادرسی و حتی پس از صدور حکم تا اجرای حکم صادر می‌شوند.

قرارهای مقدماتی و تحقیقاتی: این‌گونه قرارها به طور مستقیم به دعوا مربوطند و در تصمیم‌گیری نهایی مؤثر هستند، مانند قرار ارجاع امر به کارشناسی، قرار معاینه و تحقیق محلی. این قرارها ممکن است به درخواست اصحاب دعوا یا بنا به تصمیم دادگاه پیش از صدور حکم صادر شوند و هدف از این قرارها، رسیدگی به دلایل اصحاب دعوا و احراز صحت ادعای آنان است. این قرارها باعث قطع و فصل دعوا نمی‌شوند؛ بلکه ذهن دادگاه را برای صدور رأی و اعلام نتیجه عادلانه مهیا می‌کنند.

قرار نهایی یا قاطع دعوا: این نوع قرارها در واقع آثار حکم را از نظر قاطعیت دعوا دارند؛ اما بدون ورود در ماهیت دعوا صادر می‌شوند و جریان دادرسی را متوقف می‌کنند و آثاری همانند حکم دارند؛ مانند قرار عدم صلاحیت، قرار سقوط دعوا و قرار عدم اهلیت خواهان. قرار نهایی را می‌توان با ایراد اصحاب دعوا یا تشخیص خود قاضی صادر کرد.

سازش: در هر مرحله از دادرسی مدنی طرفین می‌توانند دعوای خود را به طریق سازش خاتمه دهند. همچنین هر کس می‌تواند درباره هر ادعایی از دادگاه به طور کتبی درخواست کند که طرف او را برای سازش دعوت کند. هرگاه سازش در دفتر اسناد رسمی واقع شده باشد، دادگاه ختم موضوع را به موجب سازش‌نامه در پرونده مربوط قید می‌کند و اجرای آن تابع مقررات درباره اجرای مفاد اسناد لازم‌الاجرا خواهد بود.

دوشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۶ | سال هجدهم | شماره ۸۰۸

شفاف با مردم!

حسن رحیم‌پورازغدی در نشست «مرامنامه ارباب-رعیتی و سبک زندگی» در نقد قرارداد ۲۰۳۰، گفت: طبق روش و سیره حکومت امیرمؤمنان حکومت دینی باید به مردم در قبال کارهایی که انجام می‌دهد پاسخگو باشد... نباید این طور باشد که بگوییم یک چیزهایی هست و به شما مردم مربوط نیست و ما خودمان با غربی‌ها چیزهایی را امضا کرده‌ایم و محرمانه است، مسئولان چنین حقی ندارند... این خلاف مبانی امام و رهبری است. باید همه چیز را شفاف به مردم بگوییم.

سیاست‌نامه

اندیشه سیاسی مسلمانان ـ ۴۰۱

عدالت مهم‌ترین مؤلفه اندیشه سیاسی ملامحمدمهدی نراقی

□ فتح الله پریشان / علامه نراقی آرا و نظریات خود را در دعوت بر اخلاق و حکمت عملی بر اساس ذوق اسلامی گذارده که از احادیث نبویه و اخبار و آثار اهل بیت عصمت و طهارت(ع) به‌دست آورده است و باید به صراحت اظهار کرد که وی در عین حال اساسی را از بین برده و اساس و بنای صحیح را بنیان گذاشته است. از این منظر، کتاب اخلاقی وی «جامع‌السعادات» امتیازات بسزایی نسبت به دیگر کتب اخلاقی، از جمله «احیاءالعلوم» غزالی دارد؛ برای نمونه، غزالی در این کتاب بنای خود را در اخلاق بر اساس روح تصوف سنی‌گری گذارده است که از اخبار موضوعه امثال ابوهریره‌ها به‌دست آورده است؛ اما محقق نراقی در کتاب شریف خود بنای اخلاق را بر اساس علمی و فلسفی دینی مأخوذ از اهل بیت(ع) گذاشته است.

جامع‌السعادات به تصریح مؤلف[1] بخشی از حکمت عملی قدیم (اخلاق) را دربرمی‌گیرد و درباره دیگر بخش‌های حکمت قدیم («تدبیر منزل» و «سیاست مدن») سخن نمی‌گوید؛ زیرا غرض وی از تألیف آن تنها بحث درباره چگونگی اصلاح نفس و تهذیب اخلاق بوده است. جامع‌السعادات مشتمل بر سه باب است که در باب دوم در اقسام اخلاق، به مباحثی چون اجناس فضایل و رذایل پرداخته، در بحث از فضایل چهارگانه (حکمت، عدالت، شجاعت و عفت)، در حقیقت عدالت و اینکه عقل نظری ادراک کننده فضایل و رذایل است و همچنین حد وسط (اعتدال) و اطراف آن (افراط و تفریط) در اخلاق به ارشاد نفوس پرداخته است.

در اندیشه سیاسی محقق نراقی، برخی از شاخصه‌ها نقش بسیار عمده‌ای در شکل‌بندی نظام فکری وی داشته است که می‌توان از آنها با تعبیر مؤلفه‌های اصلی اندیشه سیاسی نام برد. یکی از این مؤلفه‌ها، عدالت است. مرحوم نراقی در اول کتاب اخلاقی خویش تصریح می‌کند، به تبع ابن‌مسکویه این کتاب را می‌نویسد. جالب است بدانیم ابن‌مسکویه سی سال در دستگاه قدرت حضور داشت؛ اما پس از کناره‌گیری از سیاست کتاب «تهذیب‌الاخلاق» را نوشت؛ یعنی برای عبور از بحران‌های اجتماعی زمان خویش نسخه اخلاقی پیچید. به نظر می‌رسد، علت روی‌آوری محقق نراقی به اخلاق نیز همین است. وی رویکرد به اخلاق و تأکید بر اجرای عدالت را راهی برای جلوگیری از ظلم در جامعه و برون‌رفت از بحران‌ها و ناملایمات زندگی می‌دانست.

عدالت مهم‌ترین مؤلفه اندیشه سیاسی نراقی اول را تشکیل می‌دهد. به اعتقاد او عدالت محور همه صفات کمالی و فضایل عملی در انسان و مرکز فرماندهی برنامه‌های اصلاحی و رشد در جامعه به شمار می‌آید. نراقی عدالت را به معنای حد وسط شیء تعریف کرده که دو طرف آن را افراط و تفریط تشکیل می‌دهد[2] این حد وسط در انسان زمانی پدید می‌آید که نیروهای موجود در نفس او تحت تأثیر و تدبیر نیروی عقل قرار گیرند. وی عدالت اخلاقی را چنین تعریف کرده است: «عدالت عبارت است از انقیاد عقل عملی از قوه عاقله، زیرا انقیاد مزبور مستلزم اتفاق نیروها و قدرت برتری و تدبیر عقل عملی بر نیروی خشم و شهوت می‌گردد و یا عبارت است از نفس سیاست و تدبیر عقل عملی بر نیروی خشم و شهوت و در اختیار در آوردن آنها تحت راهنمایی عقل نظری.»[3]

عدالت در اندیشه نراقی صرفاً یک کمال جزئی در برابر دیگر کمالات جزئی نفس نیست؛ بلکه جامع تمام کمالات است؛ زیرا عقل نظری تمام قوای نفس را تحت اداره خود گرفته است.[4] نراقی عدالت را اشرف فضایل نامیده و گفته است: «عدالت اشرف و افضل فضایل است؛ زیرا عدالت همه فضایل و یا مستلزم همه است؛ چنانکه جور تمام رذایل یا عامل تمام آنهاست.»[5] همچنین عدالت بزرگ‌ترین مؤلفه وحدت‌بخش در جهان است؛ زیرا تمام افعال و نیروها را در مرکز واحد که حد وسط باشد، گرد آورده و از تکثر و تنازع آنها جلوگیری می‌کند. نراقی عدالت را بیشتر از منظر علم اخلاق کالبدشکافی کرده است. با وجود آن، به گستره آن در حوزه‌های دیگر نیز بی‌توجه نبوده است. وی در این باره تأکید می‌کند: «عدالت از لحاظ کاربردی قلمرو وسیعی دارد؛ مانند اخلاق و رفتار، کرامات و تقسیم اموال، معاملات و معاوضات و احکام و سیاست و عادل در تمام این عرصه‌ها کسی خواهد بود که با ایجاد تساوی در حوزه‌های مذکور، جوانب افراط و تفریط را به حد وسط سوق دهد.»[6]

نراقی از سه نوع عادل که برای حفظ مساوات در یک جامعه لازم است، سخن گفته است: «عادل اکبر و آن عبارت است از شریعت، عادل اوسط و آن فرمانروای عادل است و عادل اصغر یا صامت که همان دینار(پول) است. در مقابل این سه نوع عادل، سه نوع جابر نیز قابل تصور است؛ جابر اعظم، جابر اوسط و جابر اصغر.»[7] نراقی معتقد است، عدالت کامل، تنها در جامعه عادله سیاسی قابل دستیابی است؛ از این رو، عدالت سیاسی به منزله زمینه‌ساز عدالت‌های دیگر، مهم‌ترین و ارزشمندترین عدالت‌هاست.

*** منابع در دفتر هفته‌نامه موجود است.**

کتابخوان

عدالت در اندیشه‌های سیاسی اسلام

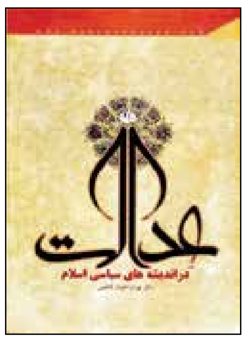

عدالت یکی از مفاهیم بنیادی در علوم انسانی و از جمله علم سیاست است. همه مکتب‌ها و نظریه‌ها و نظام‌های سیاسی کوشیده‌اند این اصل و مفهوم را از جنبه‌های نظری و عملی وجهه همّتِ خود قرار دهند. دین اسلام نیز در جایگاه سرآمد ادیان، تحقق عدالت را سرلوحه اهداف خود قرار داده است. کتاب «عدالت در اندیشه‌های سیاسی اسلام» نوشتهٔ دکتر بهرام اخوان‌کاظمی از سوی بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم) در دو نوبت به سال‌های ۸۲ و ۸۶ به زیور طبع آراسته شده و در اختیار علاقه‌مندان به این حوزه قرار گرفته است.

نویسنده این اثر را با هدفِ مطالعه‌ای اکتشافی برای دستیابی به عمده‌ترین تعریف‌ها و نظریه‌های مرتبط با مفهوم عدالت در اندیشه‌های سیاسی اسلام و تبیین جایگاه و نوع ارتباط آن با موضوع اقتدار و قدرت حاکم و غالب، در چند گفتار تحت عناوینی، مانند بررسی واژگانی و مفهومی عدالت، عدالت در قرآن و سنت نبوی، عدالت در اندیشه سیاسی امام علی(ع)، عدالت در گستره علم کلام، عدالت در فلسفه سیاسی یونان و اندیشه سیاسی ایرانشهری و عدالت در نحله‌های مختلف اندیشه‌های سیاسی اسلام سامان داده است.

نویسنده در بخشی از کتاب خاطرنشان می‌کند: «در استنتاج نهایی باید گفت که عمده‌ترین مانع تحقق عدالت ـ اعم از سیاسی، اجتماعی و ... ـ خودکامگی بوده و هست و عمده‌ترین عامل تحقق این مفهوم، مبارزه با خودکامگی و کنترل و محو آن می‌باشد؛ اما تجربه و تاریخ نظام‌ها و اندیشه‌های سیاسی ـ اعم از غرب و اسلام ـ نشان می‌دهد که شرط کردن صرف عدالت جهت زمامدار به تنهایی جهت کنترل ـ درونی و بیرونی ـ و تحدید خودکامگی کفایت نمی‌کند و آنچه تا به حال به سر اصل عدالت آمده، نتیجه همین تفکر است. بنابراین بسیار ضروری است که در کنار شرط کردن عدالت جهت رهبر جامعه اسلامی، مکانیزم‌های نظارتی و نهادمند دیگری تمهید و تأسیس شود تا با نظارت بر عملکرد رهبران و کارگزاران سیاسی، زمینه هرگونه بی‌عدالتی و خودکامگی را شناسایی کنند و تذکر دهد و در صورت سلب عدالت و جایگزینی آن با خودکامگی، موجبات عزل آنها را فراهم آورند.»

جریان‌شناسی فکری ـ فرهنگی ایران معاصر ـ ۷۶

شواهد تاریخی و دلایل اصلی حمایت روسیه تزاری از بهائیت

□ جعفر ساسان-داوود عسگری /

سوءقصد به ناصرالدین‌شاه، یکی از فرازهای مهم تاریخ بابیه است که در آن، عده‌ای از بابیان دستگیر و اعدام می‌شوند و در واقع، پس از اعدام باب و دفع شورش‌های با بیان به فرمان حکومت، این واقعه از اهمیت زیادی برخوردار است. برخی مانند عزّیه خانم، خواهرش، طراح و صحنه‌گردان این واقعه را حسین‌علی نوری می‌دانند.[1]

در این دوره که حکومت به دلیل اقدامات خرابکارانهٔ بابیان، با اقدامات فتنه‌انگیز آنان مماشات نداشت و افرادی که نقش حاشیه‌ای در این ماجرا داشتند، به حبس و اعدام محکوم شدند، حسین‌علی نوری که نقش اصلی را بر عهده داشت، تنها چهار ماه بازداشت می‌شود. نجات وی، بدون پشتوانهٔ محکم سیاسی ممکن نبود و این پشتوانه هم روسیه بود که برای بسط قدرت خود، روی وی سرمایه‌گذاری کرده بود. عبدالحسین آواره در کتاب «کواکب‌الدریهٔ فی مآثرالبهاییه»، از آزادی و رهایی میرزاحسین‌علی بهاء با شگفتی چنین می‌نویسد: «این مسئله، خالی از اهمیت نیست که تمام هم‌زندان‌ها و هم‌زنجیرهای آن یگانهٔ آفاق، طعمهٔ شمشیر قهر و غضب سلطانی شدند و خود آن حضرت، با همه شهرت و اهمیت، از حبس مستخلص گشت؛ اگرچه شاید دست قنسول روس بر نجات آن حضرت مددی داده.»[2]

عبدالحمید اشراق خاوری، مبلّغ و مورّخ مشهور بهائی نیز خاطرنشان می‌کند: «ناصرالدین‌شاه فوراً مأموری فرستاد تا حضرت بهاءالله را از سفارت روس تحویل گرفته، نزد شاه بیاورد. سفیر روس از تسلیم حضرت بهاءالله به مأمور شاه امتناع ورزید و به آن حضرت گفت که به منزل صدراعظم بروید و کاغذی به صدراعظم نوشت که باید حضرت بهاءالله را از طرف من پذیرایی کنی و در حفظ این امانت بسیار کوشش نمایی و اگر آسیبی به بهاءالله برسد و حادثه‌ای رخ دهد، شخص تو مسئول سفارت روس خواهی بود.»[3]

در جریان محاکمه نیز آن گونه که دکتر اسلمنت (از سران بهائیت) تصریح می‌کند؛ «سفیر روس، به برائت بهاء شهادت داد.»[4]

بهاء پس از آزادی نیز از حمایت روسیه برخوردار می‌شود، چنانکه منابع بهائی نیز آن را چنین تصدیق می‌کنند: «نماینده روس در ایران که شخصاً حضرت بهاءالله را می‌شناخت و با اضطرابی روزافزون شاهد آزار و شکنجه بابیان بود، از حضرت بهاءالله دعوت کرد تا به سرزمینی در بلاد تحت سلطه حکومت روس عزیمت نمایند و مورد حفظ و حمایت او قرار گیرند.»[5]

اگرچه ظاهراً بهاء به دلیل جلوگیری از آشکار شدن وابستگی به روسیه، این دعوت را نمی‌پذیرد؛ اما با محافظت نیروهای روسی روانه عراق می‌شود. وی در این باره می‌نویسد: «چون مظلوم از سجن خارج، حسب‌الامر حضرت پادشاه حرسه‌الله‌تعالی مع غلام دولت علیه ایران و دولت بهیه روس، به عراق عرب توجه نمودیم.»[6]

میرزاحسین‌علی پس از رهایی از زندان و بدرقه از سوی غلامان دولت روس به سمت عراق، در مقام قدردانی از دولت روسیه، لوحی خطاب به امپراتور روسیه تزاری، نیکلاویچ الکساندر دوم، از عکا به این شرح ارسال داشت: «ای پادشاه روس، ندای خداوند ملک قدوس (میرزابهاء) را بشنو و به سوی بهشت بشتاب؛ آنجایی که در آن ساکن شده است کسی که در بین ملأ بالا به اسمای حسنی نامیده شده و در ملکوت انشا به نام خداوند روشنی‌ها نام یافته است (شهر عکا). مبادا اینکه هوای نفست تو را از توجه به سوی خداوند بخشاینده مهربانت باز دارد. ما شنیدیم آنچه را در پنهانی با مولای خود گفتی و لذا نسیم عنایت و لطف من به هیجان آمد و دریای رحمتم به موج افتاد؛ تو را به حق جواب دادیم. به درستی که خدای تو دانا و حکیم است. به تحقیق، یکی از سفیرانت مرا یاری کرد، هنگامی که در زندان اسیر غل و زنجیر بودم. برای این کار، خداوند برای تو مقامی را نوشته است که علم هیچ‌کس بدان احاطه ندارد. مبادا این مقام را از دست دهی ... .»[7]

اقدام دالگوروکی، سفیر روسیه، برای نجات جان بهاء از زندان ناصرالدین‌شاه و تشکر بهاء از وی و تزار، یکی از مهم‌ترین شواهد تاریخی دال بر پیوند آشکار میان بهائیت با روس‌هاست. روسیه، افزون بر حمایت سیاسی، از حسین‌علی نوری حمایت مالی نیز می‌کرده است، چنانکه خودش اقرار می‌کند: «قسم به جمال قدم که اول ضرری که بر این غلام وارد شد، این بود که قبول شهریه از دولت نمود.»[8]

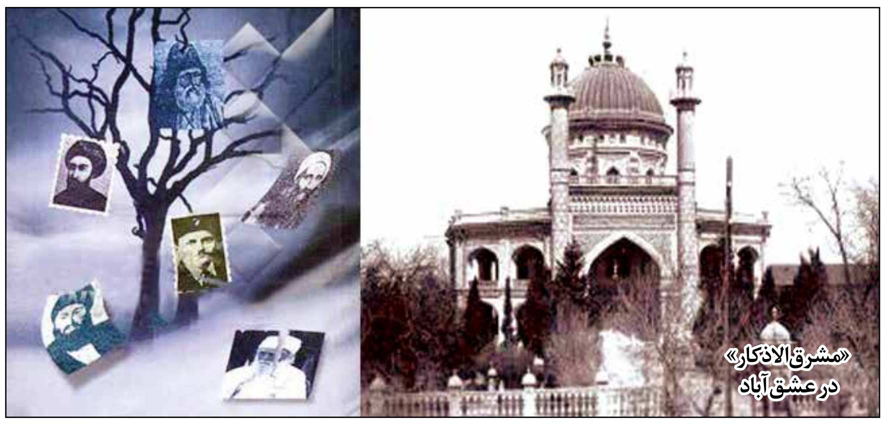

«مشرق الاذکار» در عشق‌آباد

این قضایا نشان می‌دهد که سفارت روسیه با حسین‌علی بهاء به‌عنوان فردی «تحت‌الحمایه روس‌ها» و مشمول مقررات کاپیتولاسیون که در قرارداد ترکمانچای بر ایران تحمیل شد، برخورد می‌کرده است.

تشکیل نخستین مرکز تبلیغاتی مهم بهائی‌ها در خاورمیانه با عنوان «مشرق‌الاذکار» در عشق‌آباد با حمایت جدی و آشکار روس‌های تزاری و نصب اوراق بنای آن به دست ژنرال سوبوتیچ روسی، اقدام بعدی روس‌ها در حمایت از بهائیت بود. فاضل مازندرانی درباره بنای مشرق الاذکار عشق‌آباد می‌نویسد: «در ۱۳۰۴ق یکی از اقوام علی‌محمد باب، موسوم به حاجی‌میرزا محمدعلی افنان شیرازی، طبق دستور بهاء، زمین مشهور به زمین اعظم را از اعظم نام، صاحب آن، خرید و عمارتی بر ساختمان آن افزود. تا ۱۶ سال پس از آن تاریخ، بهائیان از آنجا به‌عنوان معبد استفاده می‌کردند و مجالس و محافل‌شان در آنجا برگزار می‌شد. در ۱۳۱۱ق علی‌اکبر معماری یزدی بهائی، از سوی عباس افندی مأموریت یافت که نقشه مشرق‌الاذکار را کشیده و به نظر وی برساند. سپس به تدریج، وجوهی جمع‌آوری شد و زمین‌های دیگری در کنار زمین اعظم خریداری گردید تا اینکه در سال ۱۳۱۷ق حاجی میرزامحمدتقی افنان، از جناب عباس افندی مأمور ساختن مشرق‌الاذکار شد.[9]

عبدالبهاء در توجیه حمایت روسیه از بهائیت می‌نویسد: «دولت روس چون در کشور خویش جمعی کثیر از این حزب مشاهده نمود و روزبه‌روز در تزاید و تکاثر دید؛ لهذا خواست که به حقیقت مقاصد این حزب پی برد ... . چون به حقیقت مقاصد و نوایای این حزب پی بردند، نهایت حمایت را در حق این حزب مظلوم در مملکت خود مجری داشت.»[10]

بر این ادعای عباس افندی چند ایراد وارد است: اولاً، تعداد کثیر بهائیان در روسیه، ادعای تبلیغاتی است، مانند ادعاهای دیگر عبدالبهاء که اروپا و آمریکا نیز بهائی شده‌اند. این ادعا را مبلّغان مشهور بهائی، نظیر آیتی و صبحی رد کرده‌اند و تنها چند خانواده بهائی در عشق‌آباد حضور داشتند که بیشتر ایرانیان مهاجر بودند؛ ثانیاً، چرا روس‌ها از گام اول که حسین‌علی نوری در ایران به باب گروید، حامی وی بودند و در تمامی ماجراهایی که شرح آن آمد، از وی حمایت جدی کردند؟ آن هنگام که هنوز بهائیت شکل نگرفته بود و بهائیان در تزاید و تکاثر نبودند؛ ثالثاً، چرا همین روسیه در سال‌های بعد با بهائیان برخورد کرد و به قول شما به روس منحوس بدل گشت؟ کشف اسناد جاسوسی بهائیان برای انگلیس، عامل این رویگردانی بود یا چیز دیگری؟

بنابراین، علت اصلی حمایت روس‌ها از بهائیت تا انقلاب روسیه، خوش‌خدمتی بهاء و خانواده و اعوان و انصارش به روسیه و خیانت به ایران بود؛ وقتی روس‌ها به جاسوسی آنها پی بردند، تاریخ مصرف‌شان تمام شد و از آنها رویگردان شدند. با رویگردانی روسیه، بهائیان به آغوش انگلیس غلتیدند و خدمتگزاری در آستان قدرت استعماری دیگری را تجربه کردند.

***پی‌نوشت‌ها در دفتر نشریه موجود است.**

آفاق

تحلیلی بر نسل نوین جنگ نرم علیه انقلاب اسلامی ـ قسمت شصت‌وچهارم

نهادها و کنوانسیون‌های بین‌المللی بازیگران نیابتی پروژه نفوذ

□ دکتر سیامک باقری‌چوکامی /

تهدید نرم برخلاف تهدید سخت ملموس نیست و از مجاری و سازوکارهایی اعمال می‌شود که وجه تهاجمی و مخاطره‌آمیز بودن آن برای مخاطبان عام و بعضاً مخاطبان فرهیخته نیز آشکار نیست. یکی از ریشه‌های اختلاف جامعه فرهیختگان و تصمیم‌گیران درباره پدیده‌ها، وضعیت‌ها و روندهای تهدید نرم به همین موضوع برمی‌گردد.

بازیگران نیابتی جنگ نرم غرب

یکی از الگوها و سازوکارهای نفوذ فرهنگی و ارزش‌های غربی در چارچوب سازمان‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی است. در دوران جنگ سرد بیشتر این نهادها و قوانین و مقررات آنها به مثابه بازیگران تحت نفوذ بلوک غرب برای اعمال و تحمیل اراده‌های آنها بر دیگران عمل می‌کردند. در این دوران کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، نهادهای حقوق بشری بین‌المللی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان تجارت جهانی و بانک جهانی به گونه‌ای عمل می‌کردند که به واقع باید آنها را بازیگران نیابتی جنگ نرم غرب به شمار آورد.

این وضعیت پس از جنگ سرد، عمق بیشتری پیدا کرد؛ به گونه‌ای که آمریکا و اروپا با شعار پیروزی لیبرالیسم بر ایدئولوژی کمونیسم، نهادهای بین‌المللی را به قدرت نرم خود برای فراگیرسازی ارزش‌ها و هنجارهای غربی و اعمال نفوذ و تحمیل فرهنگی تبدیل کردند. از این گذشته ادعای دولت و انسان غربی درباره برتری فرهنگ غرب نسبت به دیگر ملل و احساس تکلیف و مسئولیت در قبال بشریت و ادعای دستیابی به همه فضایل و حقایق نهایی چون حقوق بشر، خوشبختی و سعادت، آزادی، دموکراسی و نظام سیاسی و اقتصادی (نک. دهقانی فیروزآبادی ۱۳۹۰) سبب شد تا نهادهای بین‌المللی محملی بنیادی برای گسترش، عمق‌بخشی و گسترش ارزش‌های غربی به نظر برسند.

اوباما خرداد ۹۳ در دانشکده نظامی وست پوینت نیویورک تأکید کرده بود نهادهای بین‌المللی از سازمان ملل گرفته تا صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را آمریکا شکل داده و این نهادها تقویت‌کننده نیرو و توان آمریکا و بخشی از رهبری این کشور هستند.

با ورود نهادهای بین‌المللی تحت نفوذ دولت‌های غربی به عمومیت‌بخشی و جهانگیرسازی هنجارها و ارزش‌های سکولاری و اومانیستی از طریق تصویب اعلامیه‌ها، کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی شکل جدیدی از تهدیدات نرم فرهنگی بروز و ظهور یافته است که با دوره‌های قبل تفاوت بارزی دارد. در واقع این وضعیت یکی از شاخص‌های استعمار فرانو است. در اینجا به چند کنوانسیون اشاره می‌شود:

۱ـ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان

این کنوانسیون مشتمل بر یک مقدمه و ۳۰ ماده است. در ماده اول آن، مقصود از عبارت «محو تبعیض علیه زنان» محو هرگونه تمایز، استثنا و محدودیت براساس جنسیت است. مواد دوم تا شانزدهم آن نیز بر تساوی حقوق زنان و مردان در تمامی زمینه‌ها تأکید کرده است. اگرچه موضوع تبعیض علیه زنان در جهان به ویژه در جامعه غربی انکارناپذیر است؛ اما بایدها و نبایدهایی که این کنوانسیون برای رفع تبعیض الزام می‌کند، مبتنی بر مبانی غربی اومانیستی و سکولاریستی است که با احکام اسلامی، ارزش‌های اخلاقی و قوانین کشورهای مختلف مغایرت دارد. به همین دلیل تاکنون بسیاری از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی به این کنوانسیون ملحق نشده و یا آن را با شروطی پذیرفته‌اند. جمهوری اسلامی ایران برخی مواد این کنوانسیون به ویژه مواد یکم تا شانزدهم آن را نپذیرفته است.

در اجلاس پکن در سال ۱۹۹۴، اعتراضات متعددی نسبت به بحث تساوی حقوق زن و مرد مطرح شد و برخی از نمایندگان کشورها به مخالفت با مبانی کنوانسیون برخاستند. از جمله خانم شارون هیز، نماینده پارلمان کانادا، جلسه اجلاس را ترک کرد و در جمع خبرنگاران چنین گفت: «باید سعی کنیم تفاوت بین زن و مرد را حفظ کنیم، همان‌گونه که این تفاوت در خلقت وجود دارد. چون این تفاوت‌ها ما را حفظ خواهد کرد.» این در حالی است که جریانات لیبرالیستی، فمینیست‌های سکولار و برخی فمینیست‌های اسلامی ضمن تأکید بر جهان‌شمولی مفاهیم، ضرورت الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی برای احقاق حقوق و آزادی‌های زنان، حرکت در راستای جریان یکسان‌سازی فرهنگی و بهره‌مندی از تسهیلات جهانی را ضروری می‌دانند.

۲ـ سند توسعه پایدار ۲۰۳۰

سند جهانی توسعه پایدار ۲۰۳۰ که در سپتامبر ۲۰۱۵ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد، ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف ویژه دارد که به منزله نقشه راه سازمان ملل در زمینه توسعه پایدار برای ۱۵ سال آینده محسوب می‌شود. اهداف این دستور کار باید از اول ژانویه ۲۰۱۶ در کشورها عملیاتی شود. اجرای هدف چهارم «سند توسعه پایدار ۲۰۳۰»، که آموزش و یادگیری مادام‌العمر، با کیفیت، برابر و فراگیر برای همه است، برعهده یونسکو که نهادی بین‌المللی در امر آموزش به شمار می‌آید، نهاده شده است. نتیجه اجرای کامل آن، نظام آموزشی کشور را تحت کنترل ایدئولوگ‌ها و تئوریسین‌های نظام جهانی سلطه با ابزار یونسکو و یونیسف قرار می‌دهد. ظاهر این سند بسیار جذاب و فریبنده است؛ در حالی که این موضوع از الزامات تهاجم فرهنگی در عصر استعمار فرانوین یا به تعبیر هابرماس استعمار زیست جهانی است. برای نمونه، در یکی از فرازهای برنامه ۲۰۳۰ آمده است: «در دنیای معاصر که با چالش‌های حل‌نشده در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی مواجه است، آموزش باید به استقرار صلح و شکل‌گیری جوامع پایدار کمک کند، براین اساس، محتوای آموزش باید سبک‌های زندگی پایدار، حقوق بشر، برابرسازی فرصت‌های اجتماعی برای زنان و مردان، ترویج فرهنگ صلح و عدم خشونت، شهروندی جهانی و احترام به تنوع فرهنگی و مشارکت فرهنگ‌ها در تحقق توسعه پایدار را ترویج بخشد.»

در واقع، همه این مفاهیم را باید در چارچوب مبانی فکری و فرهنگی غربی تعبیر و تفسیر کرد. برای نمونه منظور از تربیت شهروند جهانی در این سند، شهروندی است که هنجارهای مسلط جهان را که همان هنجارهای لیبرالیستی است، پذیرفته و در وجود خود نهادینه کرده باشد.

۳ـ کنوانسیون حقوق کودک

طرح کنوانسیون حقوق کودک که به ابتکار کشور لهستان و تلاش پروفسور آدام لوباتکا از این کشور در سال ۱۹۸۹ به اتفاق آرا تصویب شد، از یک مقدمه و ۵۴ ماده تشکیل شده است. اگرچه این کنوانسیون مواد مثبتی دارد؛ ولی با این وجود، نمی‌توان ارزش‌های غربی را که از این طریق درصدد فراگیرسازی آنها بر همه جوامع هستند، نادیده گرفت. این ارزش‌های سکولاریستی و ضد مذهبی به گونه‌ای است که واتیکان هم اعلان کرد: عبارت «آموزش تنظیم خانواده» مندرج در ذیل بند ۲ ماده ۲۴ را با این تفسیر که با روش‌های منطبق بر موازین اخلاقی قابل قبول، یعنی روش طبیعی باشد، می‌پذیرد و نیز مواد ۱۳ و ۲۸ مربوط به آموزش و ماده ۱۴ مربوط به آزادی مذهب و ماده ۱۵ مربوط به آزادی اجتماعات را به گونه‌ای می‌پذیرد که حقوق اساسی و غیر قابل سلب والدین، محفوظ باشد؛ البته کشورهای زیادی برای پیوستن به این کنوانسیون اعلان حق شرط کردند از جمله؛ کشور اردن، مغرب، کویت، الجزایر، عراق، پاکستان، افغانستان، قطر، سوریه و... (حسین مهرپور، ۱۳۷۷:۱۴۲) جمهوری اسلامی ایران نیز از جمله کشورهایی است که کنوانسیون حقوق کودک را در پنجم سپتامبر ۱۹۹۰ امضا و در اگوست ۱۹۹۴ (اسفند ماه ۱۳۷۲) تصویب کرده و هنگام امضای کنوانسیون به این شرح، اعلام حق شرط کرده است: «جمهوری اسلامی ایران نسبت به مواد و مقرراتی که مغایر با شریعت اسلامی باشد حق شرط می‌نماید و این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که هنگام تصویب، چنین حق شرطی را اعلان نماید.»

این اعلان حق شرط‌ها، بیانگر این حقیقت است که ارزش‌های مندرج در این نوع کنوانسیون‌ها ماهیت ارزش‌زدایی ارزش‌های حاکم در کشورهای دیگر، به ویژه ارزش‌های اسلامی را دارد.

پردازش

مفهوم عدالت در دو نگاه

□ شهاب زمانی / در فلسفه یونان باستان عدالت را فضیلت و عموماً در چارچوب تعادل در سطوح مختلف (انسان-اجتماع) توضیح می‌دادند و جامعه عادل، جامعه متعادل به شمار می‌آمد. با توسعه مسئله عدالت اجتماعی، عدالت نیز در چارچوبی نفع‌طلبانه توضیح داده شد. عدالت در این معنا، دوراندیشی عقل انسان برای حفظ منافع مادی فردی قلمداد شد؛ اما نگاه دیگری نیز عدالت را به منزله بی‌طرفی، یعنی نادیده انگاشتن نفع فردی می‌دید؛ نگاهی که غایت‌گرایانه و اخلاقی بود. در این نگاه انسان‌ها نه از روی نفع شخصی، بلکه از روی عقل و به منزله مخرج مشترک عقلی آن را می‌پذیرند. موضوع عدالت در تاریخ اندیشه‌های سیاسی و عقیدتی مسلمانان هم‌پای مسائل مربوط به جبر و تفویض طرح می‌شود؛ زیرا میان عدل و اختیار و جبریت و نفی عدالت از نظر عقلی رابطه مستقیمی وجود دارد.

در کنار واژه عدالت، واژه «قسط» نیز وجود دارد که در بسیاری از موارد همراه و هم‌معنا به کار می‌رود. راغب اصفهانی قسط را بهره‌ای از عدل معرفی می‌کند. معادل واژه عدل در ادبیات یونانی معنایی بسیار وسیع‌تر از عدل در زبان فارسی امروزی و نیز در زبان انگلیسی دارد و حاوی مفهومی کاملاً اخلاقی است. در ادبیات یونانی عدل در آن واحد به دو معنای «درستکاری شخصی» و «تقوای اجتماعی» به کار می‌رفت. امروزه، با مباحث و نگاه‌های جدیدی به عدالت در غرب، نظیر تدوین نظریه‌ای از عدالت بر پایهٔ آموزه‌های لیبرالی از سوی جان رالز مواجه هستیم که در کنار بررسی مقایسه‌ای آن با تعریف اسلام از عدالت می‌تواند برای مخاطبان مفید باشد و به تبیین مناسب موضوع کمک کند.

تعریف فقهی عدالت عبارت است از ملکه نفسانی که سبب ملازمت تقوی است. گویا این معنای عدل همان تقوای محض است. زمانی که از عدالت اسلامی بحث می‌شود، لازم است درباره دو موضوع بحث شود؛ تخست، خاستگاه اندیشه امام علی(ع) و دیگری، شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه اسلامی در آن دوران. نگاه امام علی(ع) به عدالت در جهان‌بینی الهی ریشه دارد. نباید عدالت از دیدگاه امام علی(ع) را قراردادی یا مبتنی بر رسوم و سنن و یا قواعد و پذیره‌های اجتماعی تلقی کرد؛ بلکه مسئله‌ای است که ذات هستی حامل آن بوده و بر سراسر وجود جاری و ساری است. نباید عدالت را در اندیشه و سیره امام علی(ع) صرفاً امری اخلاقی به شمار آورد؛ بلکه باید آن را پایه‌ای‌ترین اصل مدیریت سیاسی و اجتماعی ساختار قدرت سیاسی وی قلمداد کرد.

عدالت نزد امام(ع) امری چند بعدی است و بر اساس کلام ایشان، می‌توان برداشت‌های متعددی، از جمله تقوا، حکمت، انصاف و احقاق حق و نفی تبعیض و ستم درباره عدالت انجام داد. همچنین اساسی‌ترین بعد عملی عدالت نزد امام(ع) قلمرو تعاملات انسانی، به ویژه مسائل مربوط به امور اقتصاد جامعه است. امام(ع) عدالت را میزان اصلی ارزیابی سیاست و حکومت قرار داده‌اند.

نکته

نگاه ایدئولوژیکی به عدالت

برخلاف ادعای اندیشمندان غربی که نظریات دارای بار ایدئولوژیک را غیر علمی و جانبدارانه می‌دانند، اغلب نظریات عدالت‌محور غربی، حتی نظریه جان راولز از این موضوع مستثنی نبوده و اگر آن را نقطه ضعفی بدانیم خود به آن مبتلا هستند. وی کوشید با نظریه خود، نوعی رفرم و اصلاح را در لیبرالیسم انجام داده و این مکتب را به مثابه یک الگو و اسوه مطرح کند؛ بنابراین او به ارزش‌های لیبرالی به مثابه ارزش‌های عینی و جهان‌شمول می‌نگریست و به این ترتیب در جایگاه یک ایدئولوگ، ضمن جانبداری تئوریک از این مکتب، تحت سیطره این ایدئولوژی بود و قصد داشت این مرام را با بازسازی خود به مثابه الگویی نجات‌بخش و جهانی معرفی کند، درنتیجه او در نظریه خود، بی‌طرفی نظری و فلسفی را رعایت نکرد؛ بلکه آشکارا آن را در تناسب کامل با فلسفه لیبرالیسم و نگاه غالب در این رویکرد فلسفی به انسان و زندگی مطلوب اجتماعی قرار داد.

اجرای حکم محارب

امام(ره) مظهر احساس بود. انسانی عطوف، مهربان و به شدت عاطفی بود. چنین انسانی را به قساوت متّهم کنند. چرا؟ چون در زمان او در قضیه عملیات مرصاد حکم قانون نسبت به یک عده محارب و آدم‌کش جنایتکار اجرا شده بود. عده‌ای با این مردم جنگیده بودند که مجازات مشخّصی هم در قانون دارد. امام(ره) هم مُرّ قانون را اجرا کرده بود. البته امام(ره) که این کار را نکرده بود؛ دستگاه‌های مسئول آن موقع انجام داده بودند؛ اما امام(ره) را به قساوت متّهم می‌کردند! امروز هم یک عده آدم غافل یا سفیه یا بی‌اطّلاع از نقشه دشمن، اینها را در داخل تکرار می‌کنند. اینها واقعاً ظلم است. (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۹)

روایت یار

امام خامنه‌ای در گذر زمان-۱۴۸
استعفا از ریاست‌جمهوری

□ سید مهدی حسینی/ چنانکه گفته شد، امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) مسئولیت‌های متعددی عهده‌دار شدند. نکته قابل توجه اینکه معمولاً ایشان از هیچ یک از عناوین مسئولیت‌های‌شان خبر نداشتند، برای نمونه برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی یا مجلس خبرگان از طریق دوستان‌شان در لیست قرار داده می‌شدند و ملت به آن رأی می‌دادند، به طوری که برای انتصاب به امامت جمعه تهران قرائت حکم امام را از طریق رادیو شنیدند و برای پست ریاست‌جمهوری اول هم ایشان اصلاً رضایت نداده بودند، اما سرانجام جمعی به اصرار ایشان را در آن فضای بحرانی کاندید و نام‌نویسی کرده بودند و ایشان از طریق کسانی که با آنها مرتبط بودند خبردار شدند که نامزد ریاست‌جمهوری شده‌اند. در روزهای پایانی ریاست‌جمهوری هم درباره مسئولیت پس از ریاست‌جمهوری از ایشان سؤال شد و ایشان در جواب فرمودند: «مکرّر مراجعه می‌کردند و بعضی مشاغل را پیشنهاد می‌نمودند. از امام خواهش خواهم کرد که تکلیفی به من نکنند تا به کارهای فرهنگی بپردازم.» اما خداوند حکیم امر دیگری برای ملت و امام خامنه‌ای مقدّر کرده بود که بحمدالله جاری شد.

پس از انتصاب به زعامت و ولایت و اداره امور رهبری انقلاب و نظام در تاریخ ۱۳۶۸/۵/۲۵ از مسئولیت ریاست‌جمهوری استعفا دادند و طی نامه‌ای خطاب به آقای هاشمی‌رفسنجانی مرقوم فرمودند: «به اطلاع جناب‌عالی می‌رسانم که اینجانب برای اینکه بتوانید مسئولیت خطیر خود را سریعاً آغاز نمایید، امروز (۱۳۶۸/۵/۲۵) از سمت ریاست‌جمهوری استعفا داده‌ام.»

لازم به توضیح است که در تاریخ ششم مرداد انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار شد و در تاریخ ۱۲ مرداد حکم تنفیذ ریاست‌جمهوری آقای هاشمی‌رفسنجانی انجام گرفت تا دولت آقای هاشمی معرفی شود و از مجلس رأی اعتماد بگیرد و مراحل قانونی را بگذراند.

امام خامنه‌ای در ادامه حمایت‌ها در هفته دولت در تاریخ ۱۳۶۸/۶/۱ در دیدار با اعضای هیئت دولت آقای هاشمی فرمودند: «امام بزرگوارمان بارها و بارها با تعبیرات گوناگون، از دولت تعریف می‌کردند و آن را تقویت می‌نمودند، این به خاطر آن بود که دولت بدون حمایت مردم قادر نیست به وظایف خود عمل کند. بنابراین باید حمایت مردم پشت سر هر دولتی که از آرای مردمی و از رأی نمایندگان و حمایت مجلس برخوردار است، باشد. مردم باید از این دولت حمایت بکنند.»

دشمن نقشه‌های شومی را برای پس از رحلت امام(ره) طراحی و پیش‌بینی کرده بود و در تبلیغات رادیوها و مطبوعات‌شان مستمر درباره اختلافات پس از رحلت ایشان تحلیل می‌کردند؛ اما امام خامنه‌ای خیلی هوشیار و با درایت در حفظ نظام و دستاوردهای آن کوشیدند.

درنگ

خط سازش

کتاب خط سازش، «سرشت و سرگذشت نهضت آزادی ایران» عنوان جدیدترین اثر منتشر شده مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی است. این کتاب به قلم آقای مجتبی سلطانی، محقق و پژوهشگر برجسته مباحث تاریخی به رشته تحریر درآمده و در دو جلد و بیش از دو هزار صفحه ارائه شده است. این کتاب ویراست جدید اثری است با عنوان «خط سازش» در یک مجلد که در سال ۱۳۶۷ نوشته شده است. کتاب حاضر پس از ریشه‌یابی و بررسی موضوع تأسیس نهضت آزادی و نقد مواضع این نهضت در قبال مصدق و جبهه ملی، به تشریح دیدگاه‌های نهضت آزادی نسبت به موضوعاتی چون؛ سلطنت، انقلاب اسلامی، غرب‌گرایی، عملکرد دولت مهندس مهدی بازرگان، تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، خط امام(ره)، صدور انقلاب، جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و ... پرداخته و مواضع و دیدگاه‌های نهضت آزادی را در قبال هریک از آنها به صورت مستند نقد و بررسی کرده است. رعایت متانت در موضع‌گیری و پرهیز از تندروی و اتهام‌زنی از ویژگی‌های محسوس این کتاب است. امتیازی که بر قوت و اعتبار اثر می‌افزاید. کتاب خط سازش، «سرشت و سرگذشت نهضت آزادی ایران» در دو جلد با بهای صد هزار تومان به پژوهشگران و محققان عرضه می‌شود.

نگاهی به روزگار رضا میرپنج در دوران تبعید
مرگ در فلاکت

□ محمدعلی شرفی/ ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ که رضاشاه، سه هفته پس از اشغال ایران به دست متفقین، تبعید شد، روز پایان حیات سیاسی او و آغاز حیات سیاسی فرزندش محمدرضا پهلوی است. استعفا و تبعید رضاشاه پس از آن صورت گرفت که دولت‌های روسیه و انگلستان به دلیل مناسبات رو به گسترش رضاشاه با آلمان هیتلری، سه بار به وی هشدار دادند. در آن زمان اخبار و گزارش‌های دریافتی از جبهه‌های جنگ جهانی دوم حاکی از پیشرفت روزافزون آلمان و شکست‌ها و عقب‌نشینی‌های متفقین بود. رضاشاه نیز که پیش‌بینی پیروزی آلمانی‌ها را در جنگ داشت، نه برای حفظ استقلال کشور، بلکه برای حفظ موجودیت خود و رژیمش «بی‌طرفی در جنگ» اعلام کرده بود.

«فردوست» در این باره می‌نویسد: «... در اوج قدرت نازی‌ها در آلمان به دستور رضاخان یک کابینه جوان به نخست‌وزیری متین دفتری روی کار آمد. وظیفه این کابینه نزدیک شدن به آلمان بود. عملاً نیز روابط تجاری و صنعتی بین ایران و آلمان توسعه یافت. با پیشرفت آلمان‌ها در جنگ و نزدیک شدن آنها به کوه‌های قفقاز رضاخان هم به انگلیسی‌ها ناسزا می‌گفت، اما با شروع شکست آلمان رضاخان دستپاچه شد و منصورالملک را که از مهره‌های انگلیس به شمار می‌رفت، نخست‌وزیر کرد...»

از دید رضاشاه اعلام بی‌طرفی، موضعی مناسب در برابر دو جبهه‌ای بود که یکی به عقیده وی در حال سقوط بود، اما در پشت مرزهای ایران کمین کرده بود، و دیگری در حال پیروزی بود، اما با مرزهای ایران فاصله داشت.

در چنین ایامی رضاشاه بنا داشت در برابر تهدیدات روسیه و انگلیس به سیاست وقت‌کشی روی آورد. او به ویژه تهدیدات روس‌ها را در وضعیتی که اوکراین به اشغال نظامیان هیتلر درآمده و آلمانی‌ها به سوی مسکو در حرکت بودند، جدی نگرفته بود.

پنجم تیر ۱۳۲۰، چهار روز پس از شروع عملیات نظامی گسترده آلمان علیه روسیه، دولت‌های روسیه و انگلستان طی دستور مشترکی به رضاشاه از وی خواستند تا خیلی زود نسبت به اخراج مستشاران آلمانی از ایران اقدام کند. این تصمیم از سوی «سرریدر بولارد» سفیر انگلیس و «اسمیرنوف» سفیر روسیه اتخاذ شده و در ملاقاتی با رضاشاه به وی ابلاغ شد. رضاشاه نیز که تصور پیروزی آلمان را در جنگ داشت، در پاسخ به سفیران انگلیس و شوروی اعلام کرد که ایران کشور بی‌طرفی است و فعالیت آلمانی‌ها در ایران به کارهای ساختمانی و امور بازرگانی محدود است.

۲۸ تیر، اخطار دیگری به ایران داده شد. سرانجام ۲۵ مرداد، انگلیس و روسیه، طی یادداشتی مشترک با ایران اتمام حجت کردند. روز سوم شهریور ۱۳۲۰ سربازان ارتش سرخ از مرزهای شمال و نیروهای انگلیسی از بنادر جنوب به ایران حمله‌ور شدند و سفیران انگلیس و روسیه صبح همان روز علت این اقدام را طی یادداشت‌های جداگانه‌ای به نخست‌وزیر ابلاغ کردند. همان روز تلگراف مفصلی به امضای رضاشاه به روزولت رئیس‌جمهور آمریکا مخابره شد که سرآغاز دوران جدید روابط ایران و آمریکا به شمار می‌آید. هر چند امریکایی‌ها در آن وضعیت نمی‌توانستند یا نمی‌خواستند کاری برای جلوگیری از اشغال ایران انجام دهند، اما زمینه مداخلات بعدی خود را فراهم آوردند. روزولت روز ۱۱ شهریور در حالی که نیروهای روس و انگلیس در شمال و جنوب ایران مستقر شده بودند، به تلگراف رضاشاه پاسخ داد. رضاشاه زمانی پاسخ نامه را دریافت کرد که تمام شرایط انگلیس و روسیه را پذیرفته بود؛ اتباع آلمانی را از ایران اخراج کرده بود و راه‌آهن و جاده‌های شمالی و جنوبی کشور را در اختیار نیروهای اشغالگر قرار داده بود. با این همه انگلیسی‌ها و روس‌ها پیش از آنکه رضاشاه بتواند روابط

وقتی در سپیده‌دم ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ خبر پیشروی نیروهای روسی مستقر در قزوین به سمت تهران به اطلاع رضاشاه رسید، فروغی نخست‌وزیر را به کاخ احضار کرد و از او خواست تا پیش‌نویس استعفانامه را بنویسد. فروغی استعفانامه را به امضای شاه رساند و سپس به دستور او رهسپار مجلس شد تا آن را برای نمایندگان قرائت کند

نزدیک‌تری با آمریکا برقرار کند، وی را برای استعفا از مقام سلطنت تحت فشار قرار دادند.

زمانی که ایران به اشغال متفقین درآمده بود، موجی از هرج‌ومرج و بلاتکلیفی سراسر کشور را فراگرفته بود. اوضاع امنیتی کاملاً بی‌ثبات بود، بسیاری از امرای ارتش و افسران ارشد گریخته بودند، سربازان باقی‌مانده در سربازخانه‌ها مواد خوراکی در اختیار نداشتند، نظم و انضباط در هیچ رده ارتش برقرار نبود، دزدی از منازل مردم و غارت مغازه‌ها افزایش یافته بود و نظامیان نیز در این غارتگری نقش داشتند. سربازان اسلحه‌ها را از پادگان‌ها می‌ربودند و می‌فروختند. حتی اسب‌های توپخانه به طور پنهانی دادوستد می‌شد. بسیاری از هنگ‌های برگزیده سابق به یک‌چهارم قدرت عادی خود تنزل یافته بودند، شعارنویسی علیه شاه به پشت دیوارهای کاخ رضاخان نیز رسیده بود. در مجلس علناً از لزوم برکناری شاه از مقام فرماندهی کل قوا سخن به میان می‌آمد.

۲۴ شهریور، رضاشاه آخرین جلسه هیئت دولت را تشکیل داد و به وزیرانش گفت به زودی کشور را ترک خواهد کرد. آخرین جمله شاه به وزیران این بود که «راز موفقیت من این بوده که هرگز با هیچ کس مشورت نمی‌کردم و خود کارها را مطالعه می‌کردم»!

وقتی در سپیده‌دم ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ خبر پیشروی نیروهای روسی مستقر در قزوین به سمت تهران به اطلاع رضاشاه رسید، وی فروغی نخست‌وزیر را به کاخ احضار کرد و از او خواست تا پیش‌نویس استعفانامه را بنویسد. فروغی استعفانامه را به امضای شاه رساند و سپس به دستور او رهسپار مجلس شد تا آن را برای نمایندگان قرائت کند. با این همه، وی پیش از رسیدن به مجلس بدون اطلاع شاه راهی سفارت انگلیس شد و استعفانامه را به «سر ریدر بولارد» سفیر انگلیس نشان داد.

زمانی که متن استعفانامه در جلسه مجلس قرائت می‌شد، رضاشاه در راه اصفهان بود. او به خانواده خود که پیشتر از تهران منتقل شده بودند، پیوست. در ساعت ۸ بامداد ۲۵ شهریور، تانک‌ها و زره‌پوش‌های روسی اطراف فرودگاه مهرآباد مستقر شدند و ساعتی بعد نیروهای انگلیسی که از قم به طرف تهران به راه افتاده بودند، به راه‌آهن رسیدند. تهران هیچ شباهتی به یک شهر عادی نداشت. خیابان‌ها کاملاً خلوت بود. هیچ مغازه‌ای باز نبود. مردم حتی خودروهای خود را نیز از ترس آنکه به دست اشغالگران بیفتد، پنهان کرده بودند.

روز ۲۶ شهریور در حالی که تهران در اشغال نظامیان روس و انگلیس قرار داشت، محمدرضا پهلوی جانشین جوان رضاشاه در مجلس سوگند یاد کرد. در اصفهان نیز رضاشاه به اتفاق خانواده به سوی نائین و یزد حرکت کرد. آنها سپس به کرمان و از آنجا به بندرعباس رفتند.

روز هشتم مهر رضاخان و گروه مسافرانش که ۲۰ نفر، از جمله هفت پیشخدمت و آشپز بودند، با کشتی انگلیسی «باندرا»، ایران را به سوی بمبئی ترک کردند. روز نهم مهر کشتی «باندرا» به بمبئی رسید. رضاشاه پس از توقف کشتی «سرکلرمونت اسکراین» کنسول سابق انگلیس در مشهد را مشاهده کرد که وارد اقامتگاه آنان شد و به آنان با زبان فارسی تأکید کرد حق خروج از کشتی را ندارند. آنها تنها این فرصت را داشتند که از کشتی باندرا به کشتی دیگری منتقل شوند.

کشتی «برمه» پس از ۹ روز دریانوردی به «پورت لوئی»- پایتخت جزیره موریس - رسید. در موریس با تقاضای رضاخان برای سفر به کانادا مخالفت شد. وی و همراهانش را به اقامتگاه‌شان انتقال دادند. ارسال نامه یا دریافت نامه برای آنان ممنوع شد و تنها شنیدن اخبار و گزارش‌های رادیو لندن آزاد بود. این محدودیت‌ها پس از امضای پیمان سه‌جانبه میان ایران، انگلیس و شوروی (۹ بهمن ۱۳۲۰) برداشته شد. پس از چند هفته اغلب فرزندان رضاشاه با موافقت انگلیسی‌ها به تهران منتقل شدند و تنها او با عده‌ای از همراهان و خدمتکاران باقی ماندند.

روز هفتم فروردین، رضاشاه و همراهانش پورت لوئی را با کشتی به سوی دوربان در آفریقای جنوبی ترک کردند. آنان پس از دو ماه در این شهر بندری که آب و هوای نامساعدی داشت با قطار به مقصد ژوهانسبورگ حرکت کردند. رضاخان که از بیماری قلبی، کلیه و عفونت گوش رنج می‌برد، طی اقامت خود در آفریقای جنوبی دائم با شعارهایی که وی را «دیکتاتور سرنگون شده» می‌خواندند و خواستار اخراج وی از این کشور شده بودند، مواجه بود. بیماری و نفرت عمومی مردم از رضاخان سرانجام وی را از پای درآورد.

به این ترتیب رضاخان پهلوی، ساعت پنج بامداد روز ۲۶ ژوئیه ۱۹۴۴ (۴ مرداد ۱۳۲۳) در حالی که جنگ جهانی دوم به سرعت به نفع انگلیس و روسیه پیش می‌رفت، بر اثر یک حمله قلبی درگذشت.

تاریخ جهان

قهرمان ملی آمریکای لاتین

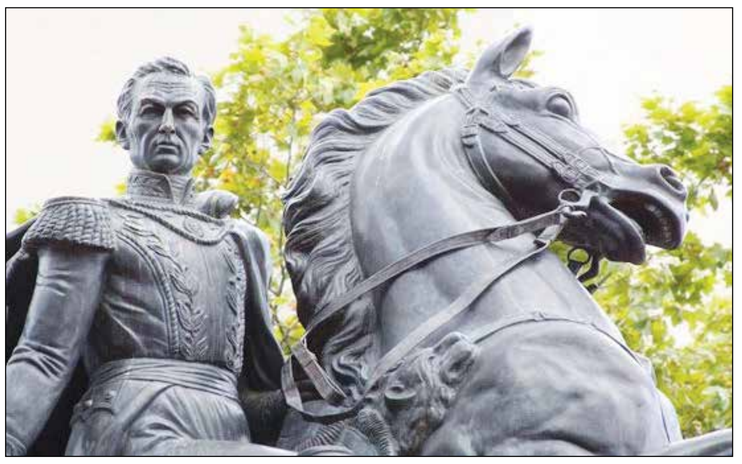

□ اکبر ادراکی/ سیمون بولیوار در بهار سال ۱۷۸۳ میلادی در شهر کاراکاس (در ونزوئلا) در یک خانواده اشرافی چشم به جهان گشود. در رشته حقوق تحصیل کرد و در صدد برآمد تا کشورش و مناطق آمریکای لاتین را از یوغ استعمار اسپانیا رهایی بخشد. ونزوئلا در منطقه استوایی شمال آمریکای جنوبی و بین دریای کاراییب و کشور برزیل واقع شده است و مساحت آن تقریباً یک دوم ایران است. ونزوئلا علاوه بر مقابله آشکار با نیولیبرالیسم و امپریالیسم، مدعی طرح الگوی جدید اقتصادی و سیاسی (بولیواریسم) برای تمام کشورهای منطقه است. الگویی که از نام و آرمان‌های سیمون بولیوار (قهرمان پرآوازه آمریکای لاتین در قرن نوزدهم) الهام گرفته است. او به مبارزه با استعمار اسپانیا پرداخت که این مبارزه به آزادی و اتحاد نیمی از کشورهای آمریکای لاتین منجر شد.

سیمون ابتدا در ونزوئلا و سپس در اروپا تحصیل کرد و پرورش یافت. او در اروپا توانست دانش‌های ادبی و علمی خود را عمیق‌تر کرده و با آرمان‌های دموکراتیک الهام گرفته از انقلاب فرانسه آشنا شود. این آرمان‌ها زندگی او را تحت تأثیر قرار داده و او را به مبارزه برای استقلال قاره آمریکای جنوبی متقاعد کردند.

از آوریل سال ۱۸۱۰ میلادی، بولیوار به یکی از رهبران عمده جنبش آزادی بخش ونزوئلا تبدیل شد. در روز ۶ اوت سال ۱۸۱۳ میلادی، سیمون بولیوار از سوی شورای شهر کاراکاس عنوان «لیبرتادور» (آزادی‌بخش) را یافت. با این حال، در ژوئن سال ۱۸۲۱ میلادی بود که سیمون بولیوار پس از پیروزی در کارابوبو توانست اسپانیایی‌ها را از خاک ونزوئلا بیرون براند.از آن پس، سیمون بولیوار تلاش خود را معطوف آزاد کردن سایر مستعمرات اسپانیا در قاره آمریکای جنوبی کرد. جنگ در پس جنگ. بولیوار موفق شد استقلال کلمبیا، اکوادور، پرو و بولیوی را به دست بیاورد.

سیمون بولیوار، قهرمان ملی آمریکای لاتین (به ویژه ونزوئلا) است. او اندیشه ضد سرمایه‌داری و ضدامپریالیستی داشت. اندیشه بولیوار هنوز زنده است. بسیاری از مبارزان دوران بعد همچون هوگو چاوز (رئیس‌جمهور پیشین ونزوئلا) حکومت خود را جمهوری بولیواری معرفی کردند.

سیمون بولیوار در سال ۱۸۰۳ مبارزه استقلال‌طلبانه خود را آغاز و بسیاری از سرزمین‌های آمریکای لاتین را از استعمار اسپانیا آزاد کرد. پس از آن در انقلاب کاراکاس شرکت فعال داشت و به کمک ارتشی از هواداران‌اش، کلمبیا را تصرف کرد. سپس، از طرف کنگره‌ای که به منظور تشکیل کلمبیای بزرگ برپا شده بود (و با آزاد سازی کلمبیا، ونزوئلا و پاناما به این هدف رسیده بود) به ریاست جمهوری برگزیده شد.

بولیوار جمهوری بزرگ کلمبیا را متشکل از کشورهای کلمبیا، ونزوئلا و اکوادور آزاد تشکیل داد و در فصلی دیگر از رزم، تحت

در سال ۱۸۲۶ انقلابیون بولیوی به رهبری بولیوار، پس از ۱۷ سال مبارزه توانستند سرزمین خود را آزاد کنند و به پاس خدمت سیمون بولیوار، این کشور را بولیوی نامیدند

رهبری او کشورهای کنونی ونزوئلا، کلمبیا، پاناما، اکوادور و بولیوی به استقلال خود از سلطه استعماری اسپانیا نائل آمدند و قسمتی از سرزمین پرو نیز به دلیل نام او بولیوی خوانده شد.

بولیوار در سال ۱۸۲۰ فرماندهی نیروهای آزادی‌بخش پرو را برعهده گرفت و این کشور را از استعمار اسپانیا آزاد کرد. سال بعد، مبارزه آزادی‌بخش بولیوار به اکوادور گسترش یافت و این کشور، پس از آزادی به کلمبیای بزرگ پیوست.

در سال ۱۸۲۶ انقلابیون بولیوی نیز به رهبری بولیوار، پس از ۱۷ سال مبارزه توانستند سرزمین خود را آزاد کنند و به پاس خدمت سیمون بولیوار، این کشور را بولیوی نامیدند. بولیوار رویای وحدت آمریکای لاتین را در قالب فدراسیون دنبال می‌کرد؛ اما به سبب خودمحوری‌ها و فرقه‌گرایی‌ها نتوانست این خواسته خود را عملی کند. او مدتی به دیکتاتوری روی آورد و پس از آن در اواخر عمر از قدرت کناره گرفت.

بولیوار تمام ثروت سرشار و ارثیه هنگفت پدرش را در راه پیشرفت انقلاب و آزادی سرزمین‌های آمریکای لاتین صرف کرد. او در سال ۱۸۳۰ در ۴۷ سالگی درگذشت.

اندیشه‌های ضد امپریالیستی بولیوار از او چهره‌ای بی‌بدیل در روند مبارزات مردم آمریکای لاتین ترسیم کرده است. با وجود نگاه انتقادی مارکس به برخی از خطوط اصلی اندیشه بولیوار، او تصریح می‌کند که تحت تأثیر مقاله «سیکلو پدیا» بولیوار قرار داشته است.

آن‌گونه که آندره شیر، روزنامه‌نگار آلمانی روایت کرده است، مارکس درباره هدف سیمون بولیوار مبنی بر ایجاد آمریکای لاتین یکپارچه به تحقیر نوشته است: «هدف واقعی بولیوار عبارت بود از؛ اتحاد تمام مناطق آمریکای لاتین و ایجاد یک جمهوری فدرال زیر نظر رهبری شخص خود او. وقتی که او غرق رویاهای خود، مبنی بر پیوند دادن نیمی از جهان با نامش بود، قدرت واقعی از دستانش بیرون لغزید...»

تاریخ ایران

اظهارات صریح آیت‌الله حائری درباره رضاخان

□ مهدی دنگچی/ آیت‌الله آقا شیخ محمدتقی بروجردی (از شاگردان برجسته مرحوم آقا ضیاء عراقی، پیش‌نماز سابق مسجد دروازه‌غار تهران و صاحب تألیفات متعدد) مجتهدی فاضل بود و شاگردانی داشت. وی در دوران اوج قدرت رضاخان با مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری‌یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم دیدار و مذاکراتی داشته است که طی آن حاج‌شیخ درباره اوضاع و احوال سیاسی وقت و دسایس پشت پرده استعمار نکات عبرت‌انگیزی را برای او فاش کرده بود.

مرحوم آقا شیخ محمدتقی بروجردی می‌گفت من همراه مقداری وجوه شرعیه از تهران به قم رفتم. در آن زمان از سکوت حاج شیخ عبدالکریم در چنین موقع حساسی در برابر اقدامات ضد اسلامی رضاخان سخت دلخور بودم و دلم نسبت به ایشان صاف نبود؛ از این رو رغبتی به دیدار و خوش‌وبش با وی نداشتم. به همین دلیل از ورود به منزل خودداری کردم و گفتم: «خیر، لازم نیست. از آقا رسید بگیرید می‌خواهم بروم».

پیشخدمت بازگشت و سخن مرا برای آقا بازگو کرد؛ ولی آقا اصرار ورزیدند که داخل شوم و من با اکراه وارد خانه شدم و به حضور آقا رسیدم. پس از سلام و تعارفات معمول، دست ایشان را بوسیدم؛ اما در دل، از ایشان سخت ناراحت بودم و با خود می‌گفتم که اینها می‌ترسند، توجه‌شان به دنیاست و جان خودشان را از اسلام بیشتر دوست دارند. والّا اگر نمی‌ترسند و طالب دنیا نیستند، چرا در این شرایط خطیر، فتوای جهاد نمی‌دهند و علیه رضاخان به جنگ برنمی‌خیزند؟

آقا همین‌گونه که آرام نشسته بودند، پرسیدند: «از تهران چه خبر؟ رفقای تهرانی ما چطورند و راجع به اوضاع چه می‌گویند؟».

این سؤال آقا گویی باروتی بود که بر احساسات من افتاد و عقده دلم را منفجر کرد. دیدم فرصت بسیار مناسب است تا هر چه از انتقاد و اعتراض در دل دارم، برای آقا بیان کنم.

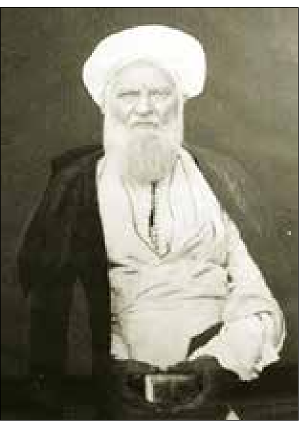

در طول سخنانم حاج شیخ عبدالکریم آرام بود و سخنی نمی‌گفت. با صبر و حوصله تمام سخنان مرا شنید و پس از آن نیز تنها آهی کشید و چیزی نگفت؛ مجلس به سردی و سکوت گذشت تا اینکه وقت نماز رسید. آقا برخاست و وضو گرفت. من نیز وضوگرفتم و خود را برای نماز آماده کردم. راستش، آنچنان از ایشان دلخور بودم که اصلاً نمی‌خواستم پشت سر وی نماز بخوانم. با وجود این، در محذوریت شدید اخلاقی به ایشان اقتدا کردم.

پس از خواندن نماز و صرف شام و چای، حاج شیخ عبدالکریم پیشخدمت را صدا زد و به وی گفت که برو فلان مجله را بیاور. پیشخدمت رفت و مجله را آورد و به دست آقا داد. آقا مجله را گرفت و به من داد و گفت بخوان!

مجله را گرفتم، دیدم مطلبی است از طرف پارلمان انگلیس که به سه زبان انگلیسی، عربی و فارسی نوشته شده و در لندن به چاپ رسیده است. مضمون مطلب این بود که ما این سلطنت را به پهلوی دادیم و از او نیز حمایت می‌کنیم مشروط بر اینکه ۱۴ ماده را عملی کند؛ از جمله این مواد کشف حجاب، مبارزه با روحانیت، جلوگیری از عزاداری‌ها و روضه‌خوانی‌ها، متحدالشکل کردن لباس‌ها و کلاه‌ها، آزاد بودن فعالیت بهائیان و...بود.

مرحوم بروجردی می‌گفت: «من یکایک این مواد را که قول و قرار اجرای آنها بین انگلیسی‌ها و رضاخان گذاشته شده بود، خواندم و ناگهان مثل یخ وا رفتم. دیدم پشتیبان رضاخان انگلیسی‌ها هستند و قرار کارها نیز با او یک‌به‌یک گذارده شده است و آنان نیز متعهد به حمایت جدی از او هستند و... . قضیه خیلی مهم‌تر از چیزهایی بود که فکر می‌کردم. پرسیدم: «حضرت آقا، چه کسی برای شما این مجله را آورد؟» فرمود: «شیعیان لندن.» بعد افزود:

«...عزیزم! ما مستقیماً با قدرت‌های بزرگ روبه‌رو هستیم نه با شخصی چون رضاخان. آنها می‌خواهند همه چیز را از بین ببرند و دنبال بهانه هستند. ما از شهادت نمی‌ترسیم؛ اما مصلحت دین در این شرایط بسیار حساس و شکننده به ما اجازه برخورد تند را نمی‌دهد...»

تاریخ حماسه

قطعنامه ۴۷۹ در هفتمین روز آغاز جنگ

□ حمیدرضا میری/ صدام در هفتمین روز جنگ، پیشنهاد آتش‌بس داد و اعلام کرد در صورتی که دولت ایران شرایط اعلام شده را بپذیرد، ترک مخاصمه شود. این اقدام به معنای اعتراف آشکار مهاجم به شکست راهبردی‌اش در حمله به ایران بود. نبردهای هفت روز آغازین جنگ در خرمشهر، بستان، رقابیه، عین خوش و دهلران که با وارد کردن تلفات سنگینی به دشمن همراه بود، ارتش عراق را حتی از رسیدن به اهداف اولیه خود بازداشت و دشمن مجبور به توقف در مناطق ناخواسته و نامناسب شد. رژیم بعث عراق که با هدف تصرف سه روزه ایران، رویای فتح قادسیه را در سر می‌پروراند، ۳۴ روز تمام در پشت دروازه‌های خرمشهر، کابوسی را برای خود رقم زد که تعبیر شوم آن، سال‌ها بعد دامن طراحان این سناریوی پلید را گرفت.نکته تأمل‌برانگیز این است که برخلاف اشتباه تاریخی رایج، خرمشهر هرگز سقوط نکرد؛ بلکه تنها قسمت مهمی از شهر در شمال رود کارون سقوط کرد، ولی زمین خرمشهر در جنوب کارون هیچ‌گاه به قدوم مزدوران بعثی عراق آلوده نشد.

دولت ایران در پاسخ به پیشنهاد آتش‌بس صدام اعلام کرد تا زمانی که حتی یک سرباز عراقی در قلمرو سرزمین ایران وجود دارد، حاضر به مذاکره نیست و تنها شرط قبول آتش‌بس از نظر ایران این است که دولت عراق نیروهای خود را از خاک ایران بیرون ببرد. نظام دیپلماسی بین‌الملل به سرکردگی آمریکا که نقشه‌های خود را در قبال حمله عراق به ایران نقش بر آب می‌دید، در هفتمین روز نبرد و ششم مهر ماه ۱۳۵۹، قطعنامه ۴۷۹ را در شورای امنیت صادر کرد. این قطعنامه طی نشست ۲۲۴۸ با ۱۵ رأی موافق و بدون هیچ‌گونه رأی مخالف و ممتنعی و همچنین بدون اشاره به آغازگر جنگ و بدون خواستن از عراق به بازگشتن به مرزهای بین‌المللی و تنها درخواست آتش‌بس بین دو طرف به تصویب رسید. این قطعنامه پنج بند کلیدی داشت که به شرح زیر است:

۱ـ از دو کشور ایران و عراق می‌خواهد که فوراً تداوم استفاده از زور را متوقف و نزاع خود را مطابق با اصول عدالت و حقوق بین‌المللی و از راه‌های مسالمت‌آمیز حل کنند.

۲ـ شورا این دو کشور را به پذیرش هرگونه پیشنهاد میانجی‌گرانه تشویق می‌کند یا اینکه آنها از آژانس‌ها یا ترتیب‌های منطقه‌ای و... از جمله راهکارهای مسالمت‌آمیز که می‌پسندند در این‌باره کمک بگیرند، یعنی راهکارهایی که تعهد آنها را به منشور سازمان تسهیل می‌کند.

۳ـ شورا از دیگر دولت‌ها می‌خواهد که بالاترین درجه خویشتن‌داری را از خود بروز داده و از هر گونه عملی که سبب تشدید و توسعه ابعاد این نزاع می‌شود، پرهیز کنند.

۴ـ شورا تلاش‌های دبیر کل و پیشنهاد کمک‌های بشردوستانه او را در این باره تأیید می‌کند.

۵ـ از دبیر کل انتظار دارد که ظرف ۴۷ ساعت گزارشی را به شورا ارائه کند.

عراق بلافاصله این قطعنامه را پذیرفت؛ ولی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد وقتی نیروهای عراقی خاک ایران را ترک نکنند و به خرابکاری و اقدامات خصمانه خود پایان ندهند، ایران هیچ قطعنامه‌ای را نخواهد پذیرفت.

عظمت علمی حضرت معصومه(س)

آیت‌الله مکارم‌شـــیرازی در وصف مقام علمی حضرت معصومه(س) می‌گوید: جمعی از شـــیعیان وارد مدینه شدند تا از امام کاظم(ع) سؤالات‌شان را بپرسند، اما حضرت در سفر بودند؛ سؤالات را تحویل خانواده حضرت دادند. به هنگام بازگشت به وطن برای خداحافظی به خانه حضرت رفتند. حضرت معصومه(س) جواب سؤالات آنها را داد. در مسیر بازگشت امام کاظم(ع) را ملاقات کرده و ماجرا را برای آن حضرت گفتند. امام نوشته را مطالعه کردند. پاسخ‌های حضرت معصومه(ع) صحیح بود. امام سه بار فرمودند: «فِداها ابُوها».

آیینه خواص

احنف‌بن‌قیس ـ۲

فتح ایران

در زمان خلیفه دوم احنف فردی معتمد در دستگاه حاکمیت بود. او در این زمان نخستین بار با نمایندگان بنی‌تمیم به مدینه آمد، خلیفه که هنوز از اسلام و وفاداری او اطمینان نداشت یک‌سال او را تحت نظارت قرار داد و آزمود. خلیفه چون از وفاداریش مطمئن شد، به ابوموسی اشعری نوشت که احنف را با لشکر به فتح خراسان بفرستد و حتی برخی گفته‌اند که اعلام کرد که او را مشاور خود قرار دهد.

بنابراین تحت فرماندهی ابوموسی راهی ایران شد. بر مبنای روایات تاریخی احنف در ۲۲ ق، یعنی اواخر روزگار عمر به خراسان رفت و اندکی پس از آن به اصفهان هجوم برد. تحت فرماندهی «عبدالله‌بن‌بُدَیل» به یهودیه اصفهان تاخت و آنجا را تصرف کرد و در همین ایام کاشان را نیز فتح کرد.

احنف ســـپس برای مقابله با یزدگرد ساســـانی که در صدد گردآوری لشکر بود، به خراسان رفت و پس از فتح هرات به مرو رفت و کسانی را به فتح نیشابور و سرخس فرستاد. یزدگرد مرو را رها کرد و احنف سر در پی او نهاد و مرورود را نیز گرفت و به تعقیب یزدگرد به بلخ رفت؛ اما لشـــکر کوفه پیش از او یزدگرد را فراری داده و بلخ را تصرف کرده بودند. احنف به مرورود بازگشت و فرد دیگری را به فتح تخارستان فرستاد و خود فتح‌نامه به عمر نوشت. خلیفه دستور داد که به همان اندازه بسنده کند و از جیحون نگذرد. وی مدتی والی خراسان بود و پس از آن دوباره به بصره بازگشت و در جایگاه رهبر بنی تمیم نقش‌های سیاسی مهمی داشت. او همچنین در لشکر فتح نیشابور حضور داشت، به طوری که مقدمه آن لشکر برعهده وی بود. فرمانده این سپاه، شخصی به نام «ابن‌عامر» بود. مردمی از هرات، در مقابل احنف صف‌آرایی کردند که احنف بر ایشان غالب شد و نیشابور را به تصرف خود درآورد.

پس از آنکه لشـــکر اسلام یک بار در اهواز شکست خورد، احنف، نامه‌ای به خلیفه نوشته و از وی یاری طلبید و خلیفه هم عقبه را مأمور این کار کرد، عقبه مردم را جمع کرد و مضمون نامه عمر را به آنها خبر داد. تعدادی از سران بصره از جمله احنف‌بن‌قیس این اســـتمداد را اجابـــت کردند و در نهایت، در این نبرد مســـلمین به پیروزی دست یافتند. در پایان نبرد مسلمین با ایرانیان در منطقه اهواز، صلح‌نامه‌ای میان دو طرف منعقد شد. بعد از اتمام این جنگ نماینده خلیفه دوم در بصـــره، یعنی عقبه، هیئتی از نمایندگان نزد عمر فرســـتاد که جمعی از مردم بصره نیز در میان آنها حضور داشـــتند، از جمله این افراد احنف بود که در آن زمان ایام جوانی را سپری می‌کرد. عمر به آنها گفت هرچه درخواست دارید، بگویید تا انجام دهم. هر یک از آنها حاجت و درخواســـت شخصی خود را مطرح کرده و همه گفتند: «می‌خواهیم حاجات شخصی ما برآورده شود.» در میان آنها فقط احنف‌بن‌قیس بود که از مصلحت شـــخصی خود سخنی نگفت، بلکه درباره مصالـــح عمومی و مشـــکلات مردم به این صورت با خلیفـــه گفت‌وگو کرد: «ای امیرالمؤمنین، باید دانست که اهل کوفه در محلی منزل گزیده و زیست می‌کنند که گرداگرد آنها آب روان و چشمه‌سار و چمن‌ها و باغ‌های خرم و بهشت‌ها احاطه کرده، ولی ما اهل بصره در یک زمین شـــوره‌زار، سست و مرطوب و پرآب منزل کرده‌ایم. یک طرف آن بیابان خشـــک بی‌آب و علف، و طرف دیگر دریای شور و تلخ است. خانه ما تنگ و تاریک و راه باریک و عده قرون و بزرگان و خردمندان ما کم و دلیران امتحان داده بسیار هستند، یک درهم نزد ما سرمایه بزرگ بشمار می‌آید و... تو ای امیر روزی ما را توســـعه بده و تأمین کن تا بتوانیم به زندگانی خود ادامه دهیم»، وقتی عمر این ســـخنان احنف را شنید خواسته وی را اجابت کرد و سهم آنها را افزایش داد.

مرحوم آیت‌الله مشکینی(ره)

به بی‌لیاقت‌ها مقام ندهید

بنـــدگان خدا تقـــوا را مراعات کنید. تقوا بهترین وســـیله زندگی شـــما در یک عالم همیشگی است. آدم بی‌تقوا در آن جهان فقیر است، آدم بی‌تقوا در آن جهان اسیر است، زندانی است، شلّاق می‌خورد، شکنجه می‌بیند، آبروی او می‌ریزد.

بهشتی‌های بی‌آبرو!

روایت اســـت که گاهی بعضی از مسلمان‌ها، مؤمنینی که موقّتاً به جهنّم رفته بودنـــد، از جهنّم نجات پیدا می‌کنند و وارد بهشت می‌شوند، در پیشـــانی آنها نوشته می‌شود که اینها آزاد شـــده از جهنّم هســـتند. وقتی که میان مسلمان‌ها و مؤمنین اهل بهشـــت وارد می‌شوند شرمنده می‌شوند، همه می‌گویند: «شما چقدر در جهنّم بودی؟ با چه کسانی دوست بودی؟ فرعـــون را در آن‌جا دیدی؟ فلان آقا را دیدی؟ شـــما با یکدیگر بودید؟» بعد اینها از خدا درخواست می‌کنند خدایا آبروی ما در بهشـــت رفت، این از پیشانی ما زائل بشود.

در روایتـــی امـــام صـــادق(ع) می‌فرمایند: «چقدر زشـــت اســـت بنـــده‌ی مؤمن خدا، آبـــرو رفته به بهشـــت برود. عرض می‌کنند که آقا چگونه می‌شود که آبروی او برود و به بهشت هم برود؟ می‌فرمایند: این‌طور، متّقی باشـــید که بـــه جهنّم نروید، عذاب جهنّم قابل تحمل نیست، ما نمی‌فهمیم که جهنّم چه خبر است؟ عذاب الهی چیســـت؟ خدایا ما را از جهنّم خود محافظت بفرما، ما را جزء بندگان شایسته خود و جزء بندگان نیک خود که از اول مرگ در خوشی و رحمت تو وارد می‌شوند، قرار بده.»

انس با قرآن

مهم‌ترین حادثه تاریخ، مهم‌ترین حادثـــه‌ای که از بـــدو خلقت تا روز قیامت نظیر آن واقع نشـــده، نزول قرآن اســـت. قرآن کتاب آســـمانی بزرگ و آخرین کتاب برای بشـــر که تا بشر، بشر است، کتاب بشر است و نه فقط در دنیـــا، در آخرت هم این کتاب را خواهیـــد خواند. قاری اهل جنّت که حضرت داوود اســـت، آنجا چه می‌خواهد بخواند؟ همین قرآن را می‌خواند. این قرآن آنجا هم خوانده می‌شود و روایت می‌گوید هر کس از قرآن هر قدر می‌داند، می‌گویند بخوان و بالا برو، هر چه بیشتر بداند و حفظ باشد، درجه او بالاتر و بالاتر می‌رود.

ایـــن کتـــاب الهـــی را مغتنم بشـــمارید. با این کتـــاب اُنس پیدا کنید، مأنوس بشـــوید، کتاب الهی که از پروردگار به وسیله فرشته‌های متعدد بر قلـــب نازنین پیغمبر وارد شـــد و از زبان مبارک ایشان تحویل جامعه داده شد، این کتاب را بخوانید. اگر سواد ندارید، بشـــنوید. از رادیو می‌خوانند گوش بدهید، کســـی را بیاورید بخواند و شما گوش بدهید، صدای پروردگار است.

وقتی که «یَـــا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا» می‌گویند؛ این صوت پروردگار اســـت که به شما و به گوش شما می‌رسد و خطاب می‌کند، بنده مؤمن من و آن عارف می‌گوید والله لذّت اینکه خدا به من خطاب می‌کند از روح من نمی‌رود. این کتاب را محترم بشمارید.

خدا بـــه حضرت موســـی(ع) خطاب فرمود؛ «ای موسی در مقابل من مانند بنده ذلیل بایســـت و نماز بخوان و تـــورات را با آهنگ خوش بخوان و روح خود را صفا بده.» این برای آن است. شـــما مسلمین هم همین‌طور این قرآن را بخوانید.

ترس‌های رسول خدا!

یک روایت به تناسب این قرآن برای دوســـتان عرضه می‌دارم، روایت مشـــهور اســـت، پیامبر گرامی اسلام جمله‌ای فرمودند و توصیه‌ای کردند که در ضمن این به قرآن هم اشـــاره فرموده‌اند. روزی بـــه مردم فرمودند: «أَخافُ عَلَیْکُم» من پنج چیز اســـت که بعد از خود نســـبت به امت خود می‌ترسم.

یـــک «اسْـــتِخْفَافاً بِالدِّیـــن» می‌ترســـم امت من بعد از من دین خدا را بی‌اهمیت بشـــمارند. دین در میـــان مردم به انـــدازه دنیا اهمیت نداشته باشـــد. دین در میان مردم کم‌اهمیت باشد. امروز دنیا این‌طور اســـت. حتّی مســـلمین جهان هم همین‌طور هستند. حساب نکنید که یک قطعه‌ای در دنیا به نام ایران پیدا شده و یک روح‌الله اعظمی پیدا شده و این کشـــور را از جا حرکت داده، از خـــواب غفلت بیدار کرده، حرکت کرده‌اند و خود را از دســـت اجانب و طاغوت‌ها نجات داده‌اند، مســـتقل و آزاد شـــده‌اند، ماه رمضان مدام در مساجد، رادیو و تلویزیون قرآن است، این سعادتی است که شما دارید.

بـــا این قرآن مأنوس بشـــوید. پیامبر(ص) می‌فرماید: «می‌ترســـم زمانـــی بیایـــد کـــه ملّت بـــه دین خود اهمیت ندهنـــد و امروز غالب مسلمان‌ها همین‌طور هستند. دین اهمیت ندارد حالا غیر مسلمان که مفهوم دین را نمی‌فهمد.»

دوم «بَیْعَ الْحُکْمِ» خدای ناکرده حکم را بفروشند. یعنی اعوذ بالله در حکم خود، در قضاوت خود، رشـــوه بگیرند. إن‌شاءالله در کشور ما چنین چیزی نیســـت و نخواهد بـــود؛ اما پیامبر(ص) از این می‌ترســـید، این خطر بزرگی اســـت. رشوه در میان هر ملّتی پیدا شد بدبختی آن ملّت شروع می‌شود.

سوم «قَطِیعَةَ الرَّحِم» می‌ترسم امت من به اقوام خود خیلی اهمیت ندهند، صله رحم نکنند، پدر، مادر، برادر، خواهر و اقوام، می‌ترسم امّت مـــن صله‌رحم نکننـــد، قطع رحم کنند. در روز قیامت از هر انسانی، از چیزهایی، سؤال می‌شود از آن جمله صله‌رحم است. نکند سر نزنیم، نکند احوالپرســـی نکنیم، برادر و خواهر و اقوام دور و نزدیک باید با هم رابطه داشته باشید، گرم بگیرید، سوغاتی بدهید، اگر ندارند کمک مالی بکنید، با زبان، با مسافرت، با دعوت کردن، به هر نحوی که باشد توصیه پروردگار این است که صله‌رحم کنید و شاید در میـــان ثواب‌های الهـــی بالاتر از صله‌رحم ثوابی نباشد. در قرآن اول توحید بعد احترام و صله‌رحم است. می‌ترسم قطع رحم کنند.

حداقل یک نامه بنویس به فلان اقـــوام خود هر کجا اســـت، بگویید؛ فلانی من این روایت را شنیدم و الآن با این نامه می‌خواهم به شما اظهار ارادت کنم، شما را دعا می‌کنم، شما را دوست دارم، إن‌شاءالله دعا می‌کنم شـــما هم ما را دعـــا کنید، هر وقت بتوانـــم خدمت‌هایی انجام می‌دهم. صله‌رحم را انجام بدهید.

«وَ أَنْ تَتَّخِذُوا الْقُرْآنَ مَزَامِیر» می‌ترسم یک وقتی امت من قرآن را همراه وسایل موسیقی قرار بدهند، هـــم قرآن خوانده بشـــود و هم یک طرف موسیقی باشد. می‌ترسم قرآن مزامیر بشـــود، توأم با نی و چنگ و دف بشود، می‌ترسم یک روزی مردم قرآن را توأم با مزامیر انجام بدهند و إن‌شاءالله امیدواریم که چنین چیزی را نگذاریم که انجام بگیرد.

«تُقَدِّمُـــونَ أَحَدَکُـــمْ وَ لَیْـــسَ بِأَفْضَلِکُـــم» در آخر می‌فرماینـــد: «می‌ترســـم یک وقتی کسانی که لیاقـــت ندارند پســـت‌ها را حیازت کنند، آن کسی که لیاقت یک پستی را ندارد آن پســـت را به او بدهند.» بنابراین این هم از چیزهایی اســـت که پیغمبر گرامی از آن می‌ترسید. این مســـئله به دولت ما، به بزرگان ما، به ســـران کشور ما مربوط است. این پیامبر(ص) اســـت کـــه آنها را نصیحت می‌کند، نکند پســـت‌ها را به کســـی که اهل آن نباشـــد، روی یک روابطی ضوابط را گم کنید، یک مقام شامخی را به یک انسان نالایق بدهید. هم به آن مقام ظلم کردید، و هم به آن شخص ظلم کردید. مقام را ظلم کردید ضایع شد و آن شخص را ظلم کردید و او را به فوق آنچه که قدرت دارد، تحمیل کردید.

می‌فرمایند: «تُقَدِّمُونَ أَحَدَکُمْ وَ لَیْسَ بِأَفْضَلِکُم» می‌ترسم زمانی برسد کسانی که لیاقت حضور در مجلس شورای اســـلامی را ندارند آنجا او را جـــا بدهند و راه بدهند، این تقصیر، تقصیری است که عفو نمی‌شود و باید در این قسمت إن‌شاءالله فکر کنیم، کسانی که خدا دوست دارد باید در مقام‌ها و پست‌ها قرار بگیرند.

نقطه نظر

خدمت و عبادت ـ۶

مهدی عامری / در آیات ۳۸ تا ۴۸ سوره مبارکه مدثر، گفت‌وگوی تکان‌دهنـــده‌ای بیـــن اهـــل جنت و دوزخیان بیان شـــده اســـت. اصحاب یمین در بهشـــت برین از گناهکاران می‌پرسند: «چه شده است که گرفتار جهنم شده‌اید؟»

پاسخی که گنهکاران می‌دهند، مضمون همان آیاتی است که پیشتر در سوره ماعون و فجر نیز به آنها اشاره شد. آنها می‌گویند ما جزو نمازگزاران نبودیم و مسکین را کمک و اطعام نمی‌کردیم! و در ادامه هم می‌گویند روز قیامت را دروغ می‌پنداشتیم!

چنانچه ملاحظه می‌شود؛ اسباب آتش جهنم چند مورد اســـت که نماز نخوانـــدن، اطعـــام نکـــردن و خدمت ننمودن به خلق جزو آنها است.

این نشـــان از ایـــن دارد که در اســـلام، تقوای فردی کارساز نیست و انسان باید علاوه بر سلوک فردی خود بـــر تقوای اجتماعی و خدمات عمومی نیز اهمیت بدهد. به تعبیر رهبر معظم انقلاب تقوای اجتماعی، یعنی رعایت تقوای اســـلامی مربوط به اجتماع که شامل حمایت از محرومین و مظلومین می‌شود.

نمی‌شود کسی به تنهایی در پی کسب معنویت و تقوا برآید، اما به جامعه و اطراف خود توجهی نکند! اینکه انسان از درد دیگران، دردمند نمی‌شود و غصه سایرین برای او گران نمی‌آید؛ در مرحله اول از کمبود تقوا ناشـــی می‌شود. بعد معرفتی اسلام با بعد عملی آن در هم تنیده اســـت. همان‌گونه که ترک نماز نشان از بی‌تقوایی فرد دارد و ثمره آن دوزخ است، ترک اطعام نیز در جامعه موجب بلا خواهد شد.

در جامعه اســـلامی، افـــراد باید همان‌گونـــه که بدون ریـــا و خالصانه در پـــی عبادات می‌رونـــد، بدون منت و اذیت دیگـــران مجاهدانه به دیگران خیر برسانند.

تلفیق خدمت بی‌منت و عبادت بی‌ریـــا را می‌توان در اردوهای جهادی مشاهده کرد، آنجا که توسل و تضرع و عبادت با خدمت و کار و تلاش عجین گشته و ثمره‌اش معنویت اجتماعی و همدلی و مهربانی عمومی است.

گزارش ویژه

بررسی شاخصه‌های کابینه دوازدهم در گفت‌وگوی صبح صادق با دبیرکل جبهه مردمی اصلاحات و مدیرعامل خبرگزاری فارس

زارع‌فومنی: دولت باید در انتخاب وزرا نگاه فراجناحی داشته باشد
موسوی: کسانی انتخاب شوند که در برابر دشمن مقاوم باشند

مجتبی برزگر / با نزدیک شدن به زمان تحلیف و تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری، یکی از مهم‌ترین مباحث روز سیاسی گمانه‌زنی‌ها درباره ترکیب کابینه دوازدهم و تغییر و تحولات احتمالی در دولت است. برای بررسی بیشتر این موضوع به سراغ حجت‌الاسلام محمد زارع‌فومنی، دبیرکل جبهه مردمی اصلاحات و مدیرمسئول و سرپرست روزنامه صدای اصلاحات و سیدنظام‌الدین موسوی، مدیر عامل خبرگزاری فارس و چهره سیاسی اصولگرا رفتیم و لحظاتی را به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه مشروح آن را می‌خوانید.

***با توجه به ظرفیت‌های ملی موجود برای حل مشـــکلات اقتصادی و رفع آسیب‌های اجتماعی در کشور، به نظرشما دولت چگونه می‌تواند از این ظرفیت‌های ملی استفاده کند که هم این مشکلات حل شود و هم نظام جمهوری اسلامی بتواند به موفقیت‌های داخلی و خارجی برسد؟**

زارع‌فومنی: همان‌طور که می‌دانید در کشـــور ظرفیت‌های بالقوه و پویایی در حوزه‌هـــای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی وجود دارد که می‌توانیم از این فرصت‌ها و زمینه‌ها به نحو شایسته‌ای بهره ببریم. ما باید فضای نقد را در جامعه گسترش دهیم و ســـعی کنیم با هدف اســـتفاده از نیروهای متعهد و متخصص، شایسته‌سالاری را به اوج خودش برسانیم. همه دولت‌ها باید بدانند که نیروهای توانمند و با استعدادی در حوزه‌های مختلف داریم؛ از سویی بخش عمده‌ای از رتبه‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعـــی و... در جهان به جوانان نخبه و با اســـتعداد مـــا برمی‌گردد. هرچند پس از گذشـــت سال‌ها هنوز نتوانستیم ثبات اقتصادی را در کشورمان بـــه وجود آوریم؛ ولی می‌توانیم فرصت‌ها را در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی گســـترش بدهیم. از نظر کشاورزی در سراسر کشور از بهترین نقاط و چهار فصل جهان برخورداریم. در حوزه‌های علمی جوانان بســـیار مستعد و نخبه‌ای داریم که می‌توانند در جهان حرفی برای گفتن داشـــته باشند. در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی هم این روند وجود دارد کـــه به اعتقاد بنده دولت باید از همه این ظرفیت‌ها به دور از هر خطی‌کشـــی حزبی (اصولگرا، اصلاح‌طلب، مستقل و یا میانه‌رو) بهره ببرد. به خط‌کشی‌ها اعتقاد ندارم؛ به نظر من هر کسی که شایسته است و توانایی‌های لازم برای اداره آن مجموعه مشخص را دارد، باید از او استفاده کرد.

موسوی: اگر بخواهیم یک معضل و مشکلی را برطرف کنیم، در درجه اول باید بپذیریم آن معضل و مشکل وجود دارد. فکر می‌کنم یکی از دلایل اینکه دولت و مسئولان ارشـــد در چهار سال گذشته نتوانســـتند بر مشکلاتی که به مرحله بحران رسیده بود، فائق آیند، این بود که درک درستی از این مشکلات و بحران‌ها نداشتند و اینکه بخش عمده همّ و غمّ آنها به سیاست خارجی معطوف بود. البته پرداختن به مسئله سیاست خارجی به خودی خود مســـئله مذمومی نیست؛ بلکه مشکل اینجا بود که دولتمردان تصور می‌کردند مشـــکلات اقتصادی را هم می‌توانند با اتکا به سیاســـت خارجی حل کنند؛ از این رو با وجود اینکه بسیاری از دلسوزان کشور تأکید می‌کردند راه فائق آمدن بر مشـــکلات اقتصادی، اتکا به درون و استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی داخلی است، متأســـفانه مسیری در پیش گرفته شد که به مسائل سیاست خارجی در بحثی به نام برجام منحصر شد؛ به همین دلیل در طول چهار سال گذشته مشاهده کردیم، بسیاری از مسائلی که در حوزه اقتصاد می‌توانست با اندکی همت و توجه به ظرفیت‌های داخلی در مسیر درستی قرار بگیرد، به تدریج رو به جلو رفت و الآن به بحران تبدیل شده است. الآن مسئله اشتغال در کشور ما یک بحران اقتصادی جدی است، مسئله رکود، به ظنّ خود مســـئولان دولتی به یک بحران تبدیل شده است. در دوره دوم دولت و مسئولان ارشد باید به جای اینکه مسائل حاشیه‌ای را اصل قرار بدهند، از تجربه گذشته عبرت بگیرند و بپذیرند اقتصاد ما در حالت اغما قرار گرفته؛ به ویژه در مسئله اشتغال، رکود و رخوت اقتصادی که با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستیم. حتی از اوایل سال جاری، به تدریج به سمتی می‌رویم که تورم در حال تشدید است؛ تورمی که البته با بهره‌گیری از آن فضای رکود تا حدودی کاهش پیدا کرده بود؛ اما بار دیگر با بالارفتن میزان تورم در آستانه رکود تورمی قرار گرفتیم که برای اقتصاد ما بسیار مضرّ و کشنده است؛ از این رو رئیس‌جمهور باید کابینه جدید را با توجه به شـــاخصه‌های کارآمدی، قدرت و اعتقاد به اســـتفاده از ظرفیت‌های داخلی برگزینند. در درجه اول باید به سیاســـت‌های ابلاغی رهبر معظم انقلاب در زمینه اقتصاد مقاومتی توجه کند که به نظر من نسخه بی‌بدیل اقتصاد است. اگـــر دولت از قبل ضمـــن توجه جدی به این سیاست‌ها، آن را به منزله الگوی بهبود و اصلاح اقتصاد در نظر می‌گرفت، به طور قطع بسیاری از مشکلات و بحران‌های موجود را نداشتیم.

***به نظر شـــما اگر دولت آینده مطابق نگاه و نگرش دولت یازدهم پیش برود، آیا می‌تواند بر مشـــکلات غلبه کند یا اینکه سبب بروز مشکلات جدی خواهد شد؟**

زارع‌فومنی: دولت باید از فرصت‌های به دست آمده، نهایت بهره را ببرد و اعتماد مردم را جلب کند؛ همان مردمی که با حضور بیش از ۴۰ میلیون در پای صندوق رأی، نشـــان دادند که همواره آماده مشـــارکت و همکاری هستند. این دولت‌ها و حکومت‌ها هستند که باید به مردم خودشان احترام بگذارند. به نظر من، این بهترین فرصت است که این دولت بتواند ظرفیت‌های بالقوه را مغتنم بشمارد. در این صورت، موفقیت بسیار چشمگیری را در کشور خواهد داشت.

موسوی: اگر دولت با همان نگاه، معیارها و همان افراد بخواهد به فعالیت خود ادامه دهد، قطعاً کشور دچار مشکل خواهد شد. در ابتدای دولت قبل رکود و اشتغال به مرحله بحران نرسیده بودند و قابل مدیریت بودند؛ اما به دلیل اعمال سیاست‌های غلط و توجه به بیرون، رکود در معرض بحران جدی قرار گرفت. از ابتدای امسال تورم برخلاف همیشه که سیر نزولی داشت، سیر صعودی گرفته و احتمالاً کشور دچار رکود تورمی بشود. این اتفاقات در کنار بدعهدی آمریکا قرار دارد که بار دیگر تحریم‌های جدیدی را علیه ایران وضع کرد. اگر دولت بخواهد با همان فرمان دولت یازدهم، دولت جدید را هم هدایت کند، قطعاً افزون بر تشدید مشکلات گذشته، شاهد ایجاد مشکلات جدیدتری نیز خواهیم بود.

***با توجـــه به اینکه در روزهای اخیر درگیـــری بین طیف‌های مختلف اصلاح‌طلب برای سهم‌خواهی از دولت شدت گرفته است، به نظر شما دولت تا چه حد به سهم‌خواهی‌های آنها پاسخ مثبت می‌دهد؟**

زارع‌فومنی: اینکه عده‌ای ســـهم‌خواهی می‌کنند، اقدام انکارناپذیری است؛ چرا که در هر دوره و نگاه و با هر گرایش و حزبی این سهم‌خواهی وجود داشته و دارد. در واقع، هر کسی در هر دوره‌ای به واسطه حمایت گروه و قشری برگزیده شده، آنها هم طبیعتاً ســـهم خودشان را طلب می‌کنند. به نظر من، این سهم‌خواهی‌ها خوب نیست؛ اما اینکه بخواهند با مشـــارکت خودشان، دولت را یاری بدهند، باید از این نوع رویکرد و نگرش اســـتقبال کرد. اگر بخواهیم سهم‌خواهی کنیم، آن چیزهایی که ما می‌گوییم دولت موظف به اجرای آنها باشد، کار اشتباه و غیر اصولی است.

موسوی: آنچه از شواهد آشکار برمی‌آید، دعوای سختی است؛ زیرا اصلاح‌طلبان اعتقاد دارند آنچه توانســـت موجبات پیروزی روحانی را در انتخابات فراهم کند، رأی اصلاح‌طلبان بوده کما اینکه آنها در دوره گذشته هم معتقد بودند رفتن عارف به نوعی موجب پیروزی روحانی شد؛ اما خود روحانی و افراد منتسب به او همچنین اعتقادی ندارند و معتقدند اصلاح‌طلبان سهم عمده‌ای در پیروزی ایشان نداشتند. در این دوره هم چنین نگاهی دارند و معتقدند جریان اصلاح‌طلبی پایگاه و عقبه چندانی ندارد که بتواند مدعی بشود همه رأی روحانی به وســـیله او ساماندهی شده، به همین دلیل هـــم الآن دچار یک کش‌وقوس هستیم. در این راستا، سعی می‌کنند بیشترین سهم را از دولت به دست بیاورند. تصورم بر این اســـت که دولت می‌داند چهار سال ســـختی را پیش‌رو دارد، اگر به این فرصت دوباره‌ای که در اختیارشان قرار گرفت پاسخ مثبتی داده نشود، قطعاً دولت دچار افول و در افکار عمومی دچار تزلزل خواهد شد؛ لذا آنچه به واقعیت نزدیک‌تر است اینکه مسئولان ارشـــد و شـــخص آقای روحانی تمایل زیادی برای سپردن زمام دولت به اصلاح‌طلبان ندارند. آقای روحانی باهوش‌تر از اینهاســـت که بخواهد زمـــام اداره بخش عمده‌ای از دولتش را به کسانی بسپرد که در گذشته ثابت کردند چنانچه قدرت بگیرند و از نردبان بالا بروند آن نردبان را می‌شکنند. به همین دلیل یک چنین کاری نخواهد کرد، اما اگر تسلیم فشارهای اصلاح‌طلبان بشود به نظرم با توجه به اینکه اصلاح‌طلبان عموماً درگیر حاشیه‌های سیاسی هستند و به مطالبات حزبی و جناحی خودشان می‌اندیشند، ایرادات موجود در دولت یازدهم، در دولت دوازدهم افزون‌تر خواهد شد و از سویی دیگر سرعت افول دولت در افکار عمومی رشد بیشتری پیدا می‌کند.

***بـــا توجه به اینکه دولت جدید آمریکا چند ماهی اســـت که روی کار آمده، اما مدام شـــاهد تهدیدات آمریکایی‌ها هستیم، وظیفه دولت در قبال این موضوع چیست؟**

زارع‌فومنی: باید سعی کنیم عظمت ایرانی و ایرانی بودن‌مان را به جهان نشان دهیم تا خدایی نکرده شخصیت و عزت‌مان زیر سؤال نرود. باید همواره شخصیت و شأن کشور و مردم‌مان را در نظر بگیریم و استفاده بهینه‌ای از آنها داشته باشیم.

موسوی: تنهـــا مسیر دولت در این زمینه تغییرات، اتکا به ظرفیت‌های داخلی و ایجاد وحدت با دیگر ارکان حاکمیت است. به هر حال دشمن در دشمنی خود صرفاً بر یک بخش حاکمیت متمرکز نخواهد بود؛ یعنی دشمنی آمریکایی‌ها و غرب صرفاً محدود و خلاصه در یک بخش نیســـت، آنها کلیت نظام و حاکمیت را مورد هدف قرار داده‌اند و طبیعتاً در این وضعیت و با توجه به این مسائل و پیوستگی که میان اجزای مختلف نظـــام وجود دارد، بهترین راه‌حل برای دولت اولاً، کاهش ســـطح تنش‌ها و درگیری‌ها بین خود و بخش‌های دیگر حاکمیت است. این لحن تند و گزنده‌ای که گاهی در کلام رئیس‌جمهور و برخی از مسئولان دولتی نسبت به نهادهای دیگر وجود دارد، باید تغییر کند تا توان یک اجماع جدی در برابر تهدیدات برای شاکله نظام وجود داشته باشد و در درجه بعدی توجه جدی به ظرفیت‌های داخلی و تمرکز بر روی اقتصاد مقاومتی است تا اولاً، دشمن با دیدن این اجماع در نظام و ثانیاً بهره‌گیری درست دولت از ظرفیت‌های داخلی به این باور برسد که فشارها، تهدیدها و تحریم‌های او چندان منشأ اثر نبوده است.

***در عرصه داخلی کشور در چهار سال گذشته وزارتخانه‌های اقتصادی و فرهنگی عملکرد مطلوبی نداشته‌اند، به نظر شما ترکیب کابینه آینده به چه صورت باید باشد که دولت بتواند به مشکلات اقتصادی و فرهنگی غلبه کند؟**

زارع‌فومنی: همان‌طوری که رهبر معظـــم انقلاب در حوزه اقتصادی فرمودند، بحث اقتصاد مقاومتی یک بحث بسیار فراگیر است؛ یعنی دولت و همه ارکان نظام باید به این موضوع توجه داشته باشند و بحث اقتصاد مقاومتی را عملیاتی کنند. به عبارتی، رهبر حکیم انقلاب با تبیین اقتصاد مقاومتی راه را به ما نشـــان می‌دهند که ما چگونه می‌توانیم در اقتصاد موفق بشویم.

موسوی: حوزه‌هـــای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و دفاعی دولت یک منظومه را با هم تشـــکیل می‌دهند و همه اجزای این مجموعه باید هم‌افزای باشند. مشکل اصلی کشـــور در این سال‌ها مسائل و مشـــکلات اقتصادی است؛ اما به طور طبیعی فرهنگ هوای تنفسی جامعه را تشکیل می‌دهد؛ یعنی اگر در یک فضای فرهنگی ما آن‌طور که باید مشکلات اقتصادی را حل نکنیم، به طور طبیعی هر روز شاهد اصطکاک و از بین رفتـــن ظرفیت‌هـــا و توان دولت خواهیم بود. به هر حال، دولت اگر می‌خواهد در حوزه اقتصـــاد مقاومتی کاری جدی انجام دهد باید در حوزه فرهنگ و در حوزه علم توأمان حرکت کند. الآن بحث شرکت‌های دانش‌بنیان یک وجه مهم اقتصاد مقاومتی و زمینه رشد اقتصادی را فراهم می‌آورد. به طور طبیعی اگر می‌خواهیم اقتصاد مقاومتی داشته باشـــیم، باید دانشـــگاه‌ها و مراکز علمی ما این توانایی را داشته باشند که پاسخ دقیقی به حوزه اقتصاد ما بدهند. اگر بتوانیم فناوری و دانش پیشـــرفته را بومی کنیم، مانند حوزه هسته‌ای، نانو و انرژی؛ در این صورت تهدید دشمن بر ما تأثیری نخواهد داشت و این مســـتلزم آن است که وزارتخانه‌های علمی و کار دانشی همسو با این سیاست‌ها حرکت کنند. اقتصاد مقاومتی به فرهنگ مقاوم نیاز دارد تا بتواند در برابر تهاجم بیگانه و حملاتـــی که برای نابود کردن تفکر و ایمان مردم صورت می‌گیرد، مقاومت کند؛ لذا در دولت جدید آقای روحانی در حوزه‌های علمی، فرهنگی و آموزشی حتماً افرادی که در کابینه قرار می‌گیرند باید نسبت به مقاومت در برابر تهاجم همه‌جانبه‌ای که دشمن در عرصه‌های مختلف در پیش گرفته ایمان داشته باشند؛ چرا که با مقاومت می‌توانند در برابر دشمن بایستند. اگر فضای سیاسی و فرهنگی دولت همسو نباشد، با این تفکر و این نگاه دنبال حاشـــیه می‌روند. اگر حاشیه‌های فرهنگی و سیاسی، دولت را گرفتار کند و بخش عمده‌ای از تلاش و ظرفیت‌های دولت به این سمت کشیده بشود، انرژی دولت گرفته شـــده و آن بخش‌هایی که باید در خدمـــت مردم و فکر کردن برای رفع مشکلات مدنظر قرار بگیرد، درگیر مشکلات می‌شوند و فضای ناکارآمدی یک بار دیگر بر دولت سایه می‌اندازد.

***برخی از جریان‌های تنـــدروی اصلاح‌طلب و معاندان با نظام به دنبال فشار به دولت برای استفاده از نیروهای تندرو در کابینه هستند، در صورت به کارگیری این نیروها، دولت با چه مشکلاتی مواجه خواهد شد؟**

زارع‌فومنی: تندروها در همه طیف‌ها هســـتند. من معتقدم دولت نباید تسلیم آدم‌های تند بشود و باید همان روش اعتدال را ادامه بدهد تا بتواند به موفقیت دست یابد.

موسوی: اگر افراد حاشیه‌دار، مسئله‌دار و تولیدکننده حواشی بتوانند به دولت نفوذ کنند و مســـئولیت‌ها را برعهده بگیرند، دولت امکان جدی را برای پرداختن به مسائل مهم کشور نخواهد داشت. هر روز درگیر حاشیه‌های ایجاد شده از سوی تندروها خواهد بود و عملاً نمی‌تواند پاسخگوی مطالبات مردم باشد.

نگاه دقیق فرمانده معظم کل قوا

سردار حاجی‌زاده گفت: همزمان با ارسال گردش کار محضر فرماندهی معظم کل قوا برای اخذ مجوز ضربات موشکی به تروریست‌ها، در ابتدا ۶۰ هدف از سوی نیروی قدس سپاه در اختیار نیروی هوافضا قرار گرفت که با توجه به تأکید شفاهی و ابلاغ کتبی معظم‌له مبنی بر مراقبت نسبت به آسیب نرسیدن به افراد غیر نظامی، در نهایت بر روی سه هدف اصلی انتخاب شده، شش موشک شلیک شد. تصویربرداری از اهداف مدنظر، پیش، پس و بعد از انجام شلیک‌ها به وسیله پهپاد انجام شد.

یادداشت

مقاومت در برابر آمریکا

علیرضا جلالیان / نگاه

به تاریخ معاصر پس از انقلاب اسلامی ایران از برخی جنبه‌های خاص می‌تواند دید خوبی نسبت به مسائل کشور بدهد. از روز اول پیروزی انقلاب اسلامی در تمام صحنه‌های دشمنی می‌توان رد پای استکبار جهانی به سردمداری ایالات متحده را دید.

اما در این میان نکته جالب اینکه در هیچ صحنه رقابت و درگیری راهبردی نمی‌توان ردی از پیروزی طرف مقابل انقلاب اسلامی دید. نکته جالب دیگر اینکه هر کجا که آمریکایی‌ها حضور پیدا کرده‌اند و یک طرف درگیری انقلاب اسلامی بوده است، آنها بازنده میدان بوده‌اند و به همان میزان دخالت آمریکایی‌ها، پیروزی و نفوذ نصیب انقلاب اسلامی ایران شده است.

امروز می‌توان این مسئله را در صحنه‌های مختلف تقابل انقلاب اسلامی و استکبار جهانی دید. بروز انقلاب اسلامی در جنوب لبنان با حمله ارتش تروریستی رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان و با حضور مستشاران نظامی ایران در سوریه و لبنان کلید خورد و امروز قوی‌ترین واحد مقاومت در مجموعه جبهه مقاومت و خارج از ساختار نیروهای ایرانی این جبهه همانا حزب‌الله لبنان است.

در وجه دیگر در عراق حضور آمریکایی‌ها و ساقط کردن صدام اصلی‌ترین زمینه ابراز وجود متحدان عراقی ایران در کشور عراق شد و تا جایی پیش رفت که واحدی از یگان‌های جبهه مقاومت متشکل از جوانان عراقی به نام حشدالشعبی شکل گرفت که جزو نیروهای مسلح رسمی این کشور شد و با الگوگیری از نیروی مقاومت بسیج در ایران عمل کرد.

در سوریه نیز حضور نیابتی تروریست‌ها بسترساز گسترش نفوذ و عمق یافتن مرزهای راهبردی انقلاب اسلامی تا شرق مدیترانه شده و امروز اصلی‌ترین تهدیدات نرم و سخت علیه رژیم کودک‌کش و تروریست صهیونیستی از سوی جبهه مقاومت اعمال می‌شود، در حالی که هدف کلی این درگیری‌ها دور کردن ایران از منطقه و محاصره مقاومت لبنان بود که به گسترش مقاومت در تمام سرزمین عراق و شام منجر شد. الگوگیری حوثی‌های یمن از شیوه مقاومت بزرگ‌ترین تهدید برای رژیم خائن سعودی در جنوب عربستان بود که امروز نیز عربستان حتی با ائتلافی از هم‌پیمانانش نتوانسته آنها را مهار کند و این جریان در قالب انصارالله هر روز قدرت بیشتری پیدا کرده‌اند.

بروز و ظهور داعش جدید در افغانستان و پاکستان هم پس از اینکه نیروهای شیعه افغانی و پاکستانی داوطلب شرکت در جنگ‌های سرزمین شام از این درگیری‌ها فارغ شده و توانسته‌اند شکل و سازمان تیپ و لشکر بیابند، درست در زمانی که ایالات متحده قصد دخالت در این دو کشور به بهانه مبارزه با تروریسم را دارد، فرصت دیگری برای گسترش انقلاب اسلامی ایران به شرق است. بروز برخی نشانه‌ها از گسترش انقلاب در قلب آفریقا همزمان با گسترش تفکر وهابیت در این قاره نیز نشانه دیگری از گسترش جبهه درگیری و میدان‌های جدید مقاومت است.

نقطه سرخط

مدل حزب‌الله در جنوب لبنان

پس از بازنشستگی دوباره هوای دفاع داشت و رفت سوریه. با تیپ زینبیون کار می‌کرد. هر موقع مشکلات و معضلات فرهنگی و اجتماعی کشور مطرح می‌شد، همه ما را ارجاع می‌داد به مدل حزب‌الله در لبنان. خیلی روی این موضوع کار کرده بود، می‌گفت توی شب‌نشینی‌ها با رزمندگان حزب‌الله لبنان در سوریه وقتی بحث از وضعیت جنوب لبنان می‌شد، آنها با توجه به جوّ سواحل بیروت خیلی خوب توانسته بودند محیط جنوب لبنان را عاری از مفاسد و معضلات اجتماعی کنند که این برای‌مان خیلی جالب بود.

مدیرعامل مؤسسه بیمه و درمان بنیاد تعاون سپاه در گفت‌وگو با صبح صادق

آماده ارائه خدمات بیمه‌ای به پاسداران و مراکز سپاه هستیم

حسن ابراهیمی / **«از آنجا که در بحث بهبود معیشت کارکنان و افزایش خدمات به آنها با توجه به مکفی نبودن حقوق پاسداران، در سپاه از سال ۸۲ به بعد فعالیت در این حوزه جدی‌تر شد و در آن سال در مجموعه بنیاد تعاون سپاه معاونت بیمه فعال شد، این روند با تغییر ساختار به ایجاد مؤسسه بیمه و درمان انجامید و امروز فعالیت‌های این مجموعه موجب شده تا ضریب نفوذ بیمه در مجموعه سپاه سه برابر ضریب نفوذ آن در کل کشور شود.» این جملات بخشی از صحبت‌های دکتر عیسی احمدنژاد مدیرعامل مؤسسه بیمه و درمان بنیاد تعاون سپاه است که در گفت‌وگو با ما بیان کرد. در ادامه مشروح این گفت‌وگو را می‌خوانید.**

عکس: حامد گودرزی

***فرمودید ضریب نفوذ بیمه در سپاه سه برابر متوسط کشور است، این میزان یعنی چقدر؟**

در بازرسی‌های حکمت از سوی وزارت دفاع ضریب نفوذ بیمه در سپاه در سال ۹۵ حدود ۵/۳ درصد بود در حالی که متوسط نفوذ بیمه درکشور ۱/۸ درصد است و این یعنی سه برابر کل کشور و بالاترین سطح در نیروهای مسلح و مجموعه‌های دولتی.

***چه خدمات بیمه‌ای به پاسداران و خانواده‌ها و فرزندان‌شان ارائه می‌کنید؟**

ما خدمات گسترده‌ای را داریم که مبتنی بر تهدیداتی که پاسداران و خانواده‌های آنها متوجه آن هستند، تنظیم شده است. برای نمونه بیمه عمر و حوادث که یک درصد از حقوق با دو درصد یارانه سپاه در ماه دریافت شده و مجموعه پرداخت‌ها در زمان فوت عادی ضرب در ۴۳۲۰، مأموریت حین خدمت ۵۴۰۰ و شهادت ۶۴۸۰ می‌شود که به طور میانگین ۱۰۰ میلیون تومان است، ولی با توجه به سابقه و میزان حقوق متفاوت است. یک بیمه دیگر هم داریم که در ماه ۱۳۵۰۰ تومان از حقوق پرداخت می‌شود، یارانه سپاه هم ۴۵۰۰ تومان است و در صورت فوت عادی، حین خدمت یا شهادت به ترتیب ۶۰، ۸۰ و ۱۰۰ میلیون تومان پرداخت می‌شود. این برای خانواده‌ها هم در نظر گرفته شده است. همچنین منازل پاسداران را هم بیمه کرده‌ایم. برای نمونه در برابر سیل، زلزله و آتش‌سوزی تا سقف ۴۰ میلیون پرداخت داریم. از سال ۹۰ هم طرحی را شروع کرده‌ایم که بیمه عمر و زندگی بدون شرط فوت است و در این بیمه ۲۰ ساله سپاه ۲۰ درصد از حق ماهیانه را یارانه می‌دهد و مابقی از حقوق کسر می‌شود و پس از ۲۰ سال مبلغی قابل توجه به فرد پرداخت می‌شود که در تعریف ما مثل یک فرزند پاسدار که این پرداخت برایش انجام شود، پس از ۲۰ سال که زمان ازدواج او است دیگر مشکل خانه، ازدواج و وسیله نقلیه نخواهد داشت. بیمه عمر مانده بدهکار هم برای پرداخت وام‌های افراد در صورت فوت پیش از اتمام اقساط در نظر گرفته‌ایم. بیمه خودرو نیز در سبد بیمه ما است که هم شامل شخص ثالث، هم بدنه است که در ده قسط از سوی شرکت‌های تابعه ما انجام می‌شود.اماکن سپاه هم تحت بیمه مؤسسه هستند و ما حاضریم اقدامات بیمه‌ای خاص را مبتنی بر دستورالعمل‌های حفاظتی علاوه بر این بیمه برای ساختمان‌ها و مراکز سپاه انجام دهیم.

***برای حوزه درمان و هزینه‌های درمانی چه تسهیلاتی دارید؟**

همان‌طور که گفتید بخش دوم کار ما تهدیدات درمانی است که بخشی شامل هزینه‌های درمان است. بر این اساس من ابتدا به بیماران صعب‌العلاج اشاره کنم که تمامی بیماران صعب‌العلاج پاسدار و خانواده آنها در سپاه شناسایی شده‌اند. ما الآن ۶۱ گروه بیماری خاص در قالب ۳۹۴ عنوان بیماری را در این لیست داریم و چند سالی است که حق نگهداری به صورت سه ماه یک بار و نیز ۱۰۰ درصد هزینه درمانی آنها پرداخت می‌شود. امسال از شهریور ماه سبد کالا هم به آنها اختصاص داده شده که با مراجعه به فروشگاه‌های اتکا و به روزرسانی کارت حکمت در کارت شارژ شده و می‌توانند به اندازه شارژ شده خرید سوپری مبتنی بر نیازهای خود را انجام دهند. ما در سپاه خانواده‌هایی داریم که حتی سه تا پنج نفر بیمار صعب‌العلاج دارند.

***درباره صندوق شفا توضیح دهید.**

امروز افزون بر آنچه در مجموعه وزارت دفاع در قالب سازمان خدمات درمانی برای پوشش هزینه‌های درمانی نیروهای مسلح انجام می‌شود، در سپاه برای پوشش هزینه‌های درمانی اضافه که در اثر مراجعه به مراکز خصوصی ایجاد می‌شود، اعتبارات صندوق درمانی شفا در نظر گرفته شده که بر این اساس در هر مورد صندوق شفا حداکثر برابر پرداختی سازمان خدمات درمانی به بیماران پرداخت می‌کند. برای این منظور باید به بهداری‌های رده مراجعه شده و اسناد در سامانه‌ای که برای این منظور تعبیه شده بارگذاری شود و پرداخت پس از تأیید اسناد خودکار انجام می‌شود.

***برنامه دوم صندوق شفا چه بود؟**

در شهرهایی که نیروهای مسلح مرکز درمانی نداشتند، اعتبارات برنامه دوم صندوق شفا به کار گرفته می‌شد که برای بستن قرارداد با مراکز درمانی آن شهرها پایان سال ۹۴ با توجه به برخی بی‌عدالتی‌ها و نارسایی‌های این طرح، آن را متوقف کردیم. الآن عمده این مسائل بر طرف شده و در طرح جدید از شهریور ماه امسال در سه استان پایلوت دوباره شروع می‌شود و پس از رفع مشکلات طرح دوباره در شهرهای هدف اجرا می‌شود.

***چه ساختاری را برای ارتباط پاسداران با خود و رساندن خدمات به آنها پیش‌بینی کرده‌اید؟**

ما در کل رده‌ها در مراکز خدمات کارکنان نماینده بیمه و درمان داریم که کارهای خدماتی این حوزه را انجام می‌دهند. خط کوثر ۷۰۱۸۱ و نیز تلفن ۴۶_ ۰۲۱۲۲۶۶۲۹۴۴ هم خط ارتباطی ماست.

***و اما نکته پایانی؟**

مسئله اول اینکه برگه بیمه عمر و زندگی صادر شده و از ابتدای شهریور آماده تحویل به پاسدارانی است که در این طرح شرکت کرده‌اند. دوم اینکه خانواده بیماران صعب‌العلاجی که از سال ۹۳ مدارک خود را به‌روزرسانی نکرده‌اند، هر چه سریع‌تر این کار را نجام دهند تا خدمات آنها قطع نشود.

نکته آخر هم متوجه تمام شرکت‌ها و مؤسسه‌ها و ادارات زیر مجموعه سپاه است که نیروهای قراردادی دارند. ما برای این نیروها در قالب کشوری بیمه مکمل درمان در نظر گرفته‌ایم که خدمات بسیار خوبی دارد و تمامی مجموعه‌های اشاره شده می‌توانند نیروهای خود را برای تحت پوشش قرار دادن معرفی کنند که تعداد هم در این طرح سقف و کف ندارد و به صورت کشوری به بیمه معرفی می‌شوند که هم هزینه کمتری دارد و هم خدمات بیشتری ارائه می‌دهد.

پاسداران خورشید

همسر قمر فاطمیون شهید مدافع حرم حسین هریری

صورتش زیبا و سیرتش زیباتر بود

احسان امیری / زیبایی چهره شهید حسین هریری باعث شده بود در جبهه مقاومت اسلامی به «قمر فاطمیون» معروف شود. حسین یک ایرانی ساکن خراسان رضوی بود که بنا به دلایلی از طریق لشکر فاطمیون به سوریه اعزام شد و در ۲۰ آبان ماه ۱۳۹۵ در ۲۷ سالگی به خیل شهدای مدافع حرم پیوست. «زهراسادات رضوی» همسر شهید، دختر جوانی است که هنوز زندگی مشترکش را آغاز نکرده، همسر شهید شد. در ادامه، او از شهیدش می‌گوید:

«حسین، کارمند پدرم در بخش بازرسی قطار متروی مشهد بود. از طرفی پدر من و ایشان هشت سال با یکدیگر دوست بودند و همدیگر را می‌شناختند. همچنین در هیئات مذهبی حسین‌آقا با برادرم دوست شده بود. مادر حسین‌آقا در مراسم روضه‌ای که در خانه‌مان برگزار شده بود، من را دید و بعد از گذشت مدتی از این موضوع، من را برای پسرش خواستگاری کرد. یک روز خانواده حسین با خود حسین برای مراسم خواستگاری به خانه ما آمدند.

قبل از آن یک‌بار اسفندماه سال ۹۴ تا اردیبهشت‌ماه سال ۹۵ به مدت سه ماه در سوریه مأموریت داشت. از قرار وقتی دوست صمیمی حسین به شهادت رسید، او هم به ایران بازمی‌گردد.

یکی از شرط‌هایش این بود که چون رزمنده مدافع حرم هستم دوست دارم باز هم به عنوان مدافع حرم باقی بمانم و نمی‌خواهم ازدواج مانعی برای اعزام مجددم شود. در پاسخ گفتم دقیقاً من هم از همسر آینده‌ام این انتظار را داشتم که حداقل یک بار هم شده برای دفاع از حرم حضرت زینب(س) قدمی برداشته باشد. همسرم از شرط من خیلی تعجب کرد. زیرا هر کجا برای خواستگاری رفته بود و این شرط اعزام شدن مجدد خودش به سوریه را اعلام کرده بود، طرف مقابل نپذیرفته بود. حتی خود شهید به من گفت؛ شما چرا قبول کردید؟ خیلی از دخترهای نسل امروزی در این وادی‌ها نیستند. عجیب است که شما پذیرفتید.

از روزی که همسرم برای اعزام مجدد می‌خواست راهی شود خودم پابه‌پایش او را همراهی کردم. حتی خود شهید به علت اعتقادی که داشت به من می‌گفت: «چون تو دختر سید هستی، فرم مشخصات بنده را بنویس و ارسال کن تا کارهایم زودتر انجام شود.» از آنجا که شهید در اعزام‌های قبلی از سوی دشمن شناسایی شده بود برای اعزام مجدد با مشکل روبه‌رو بود. در هر حال من دوست نداشتم در رفتن همسرم به سوریه «نه» بیاورم، حسین‌آقا از من پرسید: «تو واقعاً از ته قلبت راضی هستی که من به سوریه اعزام شوم؟» در جواب گفتم هرچه خدا صلاح می‌داند، همان خواهد شد و نمی‌خواستم در روز محشر شرمنده حضرت زینب(س) باشم.

۲۰ تیرماه سال ۹۵ رسماً به عقد یکدیگر درآمدیم. بعد از یک ماه قصد رفتن به سوریه را کرد که حتی دوستانش به او گفتند؛ شما تازه عقد کردی برای چه می‌خواهی بروی. در همین حین از تهران پرونده اعزامی‌اش برگشت خورد، چون چهره حسین در سوریه نزد تروریست‌ها شناخته شده بود. برای اعزام مجددش به او اجازه ندادند که برود تا اینکه با تلاش بسیار موفق شد. ۱۰ آبان‌ماه ۹۵ با نام مستعار قمر فاطمیون و از طریق لشکر فاطمیون توانست اعزام شود. ۲۲ آبان‌ماه هم به شهادت رسید. کلاً چهارماه دوران عقد ما با هم طول کشید.»

گلی از باغ

«احمد متوسلیان هستم»

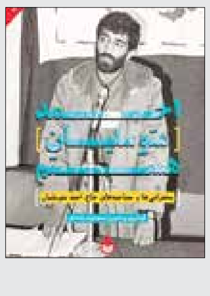

کتاب «احمد متوسلیان هستم» را چند روز پیش انتشارات نارگل منتشر و روانه بازار کتاب کرد. «احمد متوسلیان هستم» شامل سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های حاج‌احمد متوسلیان، فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) است که زحمت جمع‌آوری، تنظیم و گویاسازی آن به عهده محمدجواد شادانلو بوده و در این مسیر، علی‌اصغر بهمن‌نیا، مدیر انتشارات نارگل و محمدعلی صمدی نیز او را کمک کرده‌اند.

«احمد متوسلیان هستم» ۴۳۲ صفحه است که پس از مقدمه، در فصل اول آن زندگی‌نامه حاج‌احمد متوسلیان گنجانده شده است. گفتنی است تا فصل بیستم، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های جاویدالاثر متوسلیان آمده است و در آخر هم بخش‌های اسناد و عکس‌ها، کتاب‌شناسی، فیلم‌شناسی و نمایه آمده است تا مطالعه این کتاب را برای محققان و پژوهشگران دلپذیرتر کند.

متن کتاب با دو رنگ به چاپ رسیده و عکس‌های ضمیمه شده، همگی چهار رنگند. برای نام‌های خاص و پانویس‌ها از رنگ دوم که طیفی از سبز و آبی را در خود دارد، استفاده شده و صفحه‌آرایی ساده، اما مدبّرانه کتاب، خواننده را به خواندن ادامه آن ترغیب می‌کند. در صفحه ۳۱۷ کتاب «احمد متوسلیان هستم» و در بخش هفدهم که شامل مصاحبه با راوی دفتر سیاسی سپاه و جمع‌بندی عملیات الی بیت‌المقدس است و در ۹ و ۱۱ خرداد ماه ۱۳۶۱ انجام شده، می‌خوانیم:

«سؤال: راجع به شهادت برادر قجه‌ای توضیح بفرمایید. احمد متوسلیان: برادر قجه‌ای در اوایل ورود ما به مریوان به آنجا آمد و در تمام عملیات‌هایی که در مریوان انجام شد، نقش مؤثر داشت. عامل باز شدن جبهه‌ای علیه عراق در منطقه مریوان و همین‌طور عامل پاک‌سازی قسمت‌های زیادی از مریوان ایشان بود. همه جا شجاعت، ایمان، بردباری، فکر و اندیشه خوب و حسن خلق او، زبانزد برادرها بود.»

قبیله عشق

زینبم را زینب‌گونه بزرگ کن

آخرین باری که به خانه آمد، خیلی کنار دخترمان نشست. مرتب می‌بوسیدش و به او محبت می‌کرد. آن روز حالت خاصی داشت. انگار دفعه آخری بود که دخترمان را می‌دید. گفتم: «علی آقا چی شده؟ چرا کارهات با همیشه فرق داره؟ مگه قراره اتفاقی بیفته»؟ نگاه معناداری به من کرد و گفت: «این دفعه آخره که شما و زینب را می‌بینم. حلالم کنید. ازت خواهش می‌کنم زینب من را زینب‌گونه بزرگ کنی.»

به نقل از همسر شهید

شب عملیات کربلای ۱ لباس خیلی مرتبی پوشیده بود و از همه حلالیت می‌طلبید. گفتم: «چی شده؟» گفت: «ببین آقا مجید، این طور که معلومه باید خودمان را برای یک نبرد جانانه آماده کنیم. امشب عاشورا است و اینجا هم کربلا». بعد با دست به نیروهای گردان اشاره کرد و گفت: «اینها نیروهای گردان شهادتند، هیچ کدام نباید امشب جلوی دشمن کم بیاورند. گردان ما خط‌شکن است. اگر این گردان کپ کند و به دشمن یورش نبرد، بقیه گردان‌ها حتماً به مشکل می‌خورند. باید امشب کاری کنیم که دشمن دیگر حتی فکر تجاوز به خاک ایران را هم نکند.»

به نقل از مجید صبری همرزم شهید

شهید «علی‌اصغر صفرخانی» ۱۰ شهریور ۱۳۴۳ در کرج دیده به جهان گشود. وی فرمانده واحد «آرپی‌جی» تیپ ذوالفقار لشکر ۲۷ و سپس فرمانده گردان ویژه شهادت بود که در عملیات کربلای ۱ در ۹ تیر ۱۳۶۵ زمانی که تازه وارد ۲۱ سالگی شده بود، وظیفه شکستن خطوط دفاعی دشمن در منطقه مهران را بر عهده داشت. به دنبال شکسته شدن خطوط دشمن در محورهای تعیین شده، نیروهای سپاه اسلام برای آزادسازی شهر مهران که در اشغال عراقی‌ها بود، به سوی این شهر روانه شدند. صبح ۱۰ تیر ۱۳۶۵ علی‌اصغر صفرخانی که همراه همرزمانش در حال حرکت بود، بر اثر اصابت ترکش خمپاره به شهادت رسید.

گزارش خبری

سرلشکر باقری در جمع فرماندهان نیروی زمینی سپاه

شجاعت، ابتکار و خلاقیت و مجاهدت شما امنیت را در مرزها برقرار کرد

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، قدرت موشکی ایران را دفاعی، غیر قابل مذاکره و معامله دانست و گفت: هم‌ردیف شمردن سپاه با گروه‌های تروریستی و اعمال تحریم‌های مشابه، ریسک بزرگی برای آمریکایی‌ها، پایگاه‌ها و نیروهای آنها در منطقه است.

سردار سرلشکر محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در همایش فرماندهان نیروی زمینی که در مشهد مقدس برگزار شد با ارائه تحلیلی از وضعیت منطقه و جهان اظهار داشت: «با گذشت نزدیک به چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی و حدود سه دهه از پایان دفاع مقدس، با وجود تداوم توطئه‌ها و تهدیدات متعدد جبهه دشمن و تشدید سرمایه‌گذاری ضد ایرانی اذناب منطقه‌ای آمریکا و رژیم صهیونیستی، جمهوری اسلامی ایران در اوج عزت، اقتدار و عظمت است و به راه نورانی و الهام‌بخش خود ادامه می‌دهد.»

وی با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی ایران امروز قوی‌تر و موفق‌تر از همیشه، توان آمادگی و دفاعی خود را برای مقابله با تهدیدات حفظ و ارتقا بخشیده است، تصریح کرد: «جمهوری اسلامی ایران با تمرکز بر راهبرد ظرفیت‌سازی پیش‌رونده و متراکم دفاعی توانسته است، با دفاع جانانه از مرزهای کشور و جانفشانی مدافعان حرم و کمک به کشورهای محور مقاومت در مقابله با تروریست‌های تکفیری، صحنه نبرد را به مناطق دوردست منتقل کند و امنیت مثال‌زدنی را برای مردم خود به ارمغان بیاورد.»

وی تصریح کرد: «هم‌ردیف شمردن سپاه با گروه‌های تروریستی و جاری کردن تحریم‌های مشابه آنان برای سپاه ریسک بزرگی برای آمریکا و پایگاه‌ها و نیروهای مستقر آنها در منطقه است.»

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با اشاره به توصیه مجامع قانون‌گذاری آمریکا برای در نظر گرفتن احتیاط و عمق بیشتر نسبت به تصمیم‌گیری درباره اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران تأکید کرد: «قدرت موشکی جمهوری اسلامی ایران دفاعی است و هرگز قابل معامله و مذاکره در هیچ سطحی نیست.»

سردار باقری در بخش دیگری از سخنان خود با قدردانی از نقش نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مقابله با تهدیدات و برقراری امنیت در مناطق مرزی گفت: «در شرایطی که کشور با تهدیدات فرامنطقه‌ای، جنگ‌های نیابتی منطقه‌ای و کوتاهی برخی همسایگان در کنترل وضعیت امنیتی مرزهای مشترک مواجه است؛ نیروی زمینی نقش ممتازی را عهده‌دار شده است و با استقبال از مأموریت‌ها، در کمال شجاعت، ابداع و ابتکار و خلاقیت، مجاهدانه نقش بی‌بدیلی را در برقراری امنیت در شمال غرب، جنوب شرق، شمال شرق و جنوب غرب کشور ایفا کرده است.»

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با اشاره به فعالیت‌های بهداشتی، درمانی و مردم‌یاری و محرومیت‌زدایی نیروی‌زمینی سپاه که توأم با پرداختن به مأموریت‌های امنیتی در مناطق مرزی در دستور کار این نیرو قرار دارد، خاطرنشان کرد: «اقدامات تحسین‌برانگیز نیروی زمینی سپاه بخش اندکی از نقش‌آفرینی‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در امر توجه به سازندگی، عمران و آبادانی کشور است.»

تریبون

جمع‌بندی تریبون ۷

چرا عده‌ای به دنبال جابه‌جایی مسائل اصلی و فرعی هستند؟

ششمین هم‌اندیشی پیامکی تریبون را به مسئله جابه‌جایی اولویت‌های فرعی با اصلی در کشور اختصاص دادیم که در ادامه نظرات شما همراهان گرامی می‌آید.

انحراف افکار عمومی

عده‌ای این مسئله را برای ایجاد انحراف در افکار و اذهان عموم مردم از مسائل اصلی و بازخواست نکردن مردم از آنها در این مسائل می‌دانند که از این میان می‌توان به «محمد نخعی» از بیرجند، «رضا ولی‌پور» از ایوانغرب، «محسن قاسمی» از نهاوند، «علی محرمی» از چالدران، «محسن کوشکی» از خرم‌بید، «حسین رضایی‌نژاد» از قاینات، «مجید فیاضی‌پور» از دهدشت و «حمد زارعی‌برآبادی» از خواف اشاره کرد.

سرپوش گذاشتن روی کم‌کاری‌ها و نقاط ضعف

سرپوش گذاشتن روی کم‌کاری‌ها، بی‌لیاقتی‌ها، اجرا نشدن وعده‌ها و انحرافات مسئله‌ای بود که عده‌ای دیگر از همراهان گرامی در این موضوع به آن اشاره کردند که از این میان می‌توان به «داوود محمدی» از زنجان، «جواد آبی» از همدان، «جمال کشاورزی» از خرامه، «محمدباقر رضایی» از لنده، «محمد تاجی» از کرج، «حمزه محمدپورچهل‌گز» از اردبیل، «حیدربکاء عین‌الدین» از بستان‌آباد و «علیرضا فیروزی» از خرم‌دره اشاره کرد.

نداشتن بصیرت و تشخیص

نداشتن بصیرت و تشخیص در میان همه دلایل به نظر خوش‌بینانه‌ترین حالتی بوده که از سوی همراهان گرامی بیان شده است که در این میان «احمد محمدی‌فرد» از آبیک و «مریم احمدی‌نبی» از بن بر این نظر تأکید داشتند.

شانه خالی کردن از مسئولیت‌ها و فرار از پاسخگویی

اما فرار از مسئولیت‌های اصلی و نبود پاسخگویی نسبت به مسئولیت‌ها دیگر دلیلی بود که به منزله روی دیگر سکه در مسئله سر پوش گذاشتن روی ضعف‌ها بیان شده که در این موضوع «مرتضی امیری‌نژاد» از بوئین‌زهرا، «سیدمحمد میرنبی‌زاده» از بندرعباس و «شهربانو اکبری» از کرج به بیان نظراتی در این حوزه پرداختند.

بهره‌برداری سیاسی، حزبی و باندی

بهره‌برداری سیاسی از جریان‌سازی مسائل فرعی و به حاشیه بردن نیازهای اساسی کشور برای کسب منافع شخصی، گروهی و باندی هم موضوعی بود که عزیزانی چون؛ «سیما ساریخانی» از خرمی، «بهروز ریاحی‌نبی» از جزیره قشم و «ایمان آباد» از برازجان مطرح کردند.

رسیدن به منافع و اهداف خاص

اما عده‌ای دیگر منافع و اهداف خاص اعم از جاسوسی، مقابله با اصل نظام، آسیب‌زده به هویت و حیثیت ملی و از این قبیل را دیگر دلیل جابه‌جا کردن اولویت‌ها دانسته‌اند که «محمد کریم‌زاده»، «سیدمحمد خدایی» از اردکان، «عیسی رحیمی‌نیا» از زاهدان، «میثم ولی‌پور» از آشخانه، «الله‌قلی کوشکی» از خرمی، «حسین کوشکی» از صفاشهر و «حجت‌الله عبدی» از بروجرد بر این امر اشاره داشتند.

تعداد زیاد دیگری از همراهان گرامی نیز در این هم‌اندیشی با مضامینی شبیه به مواردی که در بالا اشاره شد، شرکت داشتند که به علت نبود فضای لازم از بیان نظرات خاص و اسامی آنها خودداری می‌کنیم.

برندگان تریبون ۷

«بهروز ریاحی‌نبی» از جزیره قشم / «محمد نخعی» از بیرجند / «عیسی رحیمی‌نیا» از زاهدان.

پرسش تریبون ۸

مهم‌ترین معضل اقتصاد ایران را چه می‌دانید؟

شماره پیامک ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

صبح صادق
دوشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۶
۲۹ شوال ۱۴۳۸
سال هجدهم شماره ۸۰۸
۱۲ صفحه
Mon. 24 JULY 2017
www.sobhesadeghweekly.ir
هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی صبح صادق
زیر نظر شورای نویسندگان معاونت سیاسی
نمایندگی ولی فقیه در سپاه
تلفن: ۱۱۰-۱۰۰-۷۷۴۶۰(۰۲۱)
صندوق پستی: ۱۷۳۸۵/۱۸۵
سایت اختصاصی: ssweekly.ir
رایانامه: sobhesadegh@iran.ir
سامانه پیامک کوتاه: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳
نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
کانال پیام‌رسان سروش: @ssweekly
کانال تلگرام @SobheSadeghWeekly

صبحانه

جاده صبح

هوای صبح را از همه سو نفس می‌کشم
دستی بر شاخساران بلند نیایش
و دستی به هیاهوی روزی و دغدغه نان
لابه‌لای دقایق رها ساخته‌ام
پروردگارا! با اولین قدم‌هایم بر جاده‌های صبح
نامت را عاشقانه زمزمه می‌کنم
کوله‌بار تمنایم خالی است
و موج سخاوت تو، همچنان جاری
نمی‌ایستم از حرکت
تا باران مهربانی‌ات نایستد
سپاس و ستایش از آن توست که
با چنگ خورشید در پرده شب زده‌ای،
و صبح را چون جلوه جبروت خویش
بر عالم گسترده‌ای....

صادقانه

چهار عامل شکست دولت‌ها

امام علی(ع) می‌فرمایند:
چهار عمل سبب شکست دولت‌ها می‌شود؛
۱ـ ضایع کردن مسائل مهم؛
۲ـ سرگرم شدن به امور کم اهمیت؛
۳ـ به کار گماردن آدم‌های نالایق؛
۴ـ کنار گذاردن انسان‌های لایق.
غررالحکم/ صفحه ۳۴۲

تلخند

جراید: تصویب نهایی پیشنهاد توزیع مواد مخدر دولتی!

طرح: عباس گودرزی

یادداشت

حبیب سینمای ایران؛ تهیه‌کننده خط‌شکن

□ **حسین کارگر/** تهیه‌کنندگی، کسوتی است که بیشتر به مسائل مالی و اقتصادی سینما گره خورده است و به همین دلیل هم افرادی که در این بخش فعالیت می‌کنند، بیش از آنکه به عنوان چهره فرهنگی و صاحب هنر و اندیشه به نظر برسند، افرادی کاسب‌کار و مال‌جو شناخته می‌شوند، به طوری که متهم ردیف اول بسیاری از معضلات امروز سینمای کشور را تهیه‌کنندگان می‌دانند، چون همان طور که بیان شد، افراد شاغل در این بخش از سینما عموماً منافع مادی را بر مصالح و ارزش‌های فرهنگی ترجیح می‌دهند.

اما حبیب‌الله کاسه‌ساز از معدود تهیه‌کنندگانی بود که نام نیکویی از خودش به جا گذاشت. او یکی از تهیه‌کنندگان خط‌شکن و تأثیرگذار سینمای ایران بود که همه عمر و سرمایه زندگی خود را صرف خدمت به فرهنگ و هنر انقلاب اسلامی کرد و بیش از سود مالی و کسب اقتصادی در پی احیا و اعتلای ارزش‌ها در حوزه سینما و تلویزیون بود.

او پیش از پیوستن به جرگه تهیه‌کنندگان، مدیر تولید بود و در چند پروژه مهم تاریخ سینمای ایران فعالیت کرده بود. ازجمله این فیلم‌ها می‌توان به «حماسه مجنون» و «هور در آتش» اشاره کرد. اما کاسه‌ساز بیشتر با تهیه‌کنندگی فیلم‌های «اخراجی‌ها» و «اخراجی‌های ۲» شناخته می‌شود. عهده‌دار شدن تولید این دو فیلم از سوی کاسه‌ساز، اقدام شجاعانه‌ای بود، چون بسیاری معتقد بودند که مسعود ده‌نمکی به دلیل نداشتن تخصص و تجربه در زمینه کارگردانی، نمی‌تواند این دو فیلم را بسازد. اما مرحوم کاسه‌ساز پشت فیلم اول ده‌نمکی ایستاد و در نتیجه، راهی جدید و تجربه‌ای متفاوت در سینمای دفاع مقدس رقم خورد. این دو فیلمی که با تهیه‌کنندگی حبیب‌الله کاسه‌ساز ساخته شدند، افزون بر اینکه جزو پرفروش‌ترین و پرتماشاگرترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران هستند و توانستند در دوران بحران اقتصادی به رونق سینمای ایران کمک کنند، ازجمله مهم‌ترین فیلم‌هایی نیز هستند که جریان‌سازی وسیعی را در فرهنگ و هنر دفاع مقدس رقم زدند.

اما یکی دیگر از خط‌شکنی‌ها و اقدامات مهم حبیب‌الله کاسه‌ساز، تولید مستند ادواردو آنیلی بود. این مستند برای اولین بار از رازهای زندگی و مرگ فرزند یکی از بانفوذترین خانواده‌ها در ایتالیا پرده برداشت. تا پیش از مستند ادواردو، بسیاری نمی‌دانستند که این فرد، یک مسلمان شیعه انقلابی است. حتی علت مرگ وی، خودکشی اعلام شده و در قبرستان مسیحیان به خاک سپرده شده بود. اما مستند کاوشگرانه‌ای که با تهیه‌کنندگی کاسه‌ساز و کارگردانی سیاوش سرمدی ساخته شد، نشان داد که ادواردو چگونه به اسلام گرویده، به ایران آمده و با امام خمینی و امام خامنه‌ای بیعت کرده و حتی قصد داشته برای تحصیل در زمینه علوم دینی به حوزه علمیه قم برود و در نهایت به دست مافیای صهیونیستی در ایتالیا به شهادت رسیده بود.

حبیب‌الله کاسه‌ساز قصد داشت درباره این موضوع یک فیلم داستانی سینمایی هم تولید کند؛ اما متأسفانه به بیماری سرطان معده مبتلا شد و در نهایت، روز چهارشنبه ۲۸ تیر، جان به جان‌آفرین تسلیم کرد.

حرف تو حرف

هزینه رأی اعتماد صرف امور خیریه شود

با احترام به همه خدمتگزاران صدیق در دولت و مجلس؛ با توجه به حضور برخی وکیل‌الدوله‌ها در مجلس شورای اسلامی و اطمینان نسبی از اینکه همه وزرای پیشنهادی روحانی با چشمان باز!! رأی اعتماد خواهند گرفت، چند پیشنهاد خدمت نمایندگان محترم تقدیم می‌شود:

۱ـ هزینه مراسم رأی اعتماد صرف امور خیریه شود. ۲ـ علی مطهری و محمود صادقی به نمایندگی از مجلس در مراسم معرفی وزیران شرکت کنند. ۳ـ طبق لایحه‌ای اختیارات مجلس در بحث رأی اعتماد به کرباسچی و تهیه‌کنندگان لیست امید در تهران واگذار شود. ۴ـ مجلس مثل بررسی سند ۲۰۳۰ ظاهر و مدارک (۲ قطعه عکس و تصویر شناسنامه و...) وزیران پیشنهادی را بررسی کند تا چارچوب ظاهری ایراد نداشته باشد. ۵ـ بر اساس الگوی برد ـ برد دولت متعهد شود به ازای رأی کامل به لیست پیشنهادی، نمایندگان محترم را در جریان بخشی از امور کشور و تعهدات بین‌المللی قرار بدهد! ۶ـ آقای لاریجانی برای تشویق به هر نماینده‌ای که فقط اسمش را در لیست نطق برای مخالفت با وزرای پیشنهادی بنویسد، اجازه حضور در سه تور بین‌المللی همراه با اعضای کمیسیون امنیت ملی مجلس بدهد. ۷ـ برای خالی نبودن عریضه فقط رأی به وزیران زیر را با تعهدی آهنین مشروط کنند: وزیر مسکن و شهرسازی: با توجه به حجم بالای مسکن اجتماعی از ساخت مسکن جدید منصرف شود. وزیر آموزش و پرورش: برای جذب بودجه گروگانگیری نکند (اظهارات نوبخت) وزیر دفاع: به موشک‌ها دست نزند و تفنگ را از سرهنگ‌ها بگیرد! وزیر اطلاعات: در کودکی نقاشی کرده باشد! وزیر علوم: حتماً از کسانی باشد که دستی بر آتش فتنه ۸۸ داشته بوده باشد! وزیر فرهنگ و ارشاد: حتماً کنسرت‌ها را در اولویت برنامه‌های خود قرار دهد!

بی‌شناسنامه

کشکیات

آفتاب برجام...

من که نزد کدخدا عرض ارادت داشتم
کی به این وضعیت بغرنج عادت داشتم
چندسالی با امید رفع هر تحریم سخت
بهر هم‌صحبت شدن با او سعادت داشتم
جای‌تان خالی چقدر آنجا هوایش خوب بود
بین لوزان و ژنو دائم سیاحت داشتم
راه می‌رفتیم با هم در خیابان‌های شهر
با کری یادش بخیر آنجا رفاقت داشتم
خنده و لبخندها را خرج کردم در وین
در تمام خنده‌های خود ظرافت داشتم
هرچه می‌خواهد بگیرد هرچه را هم برد، برد
من شعار برد ـ برد آن هم بغایت داشتم
برخلاف بی‌سوادان، بر تمام نقدها
گرچه از افراط برمی‌خاست، طاقت داشتم
دولتی شنگول و منگولم، لطیف و خوشدلم
من به هر مهمان که می‌آمد ارادت داشتم
ناگهان یک گرگ آمد، گرگ همچون مادر است
باز کردم در به رویش، چون شجاعت داشتم
کرده‌ام ثابت به تنهایی که او گفته دروغ
در عوض مردم من از اول صداقت داشتم
شرح دادم آفتاب روشن برجام را
در بیان افتخاراتم صراحت داشتم

عارف‌نژاد و یثربی

کتیبه سبز

دل آیینه‌ها

در قم که آمدم دل سنگم جلا گرفت
مثل کبوتری به حریم تو جا گرفت
گرد و غبار دور و بر صحن این حرم
گرد و غباری از دل آیینه‌ها گرفت
باران، قنوت، اشک، کبوتر، کنار تو
در این میانه نور تو دست مرا گرفت
وقتی نگاه من به تو افتاد این دلم
حال و هوای باب جوادِ رضا گرفت
جسمم کنار خواهر و قلبم صحن رضاست
اشکم تمام فاصله‌ها را فراگرفت
این خادمان کوی تو گفتند می‌شود
از دست مهربان شما کربلا گرفت

یحیی نژاد سلامتی

بهتر از این غزل

هر کس به احترام مقام تو خم نشد
آقا نشد، بزرگ نشد، محترم نشد
دل خسته بود و راهی این آستانه شد
دل خسته بود و راهی باغ ارم نشد
گفتند مرقدت حرم آل‌فاطمه است
با این حساب هیچ کسی بی‌حرم نشد
این حاجت من است الهی قلم شود
دستم اگر برای تو بانو قلم نشد
باز این چه لطفی است که در حق ما شده
ما شاعرت شدیم، ولی محتشم نشد
می‌خواستم برای تو بهتر از این غزل
من را ببخش آنچه که می‌خواستم نشد

مجید تال

نگاهی به فیلم «اکسیدان»

همه چیز برای فروش

□ **آرش فهیم/** «اکسیدان» شاید در نگاه اول فیلم چندان مهم و چشمگیری به نظر نرسد، ولی حداکثر یک فیلم ضعیف و سرگرم‌کننده است که با هدف تجارت و سود اقتصادی ساخته شده است؛ اما واقعیت این است که این فیلم، هم نمونه قابل مطالعه‌ای برای فیلمسازان است که می‌توان با بررسی آن فهمید آنچه در سینما، پیش پا افتاده و سطحی خوانده می‌شود، دقیقاً چیست و هم برای تهیه‌کنندگان یک عبرت است تا ببینند هدف قرار گرفتن گیشه چگونه باعث می‌شود تهیه‌کننده‌ای، چون «منوچهر محمدی» از تولید آثار فاخری، مانند «زیر نور ماه» و «طلا و مس» به «اکسیدان» برسد.

«اکسیدان» روایت جوانی به نام اصلان است که نامزدش به یکی از کشورهای اروپایی مهاجرت کرده و این جوان قصد دارد خود را به آنجا برساند و وی را برگرداند؛ اما برای گرفتن روادید با ممانعت‌هایی مواجه می‌شود. او در این مسیر با یک دلال مهاجرت آشنا می‌شود و با نقشه او ابتدا خود را یک کشیش مسیحی جا می‌زند تا از این طریق روادید بگیرد؛ ولی باز هم موفق نمی‌شود. او باز هم نقش‌های دیگری بازی می‌کند؛ اما در نهایت متوجه می‌شود که نامزدش در خارج با فرد دیگری ازدواج کرده است.

«اکسیدان» قرار بود یک کمدی باشد؛ اما مسئله مهم درباره این فیلم نبود موقعیت و حتی دیالوگ کمدی است. این فیلم حتی داستان و فیلم‌نامه به معنای واقعی هم ندارد. متن فیلم از حداقل قابلیت‌های یک فیلم‌نامه هم خالی است. تنها چیزی که محتوای فیلم را تشکیل می‌دهد، شوخی‌های کلامی پیش پا افتاده‌ای است که معمولاً بین مردم رواج دارد.

قصه و روایت فیلم به قدری خلل و حفره دارد که گویی آن را یک فرد آماتور که از حداقل اطلاعات سینمایی بی‌بهره است، نوشته است. معلوم نمی‌شود چرا نامزد اصلان ناگهان او را رها می‌کند و به خارج می‌رود؟ چطور ممکن است دو جوان، در روز روشن به داخل یک کلیسا آن هم وسط تهران بروند و هر کاری می‌خواهند بکنند و هر چه می‌خواهند از آن سرقت کنند و کسی مانع آنها نشود؟ یعنی در یک کلیسا به آن بزرگی آن هم در ساعت اداری، حتی یک نفر نگهبان حضور ندارد؟ و... مشکلات فیلم‌نامه «اکسیدان» تا حدی است که می‌توان از ابتدا تا انتهای آن، چنین پرسش‌هایی را طرح کرد. هیچ منطقی در روایت فیلم وجود ندارد. به این مشکلات باید ضعف مفرط در کارگردانی را هم اضافه کرد. حامد محمدی در این اثر حتی نتوانسته است از بازیگران خود نقش‌آفرینی بگیرد؛ به طوری که جواد عزتی و امیر جعفری، همان تیپ‌های همیشگی را که معمولاً در سریال‌های طنز تلویزیونی ارائه داده بودند، در این فیلم تکرار کرده‌اند.

این فیلم مفاهیم مثبتی مانند نقد مهاجرت را دستمایه قرار داده است. حتی سکانس پایانی فیلم، آنجا که شخصیت روحانی با اصلان و کشیش سوار موتور هستند و می‌گوید: «تا وقتی فرمان به دست روحانیت است، خطری ما را تهدید نمی‌کند» (نقل به مضمون) موضوعات خوبی هستند که در فیلم مطرح شده‌اند؛ ولی مشکل این است که حجم ابتذال به قدری در فیلم بالاست که حرف‌های خوب فیلم در آن مستتر می‌شوند. به ویژه اینکه مضامین مثبت فیلم، بدون هیچ منطقی وارد فیلم شده‌اند و در نتیجه، این شوخی‌های رکیک فیلم هستند که به ذهن و فکر مخاطب منتقل می‌شوند، نه نفی مهاجرت و تبلیغ روحانیت اسلامی! این فیلم مصداق «تمیز کردن شیشه با دستمال کثیف است» که نه تنها به اصلاح فرهنگ جامعه و اعتلای ذهنی و روانی مخاطب خود کمکی نمی‌کند؛ بلکه قطعه‌ای است از جورچین ولنگاری فرهنگی، چون هم به انحطاط سینمای کشور یاری می‌رساند و هم بر ذائقه مخاطب، تأثیر منفی می‌گذارد؛ اما بیش از هر چیزی جای شگفت است که سازمان سینمایی این فیلم را با حداقل اصلاحات روانه اکران کرده است. «اکسیدان» تنها از یک دستگاه فرهنگی مختل و تقریباً تعطیل تولید می‌شود. باید از مدیران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان سینمایی پرسید که آیا می‌توانند این فیلم را همراه خانواده و فرزندان خود تماشا کنند؟ الفاظ رکیک و حرکات ضد اخلاقی فیلم را برای کودکان خود چگونه معنا می‌کنند؟

فیلم‌هایی مثل «اکسیدان» و امثال آن در درازمدت به اضمحلال و زوال سینما می‌انجامند؛ این معضل، نه تنها فرصتی برای بازسازی بدنه سینمای ایران و آشتی دادن مخاطبان نیست؛ بلکه تهدیدی علیه فرهنگ جامعه محسوب می‌شود؛ به ویژه اینکه می‌دانیم تعداد زیادی از این نوع آثار در نوبت اکران هستند و تعداد بسیار بیشتری نیز در مراحل مختلف تولید قرار دارند.

راش اضافه

«پرزیدنت؛ آکتور سینما» توقیف شد!

تولیدکننده مستند «پرزیدنت؛ آکتور سینما» از صادر نشدن مجوز نمایش عمومی برای این فیلم از سوی وزارت ارشاد خبر داد.

مؤسسه سفیر فیلم، تولیدکننده مستند «پرزیدنت؛ آکتور سینما» در نامه‌ای سرگشاده خطاب به وزیر ارشاد منتشر اعلام کرد: «با گذشت بیش از ۸۰ روز از درخواست سفیر فیلم و پس از بازبینی‌های انجام‌شده روی این اثر و ارجاع به شورای تخصصی بررسی فیلم‌های توقیفی، نهایتاً این پاسخ اعلام شده است که «فیلم مردود است و مجوز صادر نمی‌شود.» جنابعالی اخیراً بیان کرده‌اید «سیاست سازمان سینماییِ ما این است که اصلاحات را اعلام می‌کند و در صورت انجام اصلاحات دوباره برای پروانه نمایش بررسی می‌شود و در نهایت تأیید خواهد شد»؛ اما پیگیری‌های انجام‌شده از آن سازمان مبنی بر اعلام اصلاحات یا مواردی که باید حذف شوند، بی‌پاسخ مانده و استدلالی درباره غیر مستند بودن محتوای اثر یا عبور از خطوط قرمز، به سفیر فیلم اعلام نشده است.»

گفتنی است، مستند «پرزیدنت، آکتور سینما» به کارگردانی محمدرضا برونی به بررسی مذاکرات و روابط شوروی سابق با آمریکا می‌پردازد. در این فیلم، مسئله چشم دوختن به خارج از کشور برای نجات و حل مشکلات نقد شده است.

فیلم‌های رکیک باز هم به سینما می‌آیند؟!

رسانه‌ها از آغاز اکران یک فیلم مملو از شوخی‌های رکیک در روزهای آینده خبر دادند.

خبرگزاری فارس در این باره گزارش داد: «این فیلم که به وسیله کارگردانی ساخته شده که سابقه ساخت و تهیه فیلم‌های بعضا مبتذل را در کارنامه خود به ثبت رسانده، این بار با نگاه وهن‌آلودی نسبت به سنت ازدواج و با نمایش صحنه‌های سخیف قصد خنده گرفتن از مخاطب را دارد.

به نظر می‌رسد وزارت فرهنگ و ارشاد با ارائه مجوز نمایش به این فیلم قصد دارد یک‌بار دیگر وزیر را رودرروی نهادها و ارگان‌های دلسوز نظام قرار دهد و با ورود علمای دین باز هم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را درست مانند سنوات گذشته به عذرخواهی وادارد.»

رجانیوز هم گزارش داد: «شنیده‌های حاکی از آن است که فیلمی آلوده به حجم فراوانی از شوخی‌های رکیک جنسی و اشارات و کنایه‌های مبتذل تا چند روز دیگر در سینماهای کشور اکران خواهد شد. فیلمی که با اختلاف نسبت به سایر آثار مبتذل و کم ارزش چند سال اخیر به لحاظ میزان آلودگی در رتبه نخست قرار می‌گیرد.»

رونمایی از خاطرات همسر شهید لشکری

تازه‌ترین برنامه «شب خاطره» همزمان با سالروز عملیات مرصاد با رونمایی از کتاب «روزهای بی‌آیینه» برگزار خواهد شد.

سردار اسدالله ناصح در این برنامه به خاطره‌گویی از دوران جنگ و عملیات مرصاد خواهد پرداخت.

همچنین آیین رونمایی از کتاب «روزهای بی‌آیینه» خاطرات همسر شهید حسین لشکری به قلم گلستان جعفریان در این برنامه برگزار خواهد شد.

تازه‌ترین برنامه «شب خاطره» پنج‌شنبه پنجم مرداد ماه همزمان با سالروز عملیات مرصاد در تالار اندیشه حوزه هنری به نشانی خیابان سمیه نرسیده به پل حافظ برگزار خواهد شد.

خواننده مشهور آمریکایی خودکشی کرد

چستر بنینگتون، خواننده مشهور آمریکایی در لس‌آنجلس خودکشی کرد.

گفته می‌شود این خواننده ۴۱ ساله در منزلش خود را حلق‌آویز کرده است. نکته تأمل‌برانگیز این است که کریس کورنل، خواننده و دوست صمیمی بنینگتون نیز سه ماه قبل خودش را به همین شیوه کشته بود.

چستر بنینگتون که از وی در مقام بنیانگذار گروه موسیقی لینکین پارک یاد می‌کنند، به الکل و مواد مخدر معتاد بود.

براساس گزارش منابع خبری، وی پیش از این نیز اعلام کرده بود که در کودکی، هدف سوءاستفاده جنسی قرار گرفته بود و به همین دلیل قصد خودکشی دارد.

نخستین شب طنز انقلاب اسلامی برگزار می‌شود

نخستین شب طنز انقلاب اسلامی، برای شناسایی استعدادهای جدید در زمینه شعر طنز دوم مرداد ماه در حسینیه هنر برگزار می‌شود. نثر و شعرخوانی طنز، استندآپ کمدی، نمایشنامه‌خوانی و اجرای موسیقی و ترانه طنز از جمله برنامه‌هایی است که در این شب از سوی جوانان و پیشکسوتان این عرصه اجرا خواهد شد.

بنابراین گزارش، علاقه‌مندان به طنز و کمدی، می‌توانند برای حضور و ارائه آثار خود در این مراسم، از طریق نرم‌افزار پیام‌رسان تلگرام شعر خود را به نشانی @tanzym_sher ارسال کنند. این برنامه دوشنبه، دوم مرداد ماه در محل تالار اجتماعات حسینیه هنر واقع در میدان انقلاب، خیابان ۱۶ آذر، پلاک ۶۰ از سوی باشگاه طنز و کاریکاتور انقلاب اسلامی برگزار خواهد شد.

انتقاد از اکران برنده نخل طلا

با نمایش فیلم «من دنیل بلیک» در رژیم صهیونیستی، کن لوچ به منزله کارگردانی که از حامیان تحریم فرهنگی رژیم صهیونیستی است، زیر باران نقد رفت.

به گزارش مهر به نقل از گاردین، در حالی که کن لوچ در مقام یکی از منتقدان و معترضان به رژیم صهیونیستی شناخته می‌شود، نمایش گسترده فیلم او در مناطق تحت اشغال صهیونیست‌ها، وی را به این متهم کرده که او دیگر در زمره چهره‌های تحریم فرهنگی رژیم صهیونیستی قرار نمی‌گیرد.

این در حالی است که ادعا شده، وی اجازه داده است تا فیلمش در رژیم صهیونیستی نمایش داده شود.

حسن ختام

کائنات تو را می‌خوانند

و این تنها ما انسان‌ها نیستیم که
دریای وجودت را به ساحل انتظار نشسته‌ایم
از تبسم نسیم
تا رقص قاصدک
از شاعرانه باران
تا عاشقانه رود
از چشمک ستاره
تا بوسه ماه
از قدمگاه خورشید
تا ترانه گندمزار
از بشارت ابر
تا پیام رعد
از فراز کوه
تا فرود دشت
از سکوت آسمان
تا لالایی زمین
همه تو را می‌خوانند
همه حدیث عشق تو در دل دارند
و به تمنای رویت ذکر فرج سر داده‌اند